ژوندون

مجله هفتگی شنبه ٤ عقرب ١٣٥٣
شماره ٣٢



پهلوان اسلم برنده مدال برونز
درمسابقات آسیایی «رجوع به ص ٤٥»



اعضای تیم های بزکشی درحالیکه دسته های گل رابا خود دارند مرا تب احترام رادر برابر بناغلی رئیس دولت وصدراعظم قبل‌از مسابقه بجامی آورند .

بناغلی رئیس دولت وصدر اعظم بیرق

وکپ قهرمانی رابه تیم بزکشی تخار اهدا کردند

بناغلی محمد داود رئیس دولت وصدراعظم ساعت ۲ بعداز ظهر اول عقرب از مسابقات بزرگ بزکشی درچمن منطقه جشن دیدن کردند وبیرق وکپ بزرگ قهرمانی را به رئیس تیم ولایت تخار اهدا نمودند .

بناغلی محمدنعیم ، دکتور محمد حسن شرق معاون صدارت عظمی ، بعضی از اعضای کمیته مرکزی وهیات کابینه صاحب منصبان ارشد اردوی جمهوری،مامورین عالیرتبه والی کابل وکابل ښاروال وعده ای ازکور دیپلوماتیک مقیم کابل برای تماشای مسابقات بز کشی حضور بهم رسانیده بودند.

همچنان هزاران نفر از اهالی مرکز واطراف در منطقه جمن برای مشاهده این مسابقات گردآمده بودند.

خبرنگار باختر مینویسد که مسابقات باشرکت نود چاپ انداز ماهر از نه ولایت شمال کشور در دو دوره چهل وپنج دقیقه یی انجام شد که در هردو دورتیم های‌ولایات تخار، بدخشان وبغلان حایز یک‌یک‌نمره‌شناخته شدند .

هیات موظف مسابقه را برای بیست دقیقه دیگر برای سه‌تیم دارنده نمره مساوی تمدید نمود تاقهرمان مسابقات شناخته شود.

درنتیجه دور سوم مسابقه تیم بز کشی ولایت‌تخار بااخذ سه‌نمبر قهرمان مسابقات شده وتیم ولایت بدخشان بااخذ دو نمره‌حایز درجه دوم وتیم ولایت بغلان با گرفتن یک نمره درجه‌سوم گردیدند.

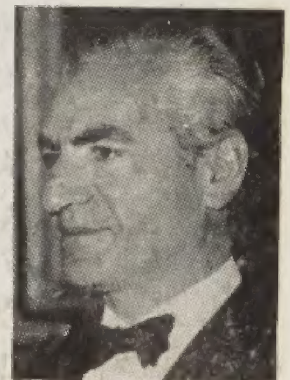
در مسابقات چهار شنبه تیم های بز کشی ولایات بلخ ، کندز ، تخار ، بد خشان ، جوزجان ، فاریاب ، بغلان ، سمنگان‌وبامیان اشتراک داشتند .

در ختم مسابقات رو سای تیم های‌بزکشی ازطرف بناغلی وحید اعتمادی رئیس المپیک به‌بناغلی محمد داود رئیس دو لت‌وصدراعظم معرفی شدند ورهبر ملی ما جوایزسپو رتی را به آنها اعطا کردند .



بناغلی رئیس دو لت و صدر اعظم حینیکه حاجی حضرت قل رئیس تیم بزکشی‌ولایت بدخشان را بعد از مسابقه‌پذیر فتند.

تیلگر امهای تبریکیه



اعلیحضرت محمدرضا پهلوی‌شاهنشاه‌ایران

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه‌خبرداد که‌ازطرف بناغلی محمد داود رئیس دو لت وصدراعظم تیلگرام تبریکیه‌به‌مناسبت سالگرد تولدی اعلیحضرت محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران عنوانی اعلیحضرت موصوف به‌تهران مخابره گردیده است .

همچنان:

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبرداد که ازطرف بناغلی محمد داود رئیس دولت وصدر اعظم به‌مناسبت روز ملی‌اتریش تیلگرام تبریکیه عنوانی دکتور رودلف کرشلیگر رئیس جمهور آنکشور به وینا مخابره گردیده است .

پیام بناغلی رئیس دولت بمناسبت بیست ونهمین سالگرد م.م

درین فرصت که‌بیست ونهمین سالگـــرد ملل‌متحد را تجلیل میکنیم ، آرزومندم‌ازطرف حکومت ومردم افغانستان روز ملل‌متحد را به تمام مردمان صلح دوست جها ن تهنیـــت بگویم .

حکومت افغانستان از بدو شمول‌به‌عضویت سازمان ملل‌متحد همــواره باصول منشو ر ملل‌متحد به‌نظر احترام نگریسته واز اقدامات این سازمان جهانی به‌منظور استقرار صلح‌و امنیت ،رفاه وکرامت انسانی صمیمانه‌پشتیبانی کرده وبرای نیل به صلح وعدالت بین‌المللی سهم خودرا باحسن نیت کا مـل ایفا نموده است.

هرچند اختلاف آراء و عقاید سیاسی‌ملل دنیا که‌انعکاس آن در مباحثات مجمع عمومی ملل‌متحد آشکار است بعضا تصمیمات‌سازمان ملل‌متحد رابارکود مواجه میسازد ولی دریـن نکته تردید ندازیم که‌بالاخره ضرورت غیــر قابل اجتناب به‌صلح ورفاه بین المللی بـــر مـلاحظات ناشی از کوتاه نظری وعدم‌تو جه به‌حقایق مسلم دنیای معاصر غلبه خـو ا هد کرد.

همچنان لازم میدانم از خدمات ارز نـده ملل‌متحد در ساحات بشری ، فر هنـــگی و حقوقی یادآوری کنم که نتایج سود مند آ ن برای پیشبرد جامعه انسانی غیر قا بل انکار میباشد .

درطول یکسال گذشته سه کشور د یگـر ازیوغ تسلط بیگانه رها گردیده ودر قطـــار کشور های آزاد به‌عضویت ملل متحدپذیرفته شدند. یقین دارم دیری نخواهـد گـذ شت که‌سرزمین های دور ونزدیك دیگر وآن عده مردم محروم ازحقوق حقه و کرامت بشر ی که‌برای تامین آن ازسالیان دراز در پیکـــار وتلاش هستند نیز به اساس حق‌خود ارادیت به‌حقوق اساسی وانسانی خویش نا یـــل خواهند آمد.

اجتما عات ملل‌متحد در مورد موادخام و انکشاف وهمچنین کوشش این سازمان برای تنظیم مو ضوعات مربوط به حقوق بحر ازازمره فعالیت های چشمگیر ملل‌متحد در سالجاری بود که‌امیدواریم نتایج‌آن برای مردمان‌سراسر جهان مفید وثمر بخش باشد.

بقیه درصفحه ٦٣

مخابره تلگرام شاغلی رئیس دولت‌عنوانی سرمنشی ملل متحد

مدیریت اطلاعات وزارت امورخارجه خبر داد که‌از طرف بناغلی محمدداود ر ئیس‌دولت وصدراعظم به‌مناسبت بیست ونهمین سالگرد تاسیس موسسه ملل‌متحد تیلگرامی عنـوانی دکتور کورت‌والدهایم سرمنشی آن موسسه‌به نیویارك مخابره شده‌است .

طی این تیلگرام بناغلی رئیس دو لـت وصدراعظم فرموده‌اند:

درحالیکه بیست ونهمین سالگرد تاسیس موسسه ملل‌متحد بر گزار می‌گردد، مو قــع رامغتنم شمرده یك باردیگر عقیده‌عمیق‌وحمایت خودرا نسبت به اهداف و مفکوره های‌عا لـی موسسه ملل‌متحد ابراز میدارم.

موفقیت های شایا ن تو جه‌این موسسه طی سال گذشته‌برای تقویه صلح ورفاه‌بین‌المللی در خور تمجید است بنابران بـــه نمایندگی ازطرف مردم و حکومت جمهو ر ی افغانستان میخواهم تمنیات قلبی خودرا بشما بحیث سر منشی ملل‌متحد وهمکاران شمـــا ابراز نمایم .

لطفا آرزوهای صمیمانه مارابرای مو فقیت های مزید شخص خویش واین مو سسه‌جهانی که‌شما افتخـار خدمت در آن را دا ر یـــد بپذیرید.

تیلگرام تبر یکیه

مدیریت اطلاعات وزارت امور خار جــه خبرداد که ازطرف بناغلی محمد داود رئیس دولت وصدر اعظم بمناسبت روز ملی کشور صومالی تلگرام تبریکیه عنوانی جنرال محـمد سعید باری رئیس شورای عالی انقلابی آنکشور به مـو گـه د یشو مخـابره گـر د یــده است.

تجلیل روز جهانی ملل متحد در کشور

دوم عقـرب مصادف بابیست و نهیـــن سالگرد تاسیس موســه ملل‌متحد بوده ودر سراسر کشور از این روز تجلیل بعمـــل آمـــد.

پیام رهبر ملی ما بناغلی محمد داودرئیس دولت و صدراعظم به‌مناسبت این روز ساعت هشت شب او ل عقرب از رادیو افغـانستان برود کاست گردید.

به‌تقریب روز تاسیس ملل‌متحد ساعت پنج ونیم عصر اول عقرب دعو تی‌از طر ف بناغلی بارتویك آمر ادارهٔ پرو گرام هـــای انکشافی آن موسسه در افغانستان درمنزلش ترتیب شده بود که‌درآ ن بعضی از اعضا ی کـــا بینه و ما مورین عا لی رتبه دو لتـــی رئیس واعضای انجمن دوستان ملل متحـدو کوردیپلو ماتیك مقیم کابل شر کت و رزیده بودند.

روزنامه های مر کز در شماره های اول عقرب شان فوتوی دکتور کورت والد هـایم سرمنشی موسسه ملل‌متحد و همچنان پیـام وی‌را بمناسبت این روز نشر نموده و ضمن نشر سرمقاله ها و مقالات پیرامون فعا لـیت های این موسسه جهانی وهمکاری های آن در ساحات مختلف باملل‌عضو ازین روز استقبال نموده اند.

همچنان روزنامه ها پیام بناغلی بوتیفلیقه رئیس فعلی مجمـع عمومی را چاپ کـر ده انـد.

وزارت مخابرات نیز به‌مناسبت تجلیل از سالگرد ملل‌متحد یك نوع تکت فو ق‌العاده پستی که‌به سمبول آن موسسه مزین است طبع نموده‌است .

یك منبع شعبه فلاتیلی آن وزارت گفـت تکت مذکور پس از ۲ عقرب در پوسته خا نه های مرکز ، پشتو نستان شهر نو و هو تل انتر کانتی نتنال مورد استـــفاده قـر ا ر گرفته است .

طبق یك خبر دیگر :

در محفلی که‌باین مناسبت ازطرف‌ښاروالی کابل ساعت ده‌قبل ازظهر ۲عقرب در سینمـا آریا نا ترتیب شده بود بعضی از اعضا ی کابینه عده ازمامورین عالیرتبه و بر خی ا ز منسوبین ښاروالی و جمعی از اهالی کا بـل اشتراك ورزیده بودند .

بقیه در صفحهٔ ٦٣



دکتور عبدالمجید وزیر عدلیه بیست‌ونهمین‌سالگرد ملل متحد رابه بناغلی بارتویك آمر اداره پروگرامهـا ی انکشافـی ملل مـتحد درافغانستان تبریك میگوید .

تیلگرام تعزیت و همدردی

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبرداد که از طرف بناغلی محمدنعیم تیلگرام تعزیت و همدردی به مناسبت وفات مرحوم شاغل‌تاکا وزیر خارجه عراق به بغداد مخابره شده است .

قراریك خبربناغلی محمدنعیم روز۳۰ میزان به سفارت کبرای عراق رفته در کتابی که‌به مناسبت وفات مرحوم تاکا گذاشته شده بود مراتب همدردی خودرا درج و امضاء نمود .

همچنان عدهٔ از اعضای کابینه ومامورین عالی رتبه دو لتی و سفرای کبیر دول‌متحابه مقیم کابل از ساعت ۱۰ تا ۱۲ ظهردرسفارت کبرای عراق مراتب تعز یت شان را نسبت وفات وزیر خارجه آنکشور در کتاب درج وامضاء نمودند .

همچنان مدیریت اطلاعات‌وزارت امورخارجه خبرداد که ازطرف بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه بمناسبت و فات بناغلی شازل تاکا وزیر خارجه عــر ا ق تیلگرام تعزیت وهمدردی به‌بغداد مخا بره شده‌است .

به‌افتخار رئیس انستیتوت شرق‌شناسی اکادمی علوم اتحادشوروی دعوتی ترتیب‌شده‌بود

دعوتی ازطرف پو هاند داکتر نــو یـن‌وزیر اطلاعات و کلتور به افتخار بنا غــلی‌بابوجان غفور اوف رئیس ا نستیتوت شرق شناسی اکادمی علوم اتحاد شوروی و عضو‌انجمن دوستی اتحاد شوروی و افغا نستان شب ۳۰میزان‌دررستوران‌باغ بالاترتیب شده بود که در آن روسای موسسات ا طلا عاتی‌وکلتوری یکعده دانشمندان و مو ر خــین‌افغانی سفیر کبیر و بعضی اعضای سفارت کبرای اتحاد شوروی اشتراك ور زیده‌بودند.



گوشهٔ ازدعوت وزیر اطلا عات وکلتوربه‌افتخار رئیس انجمن شرق شناسی اکـادمی‌علوم اتحاد شوروی .

بناغلی عباسی بحیث رئیس مؤسسه نشراتی انیس وپوهاندواحدی

بحیث رئیس مطابع دولتی مقرر شده‌اند

باثر پیشنهاد وزارت اطلاعات و کلتور ،تصویب مجلس عالی وزراء و منظوری بناغلی رئیس دولت وصدراعظم بناغلی محمدابراهیم‌عباسی با مافوق رتبه بحیث رئیس موسسه نشراتی انیس وپو هاند دکتور عبدالله‌واحدی‌باحفظ رتبه بحیث رئیس مطابع دو لتی‌مقرر شده اند .



بناغلی محمد ابرا هیم عبا سی
رئیس مو سسه نشرا تی انیس



پوهاند دکتور عبد الله وا حدی
رئیس مطابع دو لتی

شاغلی عبدالرحمن پژواك مشاور هیات افغانی در بیست و نهمین جلسات مجمع عمومی ملل متحد

اظهارات بی‌اساس نماینده پاکستان رارد کرد

چندروز بعد ازبیانیه بناغلی وحیدعبد الله معین سیاسی وزارت امورخارجه و ر ئیس هیات افغانی در جلسه بیست و نهم مجمع عمومی ملل متحد که در آن‌سیاست افغانستان درمورد مسئله پشتونستان وسوابق یگا نــه اختلاف سیاسی افغانستان وپاکستان‌باوضاحت کامل‌شرح داده شده بود ، بنا غلی آ خنــد نماینده دایمی پاکستان در ملل متحد هنگام تبصره بربیانیه رئیس هیات افغانی یکروز قبل ازختم بحث عومی ، مجمع‌عمومی‌ملل‌متحد گفت: چندروز قبل وزیر دولت برای ا مور خارجه ودفاع پاکستان بناغلی عزیز احمــد پالیسی حکومت اورا در باره برقراری‌بهترین روابط ممکنه باافغانستان تو ضیح کرد و در جواب آن بناغلی معین سیاسی وزارت خارجه افغانستان آمادگی حکومت خودرا برای مذاکره باپاکستان برای رفع آنچه را وی یگانه‌اختلاف سیاسی بین دو کشور خواند اظهار کــر د. پاکستان همواره آماده بوده باافغانستان روی تمام مسا یلی که بالای منا سبات‌دوکشورتاثیر می اندازد مذاکره بعمل‌آورد.

این گفته بناغلی معین سیاسی و زار ت خارجه افغانستان که «افغانستان‌کاملا ذیحق بودکه اراضی ازدست رفته خودرا دو با ره مطالبه کند» این احساس‌نا گوار را در نزدما بجا گذاشت که‌افغانستان بریك قسمت‌از خاك پاکستان ادعای ارضی دارد.

بناغلی آخند گفت سرحد بین افغانستان وپاکستان بصورت واضح تعیین شده، بالای اراضی عــلا مه گذاری گر دیده و بحیـث سرحد بین المللی برسمیت شناخته شد ه

بقیه‌در صفحه ۵۷

جاپان معادل ۱۴۷ ملیون ین
کود کیمیاوی به افغانستان مساعدت میکند

موافقتنامه مساعدت بلا عوض معا دل یکصدو چهل و هفت ملیون ین کودکیمیاوی ازطرف کشور جاپان به افغانستان قبل ازظهر او ل عقرب درکابل امضاء شد.

موافقتنامه را ازطرف دو لت جمهو ر ی افغانستان بناغلی علی احمد خرم و زیـر پلان وازجانب حکومت جاپان بناغلی جین جی یامادا سفیـر کبیر آنکشور مقیم کـا بل ا مضا ء کردند.

بهمو جب این موافقتنامه معادل مبلـغ متذکره کود کیمیاوی دای امونیم فاسفیـت برای انکشاف مزید زراعت از طرف حکومت جاپان بـد سترس ا فغانستان گذ ا شته میشود.

هنگام امضای موافقتنامه رئیس تعـا و ن اقتصادی وزارت پلان ، نماینده وزارت ا مور خارجه وبعضی از اعضای سفارت کبـر ا ی جاپان حاضر بودند.

یك منبع وزارت پلان گفت کودکیمیاو ی شامل موافقتنامه ازطرف مقامات جاپانی تـا بندر کراچی رسانیده میشود.



بناغلی علی احمد خرم وزیر پلان وبناغلی جین جی یامادا سفیر کبیر جاپان مقیم کابل هنگام امضای موافقتنامه امداد بلاعوض جاپان به افغانستان.

اساسنامه های تصدی بنادر تورغندی شیرخان بندر وبندر حیرتان نافذ گردید

اساسنامه های تصدیهای بندر تورغندی، شیرخان بندر وبندر حیرتان درشماره ۱۴ جریده رسمـی نشر ونافذ گردید.

اساسنامه های متذکره بتاسی از پیشنهاد وزارت تجارت به تصویب مجلس عالی و زرا ومنظوری بناغلی رئیس دولت و صدر اعظم رسیده است.

اساسنامه های تصدی های بنادر تورغندی شیرخان بندر وبندر حیرتان هریك دا رای چهارده ماده میباشد.

امضای موافقتنامه ده ملیون دالر کمك بلا عوض ایران باافغانستان

موافقتنامه ده ملیون دالر کمك بلا عوض دولت شاهنشاهی ایران برای انجام مطالعا ت تخنیکی واقتصادی یك سلسله پرو ژه های اساسی که درنظر است به همکاری آ نکشو ر روی دست گرفته شود روز ۳۰ میزان درتهران امضا گردید.

موافقتنامه رابناغلی زلمی محمود غـا زی سفیر کبیر دولت جمهور ی افغـانستان د ر تهران وبناغلی هوشنگ انصاری وزیر ا مور اقتصادی و دارایی ایران امضاء کردند.

یك منبع وزارت پلان ضمن ارا ئه ایـن خبر گفت موافقتنامه باساس مذ اکرات بـین هیات‌های دو کشور وپروتوکول مورخـه ۲ اسدمبنی برآمادگی ایران دریك سلسله پروژه های افغانستان منعقده کابل صو رت گرفته است.

منبع عـلاوه کرد افغانستان ا ز این مبلغ درتمویل مصارف افغانی واسعاری مطالعات تخنیکی واقتصادی پروژه هاییکه مورد موافقت طرفین قرار گرفته ویادر آینده در نظر گرفته شود استفاده می نماید.



بناغلی زلمی محمودغازی سفیر کبیردولت جمهوری افغانستان در تهران و بنا غلـی هوشنگ انصاری و زیر امور اقتصاد ودارایی ایران هنگام امضای موافقتنامه ده ملیون دالر کمك بلا عوض ایران بافغانستان.

دستگاه پودر بیرا یت پلخمری افتتاح شد

پوهاند عبدالقیوم وزیر معادن و صنایـع بعداز ظهر ۲۸ میزان دستگاه پودر بیرایت پلخمری را افتتاح نمود.

وزیر معادن وصنایع زحمت کشی کارکنان موسسه سمنت غوری رادر آماده ساختن دستگاه تولید بیرایت ستوده موفقیت بیشتر شانرا آرزو نمود.

انجنیر احمدالله ر ئیس سمنت غو ر ی گفت دستگاه تولید بیـرایت باصرف یازده ملیون افغانی درساحه بیست هزار متر مربع در جوار فابریکه سمنت غوری اعمار گردیده است.

وی عـلاوه کرد این دستگاه سالا نه بیست وچهار هزار تن سنگ بیرا یت رابه پو در مبدل خواهدساخت.

وی افزود از پودر بیرایت در برمه کاری چاهای نفت و گا ز استفاده بعمل می‌آید.

وی متذکر شدقبلا برای تهیه پودربیرایت ازخارج یك مقدار اسعار خـودرا از دست میدادیم که باتکمیل این دستگاه احتیاج کشور ما ازخارج رفع گردیده است.

در موقع افتتاح بناغلی محمد آ صف پاس یوسفی والی بغلان ، روسای موسسات صناعتی پلخمری و کارکنان فابریکات سمنت و بر ق غوری ودستگاه پو در بیر ا یت حا ضر بودند.

هفته مخصوص سره میاشت در سراسر کشور تجلیل گردید



ـ منظره از محفل تجلیل هفته مخصوص جمعیت افغانی سره میاشت ازطرف حربی پوهنتون درتالار جمهوریت آن پوهنتون.

هفته مخصوص سره میا شت روز ۳۰ میزا ن ضمن محافلی از طرف حربی پو هنتون و میرمنوټولنه تجلیل گردید.

درمحفلیکه به‌این مناسبت در تالارجمهوریت حربی پوهنتون ترتیب شده بود لوی درستیز عدهٔ از جنرالها وصا حبمنصبان ارشد اردوی جمهوری و محصلین پوهنتون مذکور اشتراك ورزیده بودند .

بدواً برید جنرال شاهپورقوماندان حربی پوهنتون طی بیانیهٔ محفل را افتتاح نموده و پس از یك سلسله تو ضیحات پیرامون خدمات بشری جمعیت های سره میاشت و صلیب

احمر گفت اردوی قهرمان دولت جمهوری افغانستان همانطور یکه درراه حفظ خاك مقدس کشور خود وظیفه دارد همیشه حاضر است تحت رهبری قوماندان اعلی اردو بناغلی محمد داود حامی بزرگ جمعیت افغانی سره میا شت با جمعیت های تعاونی کشورومخصوصاجمعیت افغانی سره‌میاشت خدمات ارزنده انجام دهد .

همچنان یکعده از صاحبمنصبان ومحصلین کنفرانسهای شان رادرباره فعالیت های جمعیت افغانی سره‌میاشت ایراد کردند.

خبرنگار باختر علاوه میکند ضمن این محفل که تاحوالی ساعت شش شام دوام یافت کنسر تی توسط ار کستر محلی حربی پوهنتون واتن ملی توسط محصلین آن و همچنان کنسرتی از طرف هنرمندان را دیو افغانستان اجرا شده و محفل باقرعه کشی لاتری به‌نفع جمعیت پایان یافت .

قرار یك خبردیگر در محفلیکه از طر ف دمیرمنو ټولنه‌قبل‌ازظهر روز ۳۰ میزان‌درتالار زینب ننداری بمناسبت هفته مخصو ص سره‌میاشت برگزار شد منسوبین میرمنوټولنه وعده زیادی از میرمنها وپیغله های مر کز اشتراك کرده بودند.

در این محفل مد یره مجلسه میر من نفیسه عباسی مدیر عمومی تبلیغات وزار ت اطلاعات وکلتور ویکعده دیگر از منسو بین میرمنو ټو لنه بیانیه های را جع به‌خدمات ارزنده ومثمر جمعیت افغانی سره میاشت ایراد کر د ند .

محفل با اجرای کنسرت توسط‌گروه‌هنری پرستو خاتمه یافت.

درمحافل حربی پو هنتون ومیرمنو ټولنه رساله‌های جمعیت افغانی سره‌میاشت تحت عنواوین

دافغانی سری میاشتی دټولنی بشری خدمتونه ونقل دادن مریض طرق وتکنیك های آن که بمناسبت هفته مخصو ص بصورت‌فوق‌العاده ازطرف مدیریت تبلیغات جمعیت طبع گردیده به‌حضار توزیع‌شد.

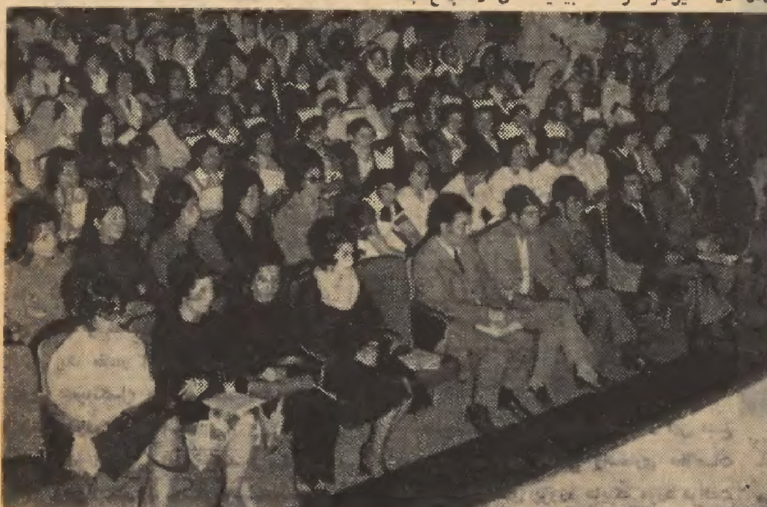
قرار یك خبر دیگر :

بمناسبت تجلیل از هفته مخصوص سره‌میاشت روز ۳۰ میزان‌محفلی در اسعدآباد مرکز لوی ولسوا لی کنر ترتیب یافته بود . درین محفل عده ازنویسندگان درباره اهداف سره‌میاشت مطالبی ایراد نموده کمك باین موسسه راجز اخلاق‌انسانی خواندند.

دراین محفل حاجی محمد لوی ولسوال کنر دو روزه معاش وسایر مامورین‌ومعلمین یکروزه معاش شانرا به‌جمعیت افغانی سره میاشت اعانه دادند.

طبق یك خبردیگرروز ۳۰ میزان‌محفلی‌بمناسبت هفته مخصوص سره میاشت در لیسه حره جلالی ، چاریکار ترتیب یافته بود،در این محفل نیز عده از استادان و متعلمات پیرامون خدمات جمعیت افغانی سره میاشت مقا لاتی ایرادنمودند .





گوشه ای از محفل‌تجلیل هفته مخصوص‌سره میاشت درتالار زینب ننداری از طرف‌میرمنو ټولنه .



٤عقرب ۱۳۵۳ مطا بق ۱۰شوال المکرم برابر ۲٦ اکتوبر ۱۹۷٤

روز جهانی ملل متحد

دوم عقرب مصادف بابیست و نهمین سالگرد موسسه ملل متحد بود این روز درسراسر کشور عزیز ماطی محافل ونشر مطالبی پیرامون ارزشهای این روز جهانی بر گذا ر گردید.

بیست ونه سال قبل پنجا ویک کشور جهان بعد از غور وبررسی کامل وقایع تلخ واندوه بارجنگهای اول ودوم جهانی و عواملیکه جامعه ملل را برکود مواجه ساخت ونتوانست ازبروز جنگ دوم دنیا جلو گیری نماید، فیصله نمو دند تانسل های آینده را از خطر جنگ رهایی بخشیده ودر عوض صلح وامنیت در جهان برقرار نمایند. برای تامین این هدف عالی سازمان ملل متحد تاسیس وبه فعالیت آغاز نمود.

افغانستان عزیز که همواره ازصلح پشتیبانی مینماید از اساسات منشور ملل متحد که روی اهداف عالی مساوات، انکشاف وصلح استوار است استقبال نموده وعضویت آنرا پذیرفت ودر راه نیل به اهداف ارزنده این موسسه جهانی با دیگر ملل صلح دوست دنیا هم آهنگ گردید .

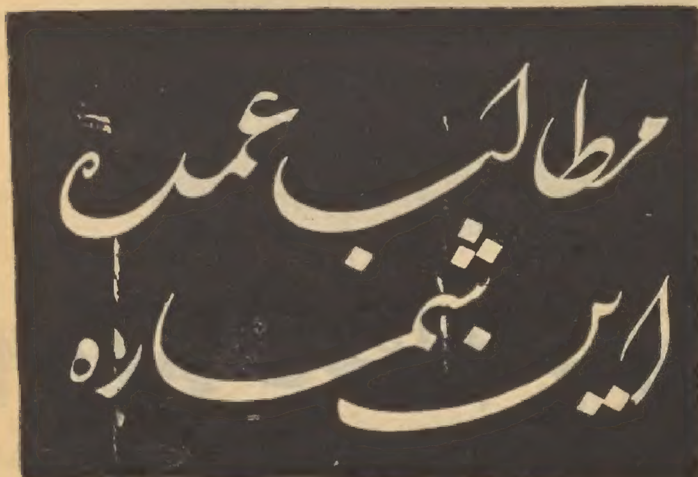
درطول ۲۹ سال حیات ملل متحدما شاهد کار نامه هایی هستیم که این موسسه جهانی درراه تحقق بخشیدن صلح دردنیا انجام داده است .جلو گیری ازوقوع جنگهای بین المللی اهمیت این موسسه جهانی را درنزد جهانیان روز بروز بیشترمیسازدچه مردم صلح دوست دنیا آگاه اند که بروز جنگ جهانی درین عصر تباهی عالم بشریت خواهد بود ازینرو خدمات موسسه ملل متحد درین راه نهایت ارزنده وقابل ستایش است.

همچنان در طول این بیست و نه سال تحولاتی در حیات سیاسی یک تعداد زیادی از کشور های دنیارونما گردیده است که قبلا تحت استعمار بسر می بردند . تمام این کشورها بعداز حصول آزادی به عضویت موسسه ملل متحد پذیرفته شده وامروزتعداداعضای این سازمان به یکصدو سی وهشت کشورارتقانموده است که این خود مثال دیگری ازپیشرفتهای این سازمان بشمارمیرود.

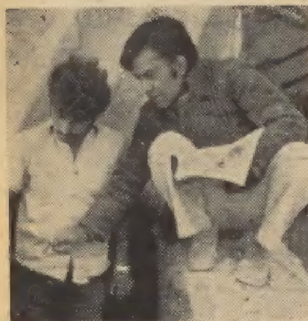
فیصله اسامبله عمومی ملل متحدمبنی بر تشکیل نظام تازه اقتصا د بین المللی، سومین کنفرانس حقوق بحر منعقده کاراکاس وکنفرانس جهانی نفوس که طی سا ل جا ری صورت گرفت از جمله اقدا ماتیست که نتایج مثبت در بردارد .

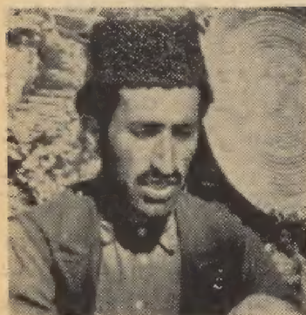
باآنکه این موسسه جهانی قدمهای مفیدی درراه استحکام صلح و امنیت جهان بر داشته است ودر اکثر نقاط جهان جلو هرنوع هیجانات و تشنجات را گرفته است هنوز هم قدرت های استعمار گر جهان چون اسرائیل میکوشد تاباستفاده ازنفوذخود درامن وآرامش گیتی رخنه وارد نماید متاسفانه هنوز هم موسسه ملل متحد موفق نگردیده است تافیصله های ۱۹٦۷ خودرا مبنی بر رهایی مناطق عربها توسط اسرائیل عملی نماید.

امید واریم روزی فرا رسد که این موسسه جهانی درتامین اهداف اساسی خود مطابق به آرزو های مردمان آزاد یخواه وصلح دوست جهان موفق گردد.

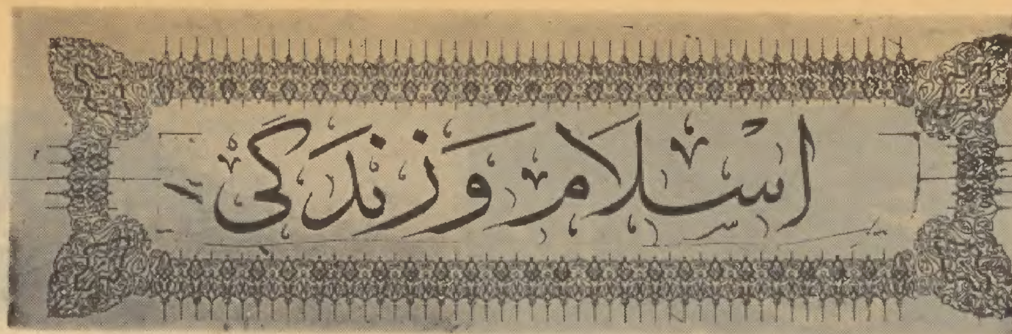



راپوری در مورد تجلیل سال بین المللی زنان .


درنقاط مختلف کشور کاوش های علمی بمنظور روشن شدن تاریخ کهن این سر زمین ادامه دارد .


صنعت بوریا بافی در افغانستان.


مراسم روز بازار دریو گو سلا و یا



بقلم، ع، هبا

ارزشهای نظام جمهوری در آئین اسلام

یکسال و چند ماه قبل از امروز خورشید نظام انقلابی جمـــهو ری درپرتو مبا رزات و طن پر ستانـه وفدا کاری ها و جا نبازی هـــای عناصر ملی ووطنخواه تحت رهبری فرزند ملیت خواه و قهر مان کشور بناغلی محمد داؤد، در آسمـــان زندگی مردم این مرز با ستـــان درخشید وافق سیاه و تاریك مردم متدین وآزادی خواه این خـا ك راروشن و فروزان ساخت.

نو یسنده از انجا ئیکه هموا ره مساعی بعمل آورده تا حقـــایق وواقعیت های دین اسلام رااز طریق این صفحه آنطوری تقدیم علاقمندا ن نماید که غباری بر روی این واقعیت ها باقی نمانده و یکسلسله خرافات ومطالب غیر مربوط به تعا لیــم اسلامی که متاسفانه بلست آنهائیکه نتوانسته اند واقعیت ها واصو ل اسلامی را به نحوی که هست درك نمایند، به دین اسلام منســو ب شده است، ازذهنیت یکعده مر دم بیرون رود، بنا بران درین قسمت از مباحث اسلامی این صفحه ارزش نظام جمهوری را در آئین اسلا م تحت مطالعه و مورد صحبت قر ا ر میدهیم تابد ینوسیله خوانــند ه مستشعر شوندکه نظام جمهود ی وا قـعا مـطا بـق با ر و حیـه وتعالیم ار زندهٔ اسلامی می باشد.

اسلام راهی است هموار ومستقیم وآئینی است منظم وانسجام یافـته ونظامی است اجتماعی و مردم‌پسند نظامی که سرو کار ش با اجتما ع وتعالیمش بمنظور اصلاح ورهبری اجتماع وفردفرد بنی نوع بشـــر است.

مسلم و طبیعی است که هر نظام وروش اجتما عی در جهان بدون شك نیاز مند است تا اداره و سیستـــم اداری آنرا تنظیم بخـشد واداره نماید و کلیه شئون زند گی تحت یك دستور اداری و دو لتی، جا مع الاطراف و منسجم، اداره و ر هبری گردیده با لو سیله اجـتماع را از درهم ریختن و پرا گند گی امـو ر اجتماعی نجات دهد.

آئین اسلام نیز از آنجا ئیکه یك نظام اجتماعی است وار شا دا ت و رهنما یی هایش را جز بخا طـــر اصلاح وتنویر اذهان مردم بعا لـم انسانیت وارد نکرده است، اداره ووجود یك نظم و سیستم قـوی و استوار اداری و حکو متی را درمیان کتله ها وجوامع بشری از هر نو ع وجنس ونژادی که با شند حتمی و جزء لاینفك تصمیم اهداف اصلاحی واجتماعی محسوب مینماید.

اکنون برای اینکه رو شن شود نظام اداری سیستم دو لتی ا سلا م ازچه نوع سیستم ها و رژیم هـــا بوده ویا با کدام یك از رژیم ها ی جهان سا ز شں و مطـــا بقت دارد و بطور خاص در عصری که ما بسر می بریم چگو نه طرز ادا ر ه وسیستمی را میتوان بتمام معنی ، سیستم اسلامی و دا رای خصوصیت های اسلامی دانست، ایجاب میکند تابر گردیم بدورهٔ اول اسلام، آنجا که روح مر دمی وانسانیت نـیرو- مندی داشت و آتش مبا رزه وایثار بخاطر اصلاح او ضاع مادی ومعنوی اولاد آدم، و بخا طر گستر ش معنی واقعی انسانیت و بخاطر بنیـــاد گذاری دنیای نوین و آماده سا ختن ذهنیت ها برای نو گرائی و نـــو پذیری شراره میزدو کار تا مه هـــا بمنظور تحقق بخشیدن به اصـــل کرامت انسانی وارزش حقیقـــی بشری در جریان بود.

قرآن طی وحـــی آسما نـــی و دستورات وار شادات الهی به پیامبر بزرگ بشریت حضرت محمد (ص) فرود آمد وبا ساس فر مان خداوندی این پیامبر عالیمقام مندر جات فرمان الهی را بجهانیان رســا نیـــد و اینکار وظیفه اش بود . در قا نو ن اسلام ازانجائیکه حضرت محمد(ص) ممثل روح کامل اسلامی و کلیه امور متعلق باسلام بود نه تنها آنچه ر ا بر زبا ن می آورد و بمر د م تفهیم و تبلیغ میکرد، جزء حقایق وواقعیت های اسلامی شمرده شده ووا جب الا طاعت میبا شد بلکه آنچه راعملا اجرا میکرد ودر حیات فـر دی و اجتماعی مورد تطبیق قرار میداد نیز لزو ما در خور اطاعت شمرده شده از جملهٔ احادیث و تعا لیم محمد ی محسو ب میگردد از ینرو هر گونه راه وروشی را که پیا مبر بـزرگ اسلام شخصا مورد عمل و اجـــرا قرار داده وآن وابرای بهبود اوضاع فردی واجتماعی انسانها قبول کر ده است، رو شی است اسلامی وراهی است مطابق رو حیهٔ اصلی آئیـــن اسلام و هر گاه کتله ای و یاگروهی

بقیه در صفحه ۵۶

ژوندون شخصیت های بزرگ اسلامی رامعرفی میکند

حضرت عبدالله بن عبدالله بن ابی بن سلول (رض)

لذاعبدالله بن ابی بن سلول پدرعبدالله صحابی بوده سر کردهٔ منا فقین در مد ینـه می باشد پیغمبر اسلام و مسلمین را ازعقب پرده همواره طعن واذیت نموده حتی درجنگ احد یك سر سوم حصهٔ سپاه مسلمین را بدراه نموده با تعلل های کلازبانه و معا ذیر دروغ آمیز باعث خجا لت مسلما نان گردید واحیانا بـا یهود پیوسته توطئه هـای سری بر ضد مسلما نان پی ریزی میکرد .

عبدالله بن ابی سلول کسیست که به یهودا ن بنی نضیر وقتیکه در یکی ازغزوات در حالت شکست بر گشتند حمایت و پشتیبانی خود را ابراز نموده گفت : ما همواره با شما هستیم اگر پیکار می کنید با شما می پیوندیم اگر شما مسلما نانرا مجبور به بیرون شدن نمائید ما با شما همد ستی می کنیم .چنانچه وی وقتی هم از فرط بد با طنی در حـــق بی بی عایشه صدیقه (رض) یاوه گو ئی وهرزه سرائی راالیز آغاز کردو سخنان آلوده بـه تهمت را بوی بست.

اما از چنان منافق غدار فر زندی بدنیا آمد که بر علیه پدر قیام ور زید و دست بکارشد چنانچه وقتیکه پدر ش (عبدا لله بن ابی)رئیس منا فقین در غزوهٔ بنی مصطلق سال ششم هجری دست تطاول و غاوت گری را بررسول خدا علیه‌السلام دراز کرد .برخلاف پیغمبر اسلام گفت : اگر بمدینه باز گردیم عزیز تران ذلیل ترانرا از مدینه بدر خواهیم کرد . چون این خبر توسط زید بن ارقـم بسمع رسول خدا رسیدبسیار متأثر شدنـد زیرا منا فقان قطعا نمی دا نند که زور آور کیست وعزتمندکدام ؟ باید دانست که عزت اصلی ذا تی فقط از پرورد گار است بعـــد ازآن قرار تناسب تعلق مردم باوتعالی عزت رسول و ایمان داران در جه بدر جه مـــی با شد .

بقیه درصفحه ۵۹

از مجله «فلم فیر» ترجمه (رز)

جان‌فورد

یگانه کارگردانی که‌شش اوسکار به دست آورد

هنگا میکه د ر سا ل ۱۹۴۰ «خو شه های خشم» روی پرده آمد، بسیاری‌از امریکاییان این فلم‌را نپسندیدند ۰داستان فلم‌که ازروی رومان معروف (جان استین‌بك) اقتباس‌شده‌بود ،ازمصیبتهایی سخن میگفت که‌مدت زیادی‌از آن‌نگذشته بود ۰بعدهم زمزمه هایی بلندشد که‌رومان (استین بك) درین فلم‌کاملا دنبـــال نشده است ۰

وامروز (خوشه های خشم)ازپدیده های کلاسیك سینمای امریکا شناخته میشـود ۰ (خوشه های خشم) سر گذشت خا نواده‌ییست که در دهه نسوم شده بیستم وادار‌به‌ترك‌منزل وزمین خودشان میشوند (فلم خوشه هـای خشم) که‌به دســـــت (جان فــورد) کارگردانی شده بود، برای دومین بار جایزه اوسکار رانصیب (فورد) ساخت ،این کارگردان مردی بود حساس وباجرأت که‌جهان سینمابا مرگ اویکی پیشاهنگان‌برجسته فلمهای‌کوبایی (ویسترن) راز‌از دست داد ۰

(فورد) شاعری بودراستین از (عرب) کهن وی هنگامی به‌کار آغاز کردکه (هالی‌وود)هنوز به‌ماشین عظیم رویا سازی امریکـا مبـدل نشده بود ۰

کار (فورد) در سینمای صامت شروع شدواو تقریباً به‌تنهائی درکار تکامل سینمای گویا سهم برجسته یی گرفت ۰

(فورد) که‌در نزده سالگی به‌جهان سینما پاگذاشت دردرازی چهل سال کارش ،یــك صدوسی فلم,داستانی راکارگردانی کـرد ۰ درین دوره درخشان وی‌یگانه کارگردانی بود که‌توانست شش اوسکار به‌دست آرد ـچار اوسکار رابه خاطرفلمهای داستانی ودواوسکار رابه خاطر فلمهای مستند ۰

(فورد) در سال ۱۹۴۲، فلم‌جنگ «نیمه‌راه» راکار گردانی کرد ۰

این‌فلم‌ نخستین فلم مستند جنگی امریکایی بود که‌در گرماگرم یك‌جنگ واقعی فلمبرداری شدوبرای کارگردانش جایزهٔ اوسکار راربود ۰ وی‌اگرچه درآغاز جنگ زخمی شده بود، بـه فلمبر داری رویداد های جنگ ادامه داد۰در سال ۱۹۴۳ اوسکار دیگری رابه دست آورد۰ این بار جایزهٔ رافلم مستند (هفت‌دسمبـــر) نصیب اوساخت این‌فلم‌حمله معروف جاپانیها رابه (پیرل هاربر) نشان میدهد ۰

(جان فورد)درطول چل‌سال کـارش در (هالی‌وود) فلمهای‌گوناگونی راکارگردانی‌کرد۰ ولی هر فلمش بیانگر روشیست مشخص در کاربرد کمره‌ودر طرح ترکیب ۰هرفلمشـــــ سخنگوی احساسی تازه ودرکی عمیق ازحرکت است که عنصر نخستین فلم‌به شمار میرود۰ آواز آرا یش ،جا لبهای کمره و تیـا تری‌بودن خوشش نمیامد ۰

(فورد) شیفته (مونمنت والی) بود که‌در منطقه سرخپوستان (ناواجو) درایالت آریزونا واقع شده است ۰بسیاری‌ازفلمهای (جان‌فورد) درهمین بخش فلمبرداری شده است ۰اکنون (مونمنت‌والی) رابه نام (سرزمین فورد) یاد میکنند واین ناحیه چنان با(فورد) همبستـه گشته که‌کارگردانان نمیخواهند فلمهایشـان رادرینجا فلمبرداری کنند ،زیرا احساســـ مینمایند که‌در ینصورت چیزی از(جان‌فورد) سرقت کرده اند ۰

پدرو مادر(فورد)ازآیرلند‌به‌امریکامهاجرت‌کردند (فورد) که درایالات متحده به‌جهان آمد،نشانه های آیرلندی بودن راباخودش نگهداشـــت: علاقه به‌اسرار گوشه گیری ،آزار رسانی،خوی نیمه شاعرانه ۰این مشخصات نشاند هنـدهٔ نژاد اوست ۰

(فورد)درسال ۱۹۱۴ مکتب رحبه پایان رسانید ونتوانست شامل (اکادیمی نیـروی دریایی) شود ۰ازینرو به(هالی‌وود) رفت‌تا برادر بزرگش راکه (فرانسیس) نامداشـــت، ببیند برادرش درآن هنگام به‌حیث بازیگـــرو کارگردان فلمهای‌کوبایی برای خودش‌آوازه‌یی به‌دست آورده بود ۰در(هالی‌وود) به‌کار آغاز کرد ۰درابتدا شغلهای بی‌اهمیتی به‌او داده‌شد ،ولی (فورد) جوان آهسته آهسته تمام‌مسایل مربوط به‌فلمهای صامت رافراگرفت ۰

درپایان سال ۱۹۱۴ به‌مقام معاونیت‌کار گردان رسید وباجدیت بیشتر به‌آموزش‌مسایل فلمسازی پرداخت ۰

(فورد) خوش‌داشت کارهای فلمبـــر داری وپیوند گری رانیز خودش انجام دهدو غالباًدر فلمهایش این دو وظیفه راخودش به دوش‌دارد ۰بعد تربه اواجازه داده شد تافلمهای کوتاه کوبایی راکار گردانی کند ۰پس ازچهار سال کمپنی (فوکس) قراردادی درزمینه کارگردانی فلمهای دراز بااوبست ۰

نخستین اثر (فورد) درسال ۱۹۱۷ روی پرده آمد۰ این فلم (تورنادو) نام داشت۰وی فلمنامه این اثررا خودش نوشت ،خودش‌درآن نقش بازی کرد وکارهای دشوار دیگررا‌به‌عهده گرفت ۰

نخستین فلم‌ارزشمند (فورد) (کامیوکرلی) است که(جان‌گیلبرت) رابه حیث بازیگرروی پرده آورد۰ سپس (اسپ آهنین) نمایان‌شدکه ،ازبزرگترین‌فلمهای‌صامت‌شناخته‌میشودفلم‌دیگر او،یعنی (چارپسر) پیروزی چشمگیری بود۰

بسیاری از کارگردانان سینمایْ صامت‌با ایجاد آواز در اسینما،به شگفتی اندر شده ند بابه میان آمدن فلمهای صدا دار کارگردانان درجستجوی فلمنامه نویسان بهتری برآمدند۰ (فورد) (دولی نیکولتس) رابه حیث فلمنامـه نویس مطلوبش به‌دست آورد ۰

کارمشترك (فورد) ـنیکولس) فراورده‌های زیبایی‌داشت ۰نخستین این فرآورده ها(مردان بی‌زن) نام‌دارد که‌درسال ۱۹۳۰ روی‌پرده‌آمد. این فلم داستان چارده مردیست که‌در یك‌زیر دریایی گیر میافتند ۰سال ۱۹۳٤ شاهد روی پرده آمدن (آخرین نگهبان) بودکـه پیروزی بزرگی برای (فورد) همراه داشت ۰

فلم «منجر» که در اسال ۱۹۳۵ ساخته‌شد، آغاز درخشش (فـورد) درعرضـه سینمـای بین المللی بود ۰این فلم براساس داستانی از(فلاهرتی) به‌وجود آمدواز رویداد های‌قیام (شین فین)درآیرلند سخن میگوید ۰این‌فلم درقهرمانسازی وفضا آفرینی ازشهکار های سینما پذیرفته شده است ۰

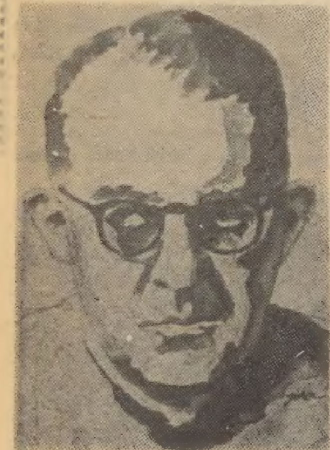
این فلم سر گذشت مردیست ابلـــه بنام (گیپــو نـــو لا ن) کـــه د ر جر یان قیام (شین فین) بهترین دوستش رابه مقامات بریتانیایی تسلیم میدهد تاجایزه‌یی راکه بـه مخبران داده میشود ،به‌دست آرد۰ ایـــن مرد سرانجام ازطرف قیام کنندگان گرفتار میگردد وبه‌قتل میرسد ۰

(مخبر) جایزه (منتقدین فلم نیویارك)رابه حیث بهترین فلم سال ربود ۰

پسانتر جایزه اوسکار به‌سوی این فلم روی آورد ۰

درسال ۱۹۲۹ (جان‌فورد) فلمی رابه جهان عرضه کردکه ازطرف منتقدان پرعظمت ترین فلم کاوبابی نام گرفته است ۰این فلم(استیج کوچ) نام‌دارد و(جان‌وین) ،(کلئیـرتری‌ور)و (توماس میچل) دران نقش بازی کرده‌اند این فلم قصه چند نفریست که‌بایك گادی درمنطقه نیومکسیکو مسافرت میکنندومورد حمله اپاچی هاقرار میگیرند ۰(استیج کوچ) نخستین‌فلم (فورد) است که‌درناحیه(مونمنت‌والی) فمبرداری شد وبرای کارگردانش‌جایزهٔ منتقدین نیویارك را ربـــود ۰

درهمین سال (آقای لینکن جوان) به‌وجود آمد ۰درین فلم که‌یکی ازفلمهای مورد علاقه خود فوردبود ،(هانری فوندا) نقش اول‌رابازی کرد (فورد) باساختن این دوفلم به‌مرحلـــه میانه هنرآفرینی خودش پاگذاشت فلمهای‌یی



جان فورد

متعلق به‌این مرحله عبارت انداز :(مسافرت طولانی به‌سوی خانه) ،(خوشه های خشم)و (وادی من‌چه سر سبز بود) ۰

(فورد) پس‌از ساختن(وادی من‌چه سرسبز بود) درراس یك‌واحدفلمبر داری‌نیروی‌دریایی اضلاع متحده قرار گرفتو مسؤول‌تهیه‌فلمهای مستند جنگی درجریان جنگ جهانی دوم بود پس ازپیروزی متحدین ،(جان‌فورد) ریاســت گروهی رابه عهده داشت که شواید تصویری رابرای محکمه (نورمبرگ) علیه جنایتکاران جنگ گرد آوری میکردند ۰

(فورد) درجریان کارهای نظامی سه نشان به‌دست آوردو هنگام مرگ یك‌افسر عالی‌رتبه متقاعد بود ۰

(فورد) مردی بود ساده که‌میخواستدور ازتجمل وسروصدای (هالی‌ورد) زندگی کند۰ وی‌همواره بادسته برگزیده یی‌کار میکردکـه (جان‌وین) ،(هنری‌فوندا) ،(هیری‌کیری) ،(جین داروبل) (مارین اوهارا) ،(گریك تولانـــد) ،(جوزف آگست)،(آرثور میلر) و(نونلـــی جانسون) شامل این دسته بودند ۰

این حادثه تکان‌دهنده را ناخوانده نگذارید

خانواده‌ای ۲۳ ساعت در چنگال وحشت، ترس و اضطراب

ترجمه‌ی: رهپو

شب هنگام روز دوشنبه ۵ اکتوبر دونفر زندانی از بندیخانه وا دینا گریخته و در دهکده های اطراف غیب شدند. اخباری که روی امواج رادیو و پرده تلویزیون پخش گردید همراه باعکس ها وشرح جنایات آنان، موجی از اضطراب وپریشانی را روی ساکنان وادینا پخش نمود. شب دیگر که پولیس باتلاش بی (مر دهکده ها، جنگل هاومزارع راگشت ایندو سوال سرد وناراحت کننده روی لبان هرکس می رقصید:

کجا پنهان شده باشند ؟ وبار دیگر کی رامورد حمله قرار خواهندداد ؟

درزیر به این سوال ها پاسخ د ا د ه می‌شود .

شام سه‌شنبه ٦ اکتوبر آوازه ای که تااندازه پریشانگر است به جویس ویکشا ید که درشهر بعداز وقت به‌کار منشیگری می‌پردازد می‌رسد .اوتیلفونی‌را ازمردی که‌نمی‌شناسدش دریافت می نماید که ازوضع شوهرش سلا متی خانواده اش جو یا می شود.او شنیده است که‌زندانیان در شمال دهکده ای دیده شده‌اند که‌راه آن به‌طرف مزرعه ویکشاید که‌یك مزرعه دور افتاده به‌ساحه ۱٦۰ اکر زمین می‌باشد، کشیده شده و آنان بدانسو روان اند. ولی جویس ازاین آوازه چیزی نشنیده است وبه همین دلیل جواب میدهد: (بلی ، البته اولاد هاخوب هستند، نی، مه پریشان نیستم). او پریشان‌نیست ولی کمی ناقرار است. او می داند که‌هرچار طفلش بزودی ازمکتب بر می گردند ، ولی اومی داند که‌شوهرش هم اکنون در دکان‌فلز کاراست. با خودمی گوید: «چیزی نمیشود. کاراست . باخودمی گوید چیزی‌نمی شود . این یك آوازه است .»

المر، که درمزرعه تنهاست کمی‌احساس ناراحتی می‌کند ، صبح او وزنش جویس خبرها را شنیده بودند وشب پیش ازاورسی آشپز خانه دیده بودندکه‌یك چراغ دستی برقی تقریبا یك‌میل دورتر ازخانه‌ی شان روشن وگل می‌شد. او اکنون فکر کردکه انبارخانه‌ی شان جای خوبی برای پت شدن است. وقتیکه پسر کلانش ایندی ازمکتب برمی گردد پدرش به‌او می گوید تاکه‌روشنایی است کارهای دور وپیش خودرا انجام‌بدهد. اوتقریبا تاساعت ششی شام بدکان کارکرد. بر علاوه کار درمزرعه اوشغل بخاری‌سازی وارد تصمیم دارد تا فردایکدانه آن راتکمیل کند .

ساعت ٦ و۱۵ ب،ظ .

درحالیکه جویس مشغول تیار کردن نان شب است به‌المر از آنچه بروی پر ده تلویزیون دیده بود حکایت می‌نماید. پولیس می‌گوید : (آنان واقعا خطرناك معلوم‌میشوند. تو ممکن چهره های شان را دیده باشی) یکی جنایت کار حرفه‌ای بنام جان پیر پانت‌مورگان ۳۹ ساله که‌متهم به‌دو مرتبه آدم‌کشی‌است ودیگری بنام بیللی ویناُنس ۱۸ ساله، با اتهامات مبنی بردزدی های مسلحانه در اوترتایل هردو چندی قبل به وادینا انتقال داده شده بودند تااز همکار ان خود جدا شده ومنتظر محاکمه بودند.

هنگام صرف شام، المر به‌خانواده‌اش می‌گوید که هیچ جای وار خطایی نیست، وحتی اگر حادثه ای رخداد، شما باید آرامش خودرا حفظ کنید، این کپ‌ریکی ۱۳ ساله‌را به‌هیجان می آورد از میزدور می شودتافن



جان مرگان پس از دستگیر شدن، بللی بایك مامور پولیس فدرال .

کاراته راکه از هم صنفی هایش یاد گرفته به پدرش نشان بدهد تااورا مطمئن‌سازدکه می‌تواند جنایت کاران را به زا نسو بیندا زد .

تاریکی خودش وسیله افزایش تر س است . ناگهان منظره کلکین بزرگ و بی شیشه آشپزخانه جویس را مضطرب‌میسازد اومی رود تا تکه‌ای رابیاورد ودهن‌باز کلکین راباآن پنهان بسازد .

حتی المر حس می‌کند که‌آرام نشستن ترس می آفریند .

می‌خواهد از همسایه اش چیزی بپرسد ممکن مطالب بیشتر نسبت به او بداند. ولی هنگامیکه منتظر رخ شدن تلفون است‌احساس حقار ت می‌کند . پیش خود فکر می کندکه این‌همه جار وخنجال هابرای هیچ ! آنهاهمه مانند کودکان عمل‌می‌کند.

ساعت ٦و٣٥ ب. ظ .

ناگهان سگ شان شروع به‌عوعومیکند. لحظه به‌لحظه صدایش بلند تر می شود . و ناگهان اجیغی از ایدی (کسی‌بدروازه است! نی ، دونفر هستند !) جویس باشدت‌وخشم بازوی جو ل ده‌ساله رامی گیرد بطر فش اورا می کشد وسپس بطرف زینه ها می‌دود. بیکی ١٦ ساله، درپیش پایش آن هاقراردارد دریکی همچنان . اوومادرش هنوز از دروازه که‌با تیله چار پلاق باز می شود،دیده‌مشوند. بدون دیدن به‌اطراف جویس بطرف اتاق‌بیکی می‌دود .

بیکی لین جداگانه تیلفون دارد که‌بتازگی هانصب شده‌است تا گفتگوی او بامعشو قش مزاحم تلفون خانوادگی نشود. جویس ا ز پایین آشوبی رامی شنود ـ صداهای بلند ، صدای کوبیده شدن چو کی ای . اوگوشک رابلند می کند‌نمره‌ای صفر- را د و ر مید هد .

(زود ، پولیس . اینجا واقعهٔ بدی‌است) بعد آهنگ سردی که می‌خواند (لطفا یک لحظه صبر کن من آنها را برایت خواهم حاصل کرد) درهمین لحظه مردی از پایین فریاد می‌کند (زن پایین شو واو چوچه رام بیار !) .درحالیکه صبر می کند باخودمیگوید بالاخره دزدان بیکی وجول راندیدند.وقتیکه صدای آرامش وپر اعتماد پولیس از تیلفون شنیده می شود که ! (مافهمیدیم) اوکنترول بیشتر ی بروجودش می‌یابد.

صدا بار دیگر !

(زن پایین بیا !)

درحالیکه بازوی ریکی رابدست دا ر د پایین می‌شود. چیز یکه اومی بیند مو جی ازوحشت در وجودش می دود .

المر ،رنگش مانند گل چراغ پریده، لوله تفنگچه باشدت در گلویش فشار داده شده‌و توسط مردخشنی که بروت های درشت‌و موی دراز دارد، بدیوار آشپز خانه میخکوب شده است. جویس تاکنون مزه تلخ ضعف یابد حالی را ندیده بود ولی اکنون حس می کرد که زانو هایش به‌شدت می لرزد و نیروی خودرا ازدست میدهد . برای اینکه نیفتد بدیوار تکیه میدهد و منتظر صدا کردن تفنگچه است . کاملا یقین دارد که المرکشته خواهد شد.

مرد موی سیاه مورگان است . کمی دورتر جوانی که‌بیشتر به هنرمندان قدیمی سینما می مانند ایستاده است او بیللی می‌باشد. مورگان امر میدهد.

(موتر تان وپول) وبعد جیغ‌می ز ند. کمی المر را رها می سازد تابکس جیبی‌اش رابکشد .

المر می‌گوید:(موتر به گاراژ است) و بدنبال آن کلید موتر را می‌دهد.مورگان آن رابسوی بیللی که‌بطرف گاراژ روان ا ست می‌اندازد. بعد بدون کلمه‌ای حرف مورگان درون بکس جیبی اش راخالی می‌کند فقط ٤٠ دالر وجویس بکسک پولش را می پالد.

اکنون صدای چالان کردن موتر وبدنبال‌آن نزدیك شد ن آن‌شنیده‌میشود. جو یس ده دالر پیداکرده آن ،رابه مورگان‌میدهد. در مغزش فقط این اندیشه که‌چگونه‌ازکابو س دزدان رهایی یافته وآنان را ازخانه‌بیرو ن براند دورمی زند. اومی داندکه‌پولیس هابراه است‌ولذاهیچ چیز نمی گوید. روی بطر ف مورگان نموده می‌گوید (هرچه دل تان میخواهد بگیریدوبروید). پولیس رسید.آن‌بطرف ر اه طولانی مزرعه می‌خواند.

روشنایی چراغ‌پیشروی موتر بربیللی می‌خورد هنگامیکه اوازموتر صاحب خانه‌خیز زده وبطرف تعمیر می‌دود.

زمانیکه صدای جویس بـه ا د ا ر ه

پو لیس میرسد ریچاردهای وودو شرلی مانلی‌باعجله بطر ف مزر عه روان می شوند ایندو نفرباهم پیوند ی ندآرند ،های‌وو د مدتی را درمیامی فلوریدا گذرانده‌وعمرش‌را درجنگ باجنایت کارا ن تیر نموده ا ست سه‌سال پیش ، اوبرای استرا حت وآرامش به‌دهکده وادینا که جای آرام وبی سروصدا بوده‌وبرای‌پرورش کود کان جای منا سبی است نقل مکان می نماید ولی او هیچگونه تجاربی راکه در شهرپربیرو بار در نبرد بارهز نا ن‌بدست آورده بود فرا مو ش نمی‌کند . اکنون او می خواست تامور گان وبیبیلی راتوسط بمب های دستی گاز اشك آور تسلیم کند. ولی پلان اوبا طرح مانلی جورنمی آمد. زیرا اوعقیده داشت که گاز اشك آور دزدان رابه خشم آورده وبا رویه بدباگروگان های خود معامله خواهند کرد.

ساعت ٦ و٤٥ دقیقه ب .ظ.

هر قدریکه بر تعداد مو تر های پو لیس اضافه میشود دو دزد ازیك کلکین به‌کلکین دیگر می دوند مور گان روی‌به طرف المر نموده ازاو تفنگ می‌خواهد .

بعد به جو لیس امر میکند که‌روی زانو هایش به اتاق سالو ن نشسته رو یش رابطرف دیوار بر گرداند . هم چنا نکه ایدی ترسیده مینگرد ،جو لیس امرمورگان رااطاعت میکند.

المر مور گان رابه به اتاق شکار هدایت میکند ازآنجا اویك تفنگ و ینچستر ۹۹ویك تفنگ .٣٠در.٣٠ رامیگیرد و تفنگچه را به بیللی‌میدهد . لحظه ای بیللی به تفنگچه‌می نگرد وآن راچنان بد ستش میگیرد که در یکی ازفلم‌های وستر ن هنر نمایی می‌نماید

المر به‌جوان نگاه میکند . باخود فکر می کند دیوانگی است دیوانگی.

جویس در حالیکه روی زانو هایش نشسته است به شد ت می لرزد این‌لرزش چنان شدید است که اوفکر میکند سطح اتاق‌می لرزد .ترس چنان بجانش رخنه‌میکند که‌فکر می نماید دیوانه می شود. و قتیکه مورگان از اتاق بر می گردد صدای المراورا تسلی میدهد که می گوید (خوب نیست مورگان او بتازگی عملیات نموده است اجازه بده‌ایستاده شود درست است ؟)

باغم‌غم زیر لب به جویس اجازه میدهد. روی دیوان می نشیندوریکی رنگ پر یده راباخود می نشاند،

ساعت ۷ و ۱۰ دقیقه ب. ظ.

محاصره ادامه دارد .خانه توسط چراغهای بیش از ٣٠ موتر پولیس درنور غرق‌گردیده است وزیاده از .٥ پولیس اسلحه درد ست آماده عمل اند. المر در وضع بد قرار دارد. اوو‌خانواده ها یش در خانه خودشان زندانی اند ،دشمنانش در درون آن واکنش او علیه مورگان به‌نظراویك آدم مغرو ق ما نند کسیکه روحش بکلی پوشیده باشد ، معلوم میشد ولی در مورد بیللی حیران،شده‌بود که‌چطور یك بچه ١٨سا له اینقدر بیر حم‌می شود.

اکنون، کلمه محاصره در سواسر شهر بخش شد تیلفو ن هابصدا درآمد .مور گان جواب‌تیلفون هارا خودش میدهد (مور گان گپ‌می‌زند) بعد رویش رابه طر ف المرنموده می‌گوید (توراکار دارند)یکی از او لیسن تیلفون ها ازمادر المر است مور گا ن به روشنی ازضطراب و تشویش د یگران‌لذ ت می‌برد.

المر برای‌آرام سا ختن دیگران چه گفته می تواند بخصو ص مادرش تنهاچیزی که‌می‌تواند اینست که بگوید همه خوب هستند ویااینکه بعد تر تلفو ن خواهد کرد. وهنگامیکه روزنامه‌نگاران با مور گان حرف.

لطفا ورق بزنید



خانواده‌ی ویگشاید پس از رهایی‌درمیز کنفرانس باروزنامه نگاران.

میزدند چنان سخن میزد مثل اینکه فضانوردی ازمهتا ب (نی، تاکنون پلانی ندارم. فقطامنتظر حواد ثهستیم .. بلی بشما اطمینان میدهم . خانم وآقای ویگشاید بسلامت هستند .ودو طفل شا ن همین طور.)

درأتاق دیگر، جول پس گوش ها یش‌را تیز میکند، دو کود کاوفکر میکند که مورگان چه خواهدکرد اگربداندکه‌دو طفل دیگر است. عکسی از بیکی روی تلویزیون قرار دارد که‌ممکن آنها وآبه اشتباه وشک بیندازد .ویا چیزی ازبالا خانه خوا هد شنید لحظه ای بعد چشم مور گان‌به‌عکس بیکی می افتدولی جویس جواب آماده دارد. (اودختر ماست بیکی أوبه شهر کار میکند.) اوفکر میکند که‌درو غش کار گر نشد. ولی بیللی به‌شد تبطر ف عکس نز دیك میشود ومی‌پرسد :

« تابستان گذشته او دردپار کیوین کارنمیکرد ».

جویس جوابدادوفهمید که بیللی به‌دیدن دختری که ویکی نام دارد بااین اطراف‌می آمده است.

به این ترتیب جویس برنده شد ولی فکرکردکه‌تاکی بیکی وجو ل راپنهان خواهد کرد.

المر باآگاهی از این امر سعی میکردبا گپ‌زدن های که لحن ملایم داشت سروصدا ایجاد کند.

ساعت ۸ و۱۵ دقیقه ب. ظ:

اولین ارتباطممکن از تلفون میکی ویلنتز رئیس اداره جنا یی مینسو تا صور تگرفت که ۱۰۰ فت دور تر ازآنجا زند گی میکرد، اوخواست تا اداره محاصره رابد ست بگیرد وبه همین سبب‌تلفون کرد که بدون اسلحه برای مذاکره می آید .و حتی گفت‌که بایك زیر پیرا هنی وتنها ن‌کوتاه خواهد آمد. مورگان باآگا هی از میکی جو اب داد برایت می گویم هان اگر بخواهی جنجالی را براه بیندازی. من مجبور خواهم شد تا همه راقتل عام کنم المر میدانست که‌اوچه می گوید وهم نمیدا نست که اگر بیللی تفنگچه راتصاد فی‌هم آتش کند،ویااگر یکی طرفی را بیندازد، گروه بی سازمان نابلد وخشن پو لیس که‌د ر بیرو ن منتظر اند بدرون خواهند آمد ودر آن صورت قیامتی از رگبار تفنگ هابرپاخواهد شد.بعد ترکه المر رابه تلفو نخواستند گفت :«ما همه‌خو ب هستیم ،و لی سعی کنید کسی‌از بیرون بلمور گان قهرما ن با زی نکند».

باصبر وانتظار بخود میگوید نجات

وابسته به قدر ت کنترو ل خود آنها به‌خصو ص خودش دارد. زند گی خا نواده

اش وابستگی نز دیك با اداره نمودن‌اعصاب خودش است.

تلفونی از لویس چا پلیك معاون پولیس ازکاسکو نتی می آید در هنگام گپ زدن بااوفکر ی‌برق آسا در مغز مور گان دور می زندوناگهان همه چیز رادگر گو ن میسازد چاپلیك پیلو ت است. اگر طیاره کو چکی برمزرعه ویگشاید بزمین بنیشنند او می تواند مورگان وبیللی‌را از آنجا به دوردست ها پرواز داده وآنان را به وسیله پراشوت‌از طیاره به بیرون بپرند. برای اولین بار مورگان راه فرار می یابد وآ لمر نیز.

به بالا خانه بیکی جرا تنمیکند ازجایش شور بخورد تا مبادا سرو صدا یی بوجود آورده در تاریکی خاموش پناگاهش همه صداها بزرگ معلوم میشود .

اکنون چیزی می شوند که با عث ترس دختر میشود:جول بر ادر کوچکش در زیر چپرکت بخواب رفته و آهسته آ هسته‌خرخر میکند :اوباانگشت پاآوام پایین می شودتا برادرش رابیدار کند. ولی کو چکتر ین شرفه پای می لر زاند ش به آ هستگی



مزرعه‌ای خانواده‌ی ویگشاید

زمزمه میکند «جو ل،بیدآر شو» بار دیگر سعی میکند .باﻻ خره جول تکان می‌خوردو وپهلو می گرداند بیکی از فر صت کارگرفته برایش می گوید که آرام بوده و خر خر نکند. دوباره بجا یش بر می گردد.

ساعت ۸و۳۵دقیقه ب. ظ:

اولین کسی را که‌مورگان اجازه ورودمی دهد وکیل شهر کس کنتی بنام جان‌پلاتنر می‌باشد اومی گوید که از عقب خانه د ر حالیکه دست ها یش راروی سر ش قرار گرفته و بیللی آنرا با تفنگچه اش همراهی میکند ،وارد شود .

بااین همه پلاتنر سعی میکند که نقش‌یك میانجیگر رابازی کند . او که ز مانی

بحیث لشکر کلاه سبزان درو یتنام کار نموده‌هر گونه پرواز توسط پراشو ت در مناطق جنگلی رامیداند و برایش می گوید که‌چگونه خود رابا چتر نجا ت ازطیاره‌بیرون آندازد وحتی موادی را که‌هر دو ضرور ت دارند برایشان خا طر نشا ن نموده در آخر می گوید اکه برای نجات شان ازشرسگ های پو لیس از مر چ‌سیاه کار بگیرد.

المر با دقت گو ش میدهد . مور گان ازالمر می‌پرسد که چقدر کارتوس برای تفنگ ۳۰. در۳۰. دارد

« چه‌ا تو نبایست تفنگ مرا همرایت ببری ،می بری ؟»

«چنین‌معلوم میشود »

«ولی مه درشکار از چی کار بگیرم »

مورگان بگوش هایش باورندارد.

«المرآزرده نباش ،مه خودت را همرا یم می‌برم . »

جولیس ودو پسرش باهم نگاه ها ی پرتشویش بدل کردند . ولی سکوت‌راپلاتز می‌شکند.

«جان مرابگیر، مه گر وگان بهتر ازالمر هستم ».

مورگان به‌پلاتز اجازه خروج میدهدتاکارها راسربراه کند.

پلاتز بااخبار نو برمی گردد و روبراه ساختن این کارها وقت‌زیاد را در بر گر فته وحداقل تاساعت ۷ صبح فردا زمان لازم دارد. درآنوقت باید یك‌طیاره کوچك سینا ۱۸۰ از برینارد به ودینا پرواز کند.همچنان معلو م می‌شود که پولیس فدرال نیز در مساله‌کشانده شده‌است . پلاتز هنوزبخانه بودکه دختر ۱۶ ساله مورگان بنام لیز أرمینت کلو د تیلفون می‌کشد.

ازپدرش می خواهد تابکسی آزار نرساند.

همچنان که‌شب فرا می‌رسد مور گان عصبی تر می‌شود . تیلفون دخترش به او احساس نوی داده‌و حتی اشك در چشمانش دیده می‌شود ولی‌هنوز نمی خواهدخودراتسلیم اداره گران نماید.

اوبه اتاق با عصبانیت قدم می زندگویی حیوانی است که آن رابزور در قفسی‌انداخته باشند وهر لحظه احتمال و حشی شد نش می‌رفت.

المر ، در حین‌حال ازفکر بیکی و جو ل که‌به بالاخانه‌بودند آرام نبود. از آنجا یکه دزدان شب رابخانه می‌بودند بزودی ایندو را کشف خواهند کرد وهیچکس گفته نمی‌توانست چه بسر آنان خواهد آمد. ولی المر چه‌خواهد کرد.

«جان...» بالاخره بخود جرأت میدهد.(مه می‌دانم که‌آدم بد ی نیستی ،پس بهتراست‌که بگویم ما دوطفل دیگر هم داریم که‌به بالاخانه هستند»).

مورگان (چی !!!) این کلمه مانند صدای توپ‌ازدهانش برآمد چهره اش در هم فشرده شد.

روی دلایلی که‌کس نمی داند لحظه ای بعدمور گان آرام گر فت و خواست آ تش غضبش راباقطی بیری تسکین دهد. اودراین مدت۱۲ قطی بیرنوشیده بود. المر با خو د فکرکرد که ازشروع حادثه تااکنون نه‌مورگان ونه‌بیللی چیزی خورده‌اند یاقهوه نوشیده‌اند. سعی کرداین مطلب رابگوید و لی فهمید که مورگان‌نه‌به پلاتزونه‌به‌اواعتمادمیکند. اوفکرکرد که‌ممکن پلاتز چترنجات سوراخ شده رابرای دزدان تهیه کند آیا این فکر بذهن مورگان‌هم خطور خواهد کرد. ؟

جولیس هرچارطفل رادر یك اتاق خواب آورد وبا آنان باقی‌ماند.

همه خوب أند، بسیار آرام واین ا مر برایش قوت قلب داد. ایدی ازاینکه چگونه صبح حیوانات راعلف وآب بدهد متا ثر

است. «یا اوصبح برایش اجازه خواهدداد، تاکار هایش را انجام بدهد. جو لیس‌فکر کرد که‌اطفال به‌این اندیشه که‌چه وقت ر هـــا می‌شوند زیادتر چرت می زنند تااگر. و لی ریکی اورا پریشان می‌سازد اویك تو ته‌آتش است وجویس‌نمی داند که‌چه کارهای خواهد کرد. اوبا خود سنجید که اطفال را ازکلکین خارج‌نموده بر بالای بام بالا شوند،و لـــی کلکین توفان‌مشکل رامی‌ساخت زیراپس‌کردن آن وقت زیاد رادر برمی گرفت . و هـــم مدت بیشتر تاهر پنج نفر چارغوك ازکلکین‌تیر شوند. واگو بیللی یامورگان بـــرای تفتیش بالا بیاید ؟ واگر اطفال وجویس ازبام فرار کند به‌سر المر چه‌خواهدآمد. ؟

درهمین موقع‌الـــمر روی بسترش د راز کشیده وپر ازدلهره واضطراب است.

اواز پایین کپ زدن وقیحانه دزدان را، صدای پرشدن تفنگ رامی شنود، وبه‌دنبال‌آن صدای کلمه‌ای (یك) رامی شنود . این چه معنی داشت ؟ آیاآنان فقط یك تفنگ را پر نگه می‌دارند ؟یایك کارتوس دریك‌تفنگ ؟ اگر تفنگی‌بدست آورده می تواند آن را بکار ببرد ؟ نی، دراین حالت خطر. نی تازمانیکه یك راه حل صلح‌آمیزوجود دارد.

ساعت ٥و٣٠ دقیقه ق.ظ

همه‌خسته شده‌اند، ولی هنوز ا میدآزادی رابه ساعت ٧ دردل دارند. جویس نیم‌خواب است، ناگهان باتکانی بیدار می شود . او نمی داند چه‌شده است. او فکر می کند کـــه علت آن مریضی غشی که شش ماه قبل‌داشته است ودوباره برگشته باشد.

اکنون ازکلکین به‌بیرون نگاه می کند . چیزی رامی بیند که‌بر اضطراب وتشویشش می‌افزاید : هوا خیلی بداست . به‌روشنایی سپیده می بینند که‌برف باشدت روی مزرعه می‌ریزد .

روشن است که هیـــچ طیاره کو چـــك دراین هوا پرواز کرده نمی‌تواند.

ساعت ٦و٤٥ دقیقه ق .ظ .

مورگان به ایدای اجازه میدهد تا به‌کار ها یش برسد . ایدای با دوش به‌کارازمیرود تاسگ راکه تمام شب بسته بوده و هـــــا سازد . بعد، رفته به‌گوساله‌ها، ماکیان ها و مرغابی ها غذا میدهد. معمو لا اوساعتی راکه باحیوانات است دوست دارد. ولی امروز با اخباری که‌پخش شده هرکس ازاو چـــیزی میپرسد. و لی پدرش گفته بـــود چیـــزی نگوید . روزنامه نگاران می‌پرسند.

(چگونه مورگان ترا اجازه خروج داد ؟)

ایدی فقط شانه هایش راتکان میدهد.

(دوباره بخانه برمی گردی ؟)

(بلی ... بخاطر ی که‌پدرم گفت؟)

وقتیکه کارش را پایان میدهد، یك‌عضو پولیس فدرال اورا باخود به‌پشت انبـــار برده ویك تفنگچه کوچك به کـــف دستش میگذارد وبرایش یاد میدهدکه چگونه آنرایت نموده وبکار ببرد.

مغزایدی انباشته از امکانات قهر مانی می‌گردد . اومی تواند به‌پدرش تلفون نموده‌و باهم طرحی بریزند.

(من‌بیللی را می زنم واو تفنگ مورگان رابگیرد..) ولی در همین‌لحظه‌میکی سرمی‌رسد ومداخله می‌کند.

(ضرور نیست این طفـــل را با تفنـــگ روان‌کنی).

ایدای دو باره بـــد ون اسلحه بـــر می‌گردد.

ساعت ٨و٣٠ ق . ظ .

المر از وضع که ادامه می یابدنارا ضی است . تاکنون پلاتز نیامد و بعد که آمـــد حتی چیز های ساده مـــانند چـــراغ دستی‌و کوگرد ضدآب باخود نیاورد. چرا ؟ آیـــا اداره چیان طیـــاره را از پـــرواز بـــا ز داشته‌اند !

همه چیز در وضع بدی قرار داشت . وقتیکه پلاتز خانه راترك می‌نماید هیـــچکاری انجام نداده است ، ممکن اداره چیان بـــازی انتظار ، رابرتر دانسته اند.

جویس در آشپز خانه مانده و باز ی‌بیللی رابا تفنگچه ونگاه های که‌به بیکی‌می اندازد، مراقب است. بعد ناگهان روی به‌مورگا ن می‌نماید و از اومی خواهد که اطفال را اجازه بیرون شدن بدهد. وقتیکه مورگان جو ا ب نمیدهد جویس رویش رابه طرف بیکی‌نموده واز او می‌خواهد تکه ای راکه دیروز برا یش آورده است قیچی کند تاحد اقل یك چیزی برای دفاع ازخودبدست‌داشته‌باشد.

ساعت ٩و١٥ دقیقه ق. ظ

هنوز کلمه ای (یك) در مغز الـــمرفشار وارد می‌کند. او بادقت تبدیل اسلحه هـــارا می‌بیند. او می بیند که زندگی اش به‌ماشه‌ای وابسته است .

مورگان همیشه مراقب تفنـــگ ٣٠در ٣٠ است. گرچه آن رابدست نگرفته است . ممکن اوالمر راآزمایش می‌کند .

اوبدنبال بیللی که‌اکنون بالاخانه ر فتـــه است می‌رود، چیزیکه او می‌بیند زیاد تر بـــر عصبیتش می افزاید . بیللی روی بستر ایدی دراز کشیده باتار های گیتار باز ی می کند واطفال بدورش جمع‌شده اند .

ساعت ١و٢٠ ب ظ .

درکمتر ازیك ساعت مـــلا قات دیگر ی روبراه می‌شود این باریك مامور پـــو لیس فدرال می‌آید. مورگان خیلی مراقب است. وجویس به‌اطفال می گوید که بالاخانه بروند، زیرا اگر حادثه ای ر خ‌بدهد بهتراست که اطفال نباشند . به‌آنهم ،ریکی برمی گر دو وسیبی را ازیخچال‌می گیرد. اکنون بدون‌یك علت، ولی مانندآینکه تنظیم شده باشد ـ سیب رامی اندازد، سیب شش فت‌برو ی‌سطح اتاق غلت می‌زند ودر پیش پا ی بیـــللی می ایستد. جویس سراپایش خشك‌میشود. آیاساعت نگران کننده که انتظارش بـــود رسید ؟ وآیاریکی می‌خواهد به‌قهر مـــانـــی های‌که درتلویزیون دیده است‌دست بزند؟ ویااینکه می خواهد تابیللی خودرا مأ نـــند پشك وحشی براوبیندازد ؟ برای سه تاچار ثانیه ،زمان برای جویس تو قف می کند . بعدریکی سیب رابر می دارد، به‌آرامی آن را پاك می‌کند وبه‌طرف بالاخـــانه ر و ا ن می‌شود .

مـــلاقات بابی اعتمادی آغاز می‌شود.

باوجودیکه مورگان فرا ر باطیاره رااصرار می‌کند فلیپ انلوو مامور پو لیس فـــدرال انواع گپ هارا پیش می‌کشد. اوکه آ د م بلند بالا وقوی است همیشه راه که بنظرش معقول می‌آید برمی گزیند پلاتز بخا مو شی نشسته است و گوش میدهد و بنابرخواست مورگان ،هارلی سورنسن ، هم زنجیرسابق مورگان که‌اکنون خبرنگار مجله ای میناپولیس تربیون است گفتگو را ثبت می کند .مورگان استدلال می آورد که اوبیگناه است ازاینکـــه به‌اعدام محکوم شده است زیرا وی بخاطـــر دفاع ازخود نفر راکشته‌است .

او همچنان می خواهد که جر مش‌تخفیف داده شود وهم باید در کس کنی حبس‌شود نه‌درواَدینا وباید بااوماننند دیگرزند انیـــان برخورد شود باوجود تلاش های زیادش برای فرار . و همچنان برای بیللی اعاده‌حیثیت کند :

انلوو وعده میدهد که‌خواسته هـــا ی‌او رابه‌مقامات بلند برساند وساعت ٧ ب. ظ . برخواهد گشت .

و لـــی مور گان در حصه فرار با طیاره مصر است.

(اگر ازاینجا پرواز کنیم .شماسعی‌میکنید مارا‌تعقیب کنید ؟)

(چه‌فکر میکنی ؟)

(یعنی می کنید)

(مامجبور هستیم قانون را تطبیـــق‌کنیم)

خوب درست است. ومور گان می‌گویـــد (المر رابا خود همراه باتفنگچه خـــو ا هـــم گرفت . اگر پولیس من یا بیللی رازد من نیز المر را خواهم زد)

انلوو باآرامی جواب میدهد.

(جان ،تویك موجود انسانی هستی‌وروح داری .مه باور نمی کنم تو اینطور کارکنی. توباوجدانت این کاررا نخواهی کرد.)

(ای مساله وجدان نیست .مرگ وزندگی است .)

المر در کنسی فرورفته است . اومی‌خواهد

تاانلوو راتنها ببیند . وبااین گفته پو لیس فدرال آرام می شود.

پریشان مباش ، مادو نفر نشان زن‌ماهر در راپید سینی آورده ایم آنان می توا نند مـــردمـــك چشم را از ٢٠٠ یارد هـــدف بگیرند)

المر فکر خوب است ، و لی تفنگ‌مورگان روی سرم خواهد بود . تودراین لحظه انلوو ادامه داد : (مه شب گذشته در مورد دختر تان پریشان بودم... مورگان وبیللی‌ممکـــن مزاحمش شده باشد).

این فکر المر رانیز آزار میداد .

اکنون جویس دو کنارش از مور گـــان خواست (اطفال چه‌بدرد تومی خورند ؟) باخود شان ایدای سه نفر گروگان کافی بود.انلوو استدلال نمود :

(جان، یك حرکت انسانی است‌هنگامیکه به‌قضیه تورسیدگی‌می شود به تخفیف‌جرمت کمك می‌کند).

جویس باردیگر می لـــرزد و مراقـــب کوچکترین حرکت چهره مورگان که‌باقطی بیـــر بازی می‌کند، می‌باشد . بالاخره اومی گوید: (درست است) .

جویس بگوش هایش باور نمـــی‌کرد . بعد شنید که‌المر از اوتشکر می‌کند .می‌دود تااطفال راآماده بسازد . وقتیکه انلوو خانه راترك می‌کند اطفال نیز بااو باآرامی مانـــنـــد سه‌عسکر بیرون می شوند . جویس کمـــی آرامش حس می کند .

ساعت ٣و٣٠ ب . ظ

بیللی باقهر و غضب د راتاق سا لـــون نشسته واز هرگو نه گپ نفرت‌دارد.

روانش‌پر از حوادث قـــهرمانی وپر واز باطیاره بود. و لی اکنون فکر می کرد کـــه فرو خته شده است . المر به ا ین نقطه ضعفش سوزن می زند.

(فکر می کنم قهر مانی ات بدرد نخو رد بچه)

(هیچگاه) او فریاد می‌کند .

ساعت ٧ ب . ظ .

انلوو با اخبار جالب برمی گر دد . تمام خواسته هایش توسط حـــکومـــت مینسوستا پذیرفته شد.

المر وجویس خوشحال اندو لی‌مورگا ن چیغ‌می‌زند.

(مه فکر خواهم کرد)

(چرا ؟ ایقه معطل‌می‌سازی)

(مه خودم تصمیم می‌گیرم .)

(و لی ماروی همه چیز موافقه‌کردیم)

مورگان در حالیکه موجی ازخون زیر پوست چهره اش می دود فریاد می کنـــد

(مه صبح همه چیز راخواهم گفت‌برد)

حالت اضطراب ادا مه می‌یابد.

وبه این تر تـــیـــب شب دوم آ غـــا ز می‌شود.

ساعت ١٠ ب . ظ

همه نزدیك تلویزیون نشسته اند و به اخبار خود گوش میدهند . آنها می شنوندکه

بقیه صفحه٦١

بمناسبت بزرگداشت سال بین‌المللی زنان

«رشدشخصیت ازدامان مادر آغاز می یابد»

ازبیانات بناغلی رئیس‌دولت‌وصدراعظم

(مساوات، انکشاف، صلح) شعار سال

طوریکه خوانندگان محترم مجله‌ژوندون اطلاع دارند ، مو سسهٔ‌ملل‌متحد سال ۱۹۷۵ را بحیث‌سال‌بین المللی ز نان مسمی نمو ده و
تحت شعار (مساوات ،انکشا ف‌وصلح) از طرف کشور های عضوموسسهٔ ملل متحد تجلیل میگر دد.
نقش سازنده زن در جا معه‌وسهم‌آنان در تکوین مسایل اجتماعی وثقافتی بشر نه تنها ما را به بزرگی‌وعظمت مقام زن متوجه میسازدبلکه
اصل عمدهٔ که باآن بایست اعتراف کرد مسأ لهٔ بقای نسل و انکشا ف‌زندگی است که زن تهداب گـذاراصلی آن می باشد .
زن در ادوار مختلف تاریخ د رکشور ما به تأسی ا سا سات دین‌مقدس اسلام و عنعنات وکـلتو ردرخشان کشور ، دارای موقف والا
وشکو همند در جا معه می باشد .
زنان در کشور ما علاوه ازتربیه‌فرزندان و رسیدگی به‌امور خانواده‌تحت‌شرایط دشوار و سنگین، بکار های‌اجتماعی‌نیز تن‌درداده‌اند ودوش
بدوش مردان در همه فعا لیت هـای‌اجتماعی سهیم بوده ومی باشند .
تاریخ کشور ما شا هد ایـن‌حقیقت است که زنان افغان درحیات‌ملی واقتصادی کشور نقش عـمده‌داشته و رول آنها چه در فا میل ،
خانواده ها وچه در مز رعه و یا دررزمگا هها پیوسنه باسهم‌گیری‌مردان بوده و نام آن ز نان نا مو ر یـکه‌امروز در سینهٔ‌تاریخ‌ما حك است ،
مارا متوجه به نبوغ و خـلا قیـت‌استعداد آ نها می سازد. با و جودعدم پرورش و اعتناء لازم به تربیه‌وانکشاف استعداد های نهفته‌آنها،
وباقبول دشواریها، زنـان در راه‌ایجاد و معرفی کلتور و فرهنگ ما خدمات قابل ملاحظهٔ نموده واز خوددر گنجینه های عمی و فر هنگی ما
آثار برازنده و مهم بجا گذا شتـه‌ا نـد .
بمنظور احترام به مو قف‌زن درکشور وسهم گیری بیشتر آ نا ن‌در مسایل اجتماعی چهار ده سال‌قبل ، نهضت زنان در دوره‌حکومت
رهبر بزرگ ما بناغلی رئیس دولت‌وصدراعظم بوجود آمد. با یست‌یادآور شد که نظام جمهوری از بدوتأسیس تاکنون همواره در تـلا ش
بوده است نادر تطبیق این ما مول‌مجاهدت بعمل آید. برای بزر گـ‌داشت از این مقام ارزنده وحیاتی‌وزارت اطلا عات و کلتور تصمیم
گرفت تاکمیته انسجام بمنظور گردآوری معلو مات دربارهٔ مو قف زن‌درفامیل و اجتماع منحیث مـر جـع‌پیشبرد خدمات اطلاعاتی تعین تا از
سال بین المللی زن به طور نیکووعامتر تجلیل بعمل آید .
پو هاند دو کتور نوین و ز یراطلاعات و کلتور در ا ولین جلسهٔ‌تنظیم پرو گرام تجلیل از سال‌بین المللی ز نان در تو ضیح هدف‌این
پروگرام گفت :
« وزارت ا طلا عـات و کلتـورمی خوا هد باجلب و گرفتن‌نظر یات‌صایب و جا مع ا هل نظر از جملهٔ‌زنان منور فعالیت های مو سسا ت
مربوطه نشراتی و کلتوری خود راطوری تنظیم بخشد که سال ۱۹۷۵ یعنی سال زنان بهتر و موثر تـردر کشور تجلیل شده بتوا ند ودر
ساحه تأ مین حقوق زن موا فق بـه‌عدالت انسانی خدمات ار زنده‌انجام یابد . »
مجله ژوندون‌برا ی بزر گداشت‌هرچه بیشتر از مقـام والای زن ، بر آن شد تایك سلسله راپور هـاومصاحبه هایی‌بازنان‌منوروروشنفکر
استادان ، معلمین ، دا کـتران ، کارگران ، محصلات و سا یر زنان‌کشور در مورد سال بین ا لمللی‌زن بعمل آورده و خد مت خوا نند گان
مجله تقدیم بدارد . اینك ما نخستین‌سلسله مصاحبه های خود راکه‌البته‌سلسله آ نها پیوسته به نشرخواهدرسید تقدیم خوا نندهٔ محترم می‌-
نمایم :



در قسمت اول این‌راپورخبرنگار مابا میرمن عزیـزه آمـره اداره جوایز مطبو عاتی وزارت اطلا عا ت وکلتور، میرمن حمیرا حمیدی‌مدیره لیسه ملالی‌میرمن صالحه نظام‌مدیره لیسه زرغونه ومیرمن معصومه استاد درلیسه ملالی در مورد سال بین - المللی زنان‌در افغانستان‌مصاحبه‌بعمل آورده است‌که تقدیم خوا نند گان ارجمند میگر دد :

گوشه ازمجلس کمیته انسجا م در وزارت اطلا عات وکلتور

(لیک بی مادر خجسته و جود   ولدی را نگفته کس مولود)
(امیر خسرو)

ـ« اگر زن نمی بود ، نـوا بـغ‌جهان را چه کسی به‌جهان می‌آورد وپرورش میداد ؟ »
(ناپلیون)

در چکو نگی تجلیل از این سال و اقدام مو سسه ملل متحد گفت :

توجه به مو قف زن و متو جه ساختن جهانیان به این امر، ازجملهٔ اقدامات نیکو و مفید ملل متـحد های تنگ محیط خانواده قرار داده است و سبب شده است تا آنها از حقوق مدنی خود بدور باشند و در اثر همین رسم و رواج ها، یکتعداد زیاد طبقه نسوان از ثمره علم‌ومعرفت

۱۹۷۵ سال بین المللی زنان

در آغاز میرمن عزیزه امره جوایز مطبو عاتی چنین گفت :

تصمیم مو سسه ملل متحد د ر مورد مسمی سا ختن سال ۱۹۷۵ عیسوی بحیث سال بین‌المللی‌زنان، اقدامیست مفید . بتأ سی از ا ین اقدام و بر گزاری همه جا نبهٔ آن ، مردم و ملل مختلف بیشتر متو جه موقف و تامین حقوق زن درخانواده واجتماع می گردند و سعی متداوم ملل در این امر ضروری و حـتمی است .

در کشور ما چهار ده سال قبل، نهضت ز نان با تو جهات ز عـیم ملی ما ، بمیان آمد وازآن موقع‌ببعد سهم گیری ز نان افغان در ا مور فرهنگی وکلتوری در کشور آغـاز گردید .

احترام زنان در اجتماع مـا و موقف شان بحیث مادر یکی از علل ایست که زنان را بعضا از اشتراك در فعالیت های اجتما عی با مردان باز داشته است . گر چه ز نان در فعالیت های فامیلی مصروف بـوده باآنهم بدون تشخیص حقوق و در نظر داشت مو قف خو یش ازنقش عمدهٔ شان در زندگی وحیات‌اجتماعی بی خبر بوده اند .

اما طوریکه تاریخ کشور ماشاهد است ز نان افغان با وجود همـهٔ مشکلات در امور اجتمـاعی دو ش بدوش مردان همت گماشته اندودر همه‌موارد و پهلو های زند گـی ، استعداد های آنها گر چه بعضاهیچ تشویق نشده و لی توانسته ا ند نامشان در تاریخ ثبت گر دد و لی متأسفا نه اکثر ز نانیکه در ا مـور خانواده و فا میل کار می کنند از تعلیم و تربیه اساسی بی بهـره مانده اند .

میرمن‌حمیرا‌حمیدی مدیره‌لیسه ملالی



میرمن صالحه نظام مـدیـر ه لیسه‌زرغونه

است . خصو صاً این اقدام بـرای شنا ساندن مقام زن در محیط های عقب افتیده ، کا ریست معقـو ل ووظیفه همه جـها نیا ناست تادر تجلیل ازاین سال وتفهیم سال۱۹۷۵ به‌حیث سال‌زن آنچه ضرور است، عمل نمایند.

آوردن نهضت زنان‌و شنا سایی حقوق آنان که با اقدا مات مفید و مدبرانه صورت گرفته است ، البته ما را امروز بیشتر امید وار به‌آینده د رخشان موقف زن در پر تو رژیم مردمی جمهوریت میسازد .

درکشور ما متاسفانه بنابر قیودات بی‌جا که‌نه در عنعنات ونه در دین ما موجود است زنها را در محدوده

محروم مانده اند که برای رهایی از این تاریکی ، آنچه از گذشته آغاز یافته ، بتدریج دامنه آن وسعت پیدا نموده و حال زنان کشور بهتـــر گردد .

میرمن معصومه استادلیسه ملالی:

اقدام موسسه ملل متحد در مورد تجلیل از این مو ضوع حیا تی ومهم ومسمی ساختن سال۱۹۷۵ به‌حیث سال بین المللی زنان ، برای شناـ سایی بهتر ار زش های زن بـرای جهانیان البته یك اقدا م مفیدومثبت است .

نهضت طبقه نسوان ١٤ سال‌قبل

بقیه درصفحه ۳۸



میرمن حمیرا حمیدی مـدیره لیسـه‌ملالی

افغانستان مهد تمدن های



از گل احمد زهاب نوری

علم باستان شناسی بر ادوار مختلف تاریخ روشنی می اندازد

مطالعه زندگی بشر ابتدایی وادوار کهن دلچسپ و خواندنی است

در نقاط مختلف کشور کاوش های علمی بمنظور روشن شدن تاریخ کهن این سر زمین ادامه دارد

مطالعهٔ تمدن های گذشتهٔ بشریت آنهم گذشته های دور و تمدن های کهن ،از دیر زمانی بدینسو تو جه دانشمندان را جلب کرده است و تلاش برای پرده بر داشتن از طرز زندگی عرف وعادات ، سطح زندگی ومکاتب هنری آنهایی که درادوار دور، به سر می برده اند، همیشه ادامه داشته است .

چون تاریخ از زمان معین به اینسو بر وقایع وحوادث جهان روشنی می اندازد،امروزعلم دیگری نیز در زمره سایر علوم اجتماعی به این منظور بوجود آمده وهمدوش با تاریخ بر گذشته های جهان تحقیق و روشنی می اندازد .

این رشته که اهمیت آن در عصر موجوده بیشتر درک گردیده و در همه کشور های جهان،دانشمندان فراوانی در زمینه فعالیت میکنند باستان شناسی است .

افغانستان سر زمین کهن سالی است ، که همیشه مهد فرهنگ وثقافت ملی بوده و افتخارات تاریخی فراوانی دارد . مطالعات تمدن های کهن این سر زمین و پی بردن به زندگی باشندگان ادوار ماقبل تاریخ این منطقه خود از زشمند ودلچسپ است .

سر ازین شماره جسته جسته ، گوشه یی از تحقیقات باستان شناسان را که سالهاست ، در نقاط مختلف افغانستان به کاوش پرداخته اند ، تهیه وطی گزارش هایی به نشر می رسانم که البته برای هر خوانندهٔ این جمله دلچسپ وخواندنی است .

داکتر زمریالی طرزی مدیر عمومی باستان شناسی ، در بارهٔ اهمیت این رشته میگوید :

ـ در گذشته با ستان شناسی نیز از شعبه های مشتق علم تاریخ به حساب می آمد ،ولی به اساس انکشافاتی که درین زمینه صورت گرفت ـ خودرا ، از تاریخ جدا ساخته وبحیث رشتهٔ علیحده یی از علوم اجتماعی محسوب گردید .

فرقی که این رشته با تاریخ دارد این است که تاریخ بروی مطالعهٔ اسناد (کتیبه ها، سکه ها و یادداشت‌ها) استوار است در حالیکه باستان شناسی با تمام آثاریکه حاصل زحمات مادی بشر است چه مربوط به هر دورهٔ که باشد ، سرو کار دارد . تاریخ از وقایع دودمان ها وحوادث ظاهری بحث میکندوباستان شناسی،مکاتب هنری ونحوهٔ ساختمان هارا ،ازروی آثار روستایی و معابد مطالعه میکند .

وی در بارهٔ طرز تحقیق باستان شناسان چنین میگوید :

ـ ریسرچ علمی، دنبال نمو دن مطالعهٔ آثار به سیستم های مدرن، تصنیف آثار،تجزیه های لابراتواری مقایسه ها، مطالعهٔ ادوار ساختمان ها و شرایط کار ویك سلسله بررسی های دیگر ، تحقیقات دانشمندان این رشته را تشکیل میدهد .

مدیر عمومی باستان شناسی درین باره مثالی آورده میگوید :

ـ مطالعه وطبقه بندی ، ظروف سفالین که در کاوش های باستان شناسی بدست می آید ، آنقدر انکشاف نموده که در تثبیت سنة

فتخار آمیز و کهنی است

های دور تاریخ ،شاید بیش از ۱، سال اشتباه رخ ندهد . همچنا ن **تجزیه کاربن ١٤ روشن میسازد نه** یك خاکستر کشف شده چوب آن در کدام دوره قطع گردیده و در کدام زمان سوختانده شده است .

البته درآینده دانشمندان باستان شناس قادر خواهند بود از مطالعهٔ تغییرات مالیکولی اجسام، دقیقترین نظرات را ارایه کنند .

از بناغلی طرزی می پرسم :

ـ افغانستان از نگاه باستا ن شناسی ، چگونه کشوری است ؟

ـ افغانستان سالیان متمادی مرکز حمایت هنر وکلچر آسیابوده ودر ادوار مختلف ،مهد تمدن هایی بوده ، که شعاع تاثیرات آن ، به دور دست‌ترین‌نقاط این قسمت‌قاره میرسیده است .

به‌این ترتیب مطالعهٔ افتخارا ت تاریخی و باستانی به کمك آثار مکشوفه بخشی از تاریخ این سر زمین را ، تشکیل میدهد .

کشور ما از نگاه علم باستا ن شناسی ساحهٔ مساعدی است که قرون متمادی‌امکان فعالیتهای‌باستان شناسی و تحقیقات علمی در آن امکان پذیر می باشد .

بناغلی طرزی سوال دیگرم را ، درباره روشنی هاییکه این تحقیقات درادوار گذشته‌افغانستان انداخته چنین پاسخ میدهد :

ـ از روزیکه انسان به تکامل بشری خود ، منحیث مردمان‌متمدن در مقابل شرایط ناگوار وبااستفاده از شرایط طبیعی، طریقه های بهتر زندگی راطرح کردند ، پیشر فت های شان متناسب کشف موادطبیعی واختراعات شا ن نیز از همین مواد بود . بناءً سیر تکامل بشری را نیز بنابر کشف و استفاده همین مواد طبیعی به ادوار مختلف طبقه بندی نموده‌اند .

زمانی را که انسان ها،ازسنگ وسایل زندگی خودرا می ساختند ، دورهٔ حجر واوانیی راکه اختراعا ت جدیدی بمیان آمد و فلز کشف گردید ،ادوار مس ، برونز و آهن مسما گردید .



حفریات وکاوشهای باستان شناسی در افغانستان تادوره حجر بر تمدن های باستانی این سرزمین روشنی انداخته است .

از حفریات که بر ادوار قبل از تاریخ این سرزمین را روشن می سازد میتوان از کاوش های « آق کپرك» بلخ نام برد که آثار این منطقه هفده هزار سال قبل از دورهٔ حجر قدامت دارد .

آثاریکه در کاوش های مندی گک کندهار بدست آمده به‌دورهٔ برونز می باشد .

سوال دیگری را ایـ[illegible] مدیر عمومی باستان شناسی مطرح می سازم :

ـ در کدام نقاط کشور ماحفریات باستان شناسی صورت گر فته و دانشمندان کدام ممالك، درین‌زمینه همکاری کرده‌اند ؟

وی میگوید :

ـ نخستین کاوش های علمی باستان شناسی در ربع اول قرن بیستم ، در افغانستان‌صورت‌گرفت واز آن زمان به بعد تاحال ، این فعالیت‌ها، تو سط تیمهای مختلف جریان داشته است .

می توان در بارهٔ نقاطی درکشور که کاوش های باستان شنا سی صورت گرفته ، از آی خانم‌ولایت تخار ، تپه بودا وچق آلاق کند ز شهر بلخ، سرخ کوتل بغلان ، هده ننگرهار ،میرزکه‌پکتیا ، تپه‌رنجان وتپهٔ سکندر کابل ،قصر مسعود و تپهٔ سردار غزنی ،شهر غلغله وناد علی نیمروز ، مند یگک کندهار و بعضی حصص دیگرنام برد .

درین فعالیت‌هاتیم های‌فرانسوی ایتالیایی ، امریکایی جاپانی آلمانی واتحاد شوروی با باستان‌شناسا ن افغانی همکاری دارند .

بناغلی طرزی می افزاید :

ـ یك تیم افغانی به حفریا ت هده ویك تیم مشترك افغانی واتحاد شوروی در صفحات شمال کشور نیز مصروف می باشند .

آخرین پرسشم را در بارهٔ طرز نگهداشت آثار باستانی طرح میکنم که وی در پاسخ میگوید :

ـ آثاری مکشوفه که ار ز ش فراوان دارند ،بایددر پهلوی مطالعه به‌حفظ آن نیز توجه مزید ،صور ت بگیرد، تابعداز کشف بتو ا نند برای آیندگان حفظ و نگهداری‌شده ومورد مطالعه قرار گیرد .

در کاوش های باستان شناسی یك قسمت آثار به مرکز نقل داده میشود وپس از ترمیم به سیستم های علمی نگهداری میشود و یك قسمت دیگر که غیر منقول اند ، در همان محل تر میم وحفظ می گردد .

در شمارهٔ آینده گزارش‌اختصا صی مارا پیرامون تپهٔ باستانی هده ، تاریخچه وآثار میخوانید .

علیشیر نوائی

اثر: م. ت. آی بیک

ترجمه: ع. ح. ایلدرم

تا اینجای داستان

خبر باز گشت نوائی به‌هرات وانتصاب او بحیث مهردار دولت ،چون‌حادثه مهمی در سراسر شهر انعکاس میکند .

اهالی خراسان این تقرررا بفال نیك میگیرندوچشم امید بسوی اومیدوزند .

روزی بعداز آنکه نوائی دردیوان حضورمی‌یابد حسین بایقرا اورا نزد خود فراخوانده پیرامون امور مملکت باوی بمشوره میپردازدونظرش رادرباره میرزا یادگار -یکی از شهزاده‌گان تیموری خواستار میشود ،امامنوزدیری نگذشته شهزاده‌مذکورعلم‌بغاوت‌بلندمیکند وپس از اشغال جرجان درصدد تسخیر هرات‌برمی آید .حسین بایقرا بخاطر سرکوب‌این شورش باسپاهی بزرگ عازم آن‌دیار میگرددچندی بعدسپاه هرات برلشکر میرزا یادگار هجوم میبرد وآتش جنگ مشتعل میشود .

گرچه امیر احمدعلی‌برلاس کوشید باتقویه روحیه جوانان خودمقاومت شدید نشان دهد اماجوانان اودسته دسته دورهم گردآمده‌متردد ماندند وبرای هجوم به‌جلو جرات نکردند. همینکه ازصفوف جلوی ده‌ها سوار بعلاکت رسیدند وصدها اسپ روی خاك افتاد، بی نظمی وپریشانی روبه شدت نهاد .جوانان دشمن از مقابله باشمشیر خودداری‌کردندودر صدد آن‌افتادند تاخود رااز معرکه ،زنده بیرون بکشند وراه گریز درپیش گیرند .

...علاوه برین مغل های که در صفوف‌قشون میرزا یاد گار وجود داشتند ، بااستفاده‌از موقع مانند پیش مصروف جمع آوری غنیمت شدند وبه غارت وتاراج گذشتند .

آنها بیشتر ازدشمن بجان همراهان خودافتادند وبازدن وافگندن آنها ازروی اسب ،کشیدن لباس وخلع اسلحه شان مبادرت ورزیدند.

جناح راست میرزا یادگار ،درطوفانی‌از خاکباد وشور وفغان ،سرگرم پیکار شدید بود.در مقابل آنها امیربدرالدین که‌در چستی وسبکسیری به‌قرچه ودر حمله به‌شاهین شباهت داشت وباجهیش خوداز فراز هفت اسب ،شهرت بزرگی کمائی کرده بود ،بدون آنکه دربرابر این‌هجوم کمترین ضعیف‌وهراس نشان دهد، میکوشید بایورشهای‌نیرومندخود ،آهسته آهسته دشمن رابیجا سازد وجلو پیشروی اش رابگیرد .

ناگهان دسته ای‌سوار ترکمن ،ازدرون سپاه میرزایادگار ،بسرعت وسهمگینی طوفان باد، راسا بسوی حسین بایقرا هجوم بردند. این حمله باتیر بارانی شدید مقابله شد. امارگبار تیرنتو انست‌جوانان ترکمن رامتوقف سازد وجلوپیشروی شانرا بگیرد .آنهاباتیر وشمشیر ،پیهم حمله ورمیشدند وباشکستن مقدم سپاه ،آهسته آهسته پیش می‌آمدند ناگهان گروهی ترکمن ازسمتی که‌انتظاربرده نمیشد ،خودرا به‌حسین بایقرا نزدیك ساختند بهادرانی که‌اطراف سلطان رااحاطه نموده بودند باکمال‌جرات وازصمیم قلب میکوشیدند تادشمن رابااستفاده ازنیزه وشمشیر پراگنده سازند ... آدمها برزمین غلطیدند ،شمشیر هاشکستند ،اسپان بی صاحب درحالیکه زین هاروی شکم شان افتاده وقیزه هابه پای‌شان بند می‌آمد ،باچشمان دهشت زده هرطرف میگریختند .

حسین بایقرا که نسبت به‌خاتمه جنگ نگران بود باخشم وکین هرطرف نظر میکرد، اماقادر نبود ازورای پرده ضخیم گردو خاك، جریان پیکار راتعقیب کند .سرانجام خشم وکین اورابی‌تاب ساخت وشمشیر ازنیام کشید وغرق‌در سلاح وزره بلجوانان دلیرخود ،چون تیر بسوی دشمن حمله ورشد .

اسب نیرومند ش صفوف دشمن را شگافته درقلب معرکه وارد گردید. او بافن جنگیدن خوب آشنا بودودر جریان کارزار، هجوم راهماهنگ باتکتیك بکار میبرد .اودر جریان جنگهای خوردو بزرگ پیهم ودوامدار که‌سالهای زیادی بخاطر تصاحب تخت وتاج درآن اشتغال داشت ،بارها مهارتو شایستگی خودرا درشمشیر زنی‌با ثبات رسانده بود. اکنون هم‌هرگونه خوف‌وخطر راکاملااز یادبرده ،باچیره دستی شمشیر میزد .بهادران نیز بی‌اعتنا بمرگ ونابودی خویش ،دراطراف سلطان به‌جانبازی پرداختند .بااینکه آنها موفق شدند دشمن رابعقب برانند ،امانتیجه جنگ‌هنوز کاملامعلوم نبود. جنا حهای‌راست وچپ قشون میرزایادگارباشکست سختی‌مواجه شده ،بکمال بی‌نظمی وپراگندگی روبه‌هزیمت نهاده بودند .این‌حادثه روحیه سربازان ترکمن راضعیف ساخت .آنها دیگر درصدد مقابله نبودند، بلکه تلاش داشتندهرچه زودترخودرا تاحد ممکن ازورطه قتل‌وقتال بیرون بکشند.

جوانان باغرور پیروزمندی حسین بایقرا روحیه شان بلندرفته بود دشمن‌رازیرضربات خونین گرفته ،تحت تعقیب شدید قرار دادند. ابرضخیمی ازگرد وخاك که‌نفس راخفه میکرد وچشمهارا کورمیساخت،درفضای‌میدان بلندشد

سپاه حسین بایقرا بعد ازآنکه عساکر پراگنده میرزایاد گار را تافاصله‌چندفرسنگ بشدت تعقیب کرد، شب هنگام باانواع غنایم وگروهی ازاسیران جنگی برگشت ،دسته ای‌از این اسیران که‌بیشتر شان‌سرکر دگان سپاه بودند درهمان وهله اول بقتل‌رسانده‌شدند‌نو نشاه پیروزی وحرارت جنگ‌بودزمین‌رابه‌لرزه افگند

۲

شاعر به‌داخل چادر ابریشمین شکوهمندی که‌پیرامونش توسط پاسبانان مخصوص بسر کردگی شیریم قراول حفاظت میشد ،داخل گردید ،حسین بایقرا روی دوشك زرین‌نشسته بود.نوایی درهمان نظراول نوعی تغییر دروضع اواحساس کرده ،متعجب‌شد وپس ازبجا آوردن رسم تعظیم ،بااشاره سلطان ،نزدیك اونشست بیك های‌مورد اعتمادووزرا آنجاحضور داشتند .شاعر حسنعلی جلایر کتاب جدیدی راکه پشتی قشنگ نفیسی داشت، روی زانونهاده دریکطرف نشته بود.مجدالدین که‌تلاش داشت بااستفاده ازهربهانه ای‌بحضور سلطان باریابد وباوی صحبت کند ،پائین تراز وی،زانوزده می‌نشست .غیراز آنها دوسه نفر مصاحب که وظیفه داشتند هروقت درپیشگاه سلطان حضور یابند وبرای زدودن ملال خاطر وافسردگی طبع او انواع لطائف وحکایات بخوانند. سعی میکردند باچشمان غضب آلود پادشاه، مواجه نگردند .

نوایی ازین وضع به کدام راز نهفته غیرقابل فهمی پی‌نبرد ،زیرا دشواری وضع رابخوبی میدانست .هرچند میرزا یادگار درجنگ شکست سختی رامتحمل شده بود، باآنهم نشاط پیروزی حسین بایقرا چندان دوام نکرد زیرا اخیرآخبرهای سردترازیکدیگرطورمسلسل میرسید .اطلاعات حاکی‌بودند که‌میرزا یادگار قشون زیادی گردآورده وامیر حسن‌بیك هزاران تن‌از سپاهیان خودرا بعنوان کمك‌در اختیار وی‌گذاشته وسلطان محمود باسپاه‌خود درجوار رودآمو اخذموقع نموده تااز آنجا بر خراسان هجوم آورد .

...علاوه براینها عده زیادی ازبیك هاوجوانان اردو معلوم نبود بخاطر کینه‌ای که‌از سلطان دردل داشتند ویابخاطر قرار محرمانه ای‌که بامیرزا یادگار بسته بودند ازاردو گامروبفرار مینهادند .

نوایی‌بسوی سلطان که‌سخت خشمگین‌بود دلیرانه نگاه کرده ،جویای احوالش گردید . حسین بایقرا باابلاغ اینکه ازهرات (چاپار) آمده است ،سرتاجدار خودرا به‌نحومعنی داری تکان داده دشواری وضع راافاده نمود .

سپس اززیر دوشك زرین نامه‌ای بیرون‌آورده به‌شاعر پیش کرد. نوایی ورق رابدقت‌از نظرگذرانده ،به‌آرامی آنراسر زانوی خود گذاشت، سربزیر افگند وچین درمیان‌ابروانش پدید آمدوبازهم به‌کاغذ چشم دوخت .

اوبعد ازآنکه واقعه‌را باعوامل اصلی آن‌درذهن خودتصور نمود نامه رادوتا کرده روی دوشك اطلس‌گذاشت‌وبه‌سلطان‌نگاه‌کرد‌ازنگاه‌اومفهومی حاکی ازاحساس خطر،تشویش ونگرانی ویا سوال تعجب آمیزی که‌بگوید (چه‌رویداد عجیبی) خوانده‌نمیشد. چشمانش مانندهمیشه مشحون ازاعتمادوا طمینان وحاکی‌از تفکربودند. سلطان نتوانست هیجان خودرا پنهان داردو باشکایتی تلخ ،زبان‌بازکرد :-بخاطر سرکوب فتنه گروهی‌ازاراذل‌واوباش دردارالسلطنه‌هرات چه تدبیری باید بسنجیم ودستوریی دریـن زمینه بدهیم ؟ازنظریات امرا،درین خصوص مطلع شدیم، همه‌معقول است ،شاید تدبیر قابل قبول رااز شما بشنویم ...

نوایی بابزرگواری ،نزاهت ونرمش خاص خودگفت :

حضرت سلطان ،سرنوشت دیار خراسان درکف‌اختیار شما قراردارد .درخاطر مبارك‌شما ،راجع‌باین حادثه الم‌انگیز چه بگذرد ؟

حسین بایقرا پس از لمحه سکوت‌باقاطعیت حرف زد :

-این تخت ودیهیم رابه ضرب شمشیربدست آوردیم میخواهیم باردیگر آنراهمانطـور بضرب شمشیر استـوار وپایدارنگاه داریم

این سخنان شاعر رااززده نساخت .این نوه جهانگیر لنگ که‌برسر نیمـه جهان‌تیغ کشید ه‌بود ،هرچند درشمشیر زنی مهارت‌داشت وبه شمشیر خود میبالید نسبت‌به‌شمشیربه میگساری‌ونسبت به‌جنگ‌به‌محافل‌عیش وسروری که‌در باغوراغ برپامیگردید ،تمایل بیشتر نشان میداد شاعر معتقد بودکه ممکن‌است با مشوره خردمندانه اورابراه درست توجیه‌نمود اما گاهی بهانه ناچیزی چون‌بادتند، آتش‌خشم اورادامن میزد. نوایی بامتانت شروع کرد:

-خاقان راشایسته است تاچون حکیم حاذق بردلهای مجروح مرهم‌گذارد .بعقیده کمینه،در اینجا هیچگونه ضرورتی به‌شمشیر احساس نمیشود

حسین‌بایقراگواینکه‌دراندیشه‌فرورفته‌است چشم به‌سقف چادردوخت .مصاحبان مثل‌اینکه بارسنگینی بردوش شان فشار آورده باشـد، همانطـو ر سـر فرود افگنـده دو زانـو

سکوت سنگین رامجدالدین درهم شکست وبانوعی غروردو بسوی نوایی گفت :

-سخنان حضرت خاقان ،درحقیقت ثمره عقل سلیم است .

نوایی تکان خورد وخنده آی‌کنابه آمیزکرد ودرحالیکه میکوشید خویشتن داری‌را ازدست ندهد ،درپاسخ اوگفت :

- دراینجاه‌مسئله اساسی مسئله عدالت‌وحقیقت است‌حق‌بطرف‌مردم‌است نباید دهانی‌راکه‌حرف حق‌رااظهار داشته ،باسنگ خون‌آلود ساخت، اماداستانی راکه تلاش کرده‌اند بنای حقیقت‌را واژگون سازند ، ضرورتاً باید قطع نمود...

جمع آوری مالیات کار دولت است ،نه‌منبع عاید وثروت برای مشتی‌عناصر حریص وآلوده همچنان لازم است بادرنظر داشت سویـه زندگی عموم‌مردم‌تنگدست خراسان ،اصلاحاتی درین زمینه بعمل آورد ،واین دستگاه راازوجود جرایم کثیف وحریص تصفیه نمود. مکرراً یادآور میشوم که‌این‌خشم‌واعتراض...

... ست ،حالا وظیفه ماست باصدای آنهارا بشنویم باصبر بردباری ،به‌شکایت‌شان [illegible]

رنگ اوروی مجدالدین کللی پریـد ورنفس بند آمد .

مصاحبان ازکنج‌چشم سوی‌همدیگر نگریستند حسین بایقرا باقاطعیت اعتراض کرد :

-کاراز حدودی که‌شما تصور میکنید ،گذشته است

ماسنگباران (دوانی)راکه درخدمت مااشتغال دارند ،بمثابه توهین به‌دیهیم خسروانـه

بقیه در صفحه ٥٦



روز بازار

پیش از آنکه در منشاء اصلی مراسم عنعنوی غور شود بهتر است از روابط نزدیك آن با رسوم مذهبی تذکری بعمل آید . اغلب جشن ها ی مذهبی محلی که در یو گوسلاو یا بنام یك ولی نعمت بر گزار میگردد و سود اگران وسایر طبقات مردم گرد هم جمع میشوند ، بذات خود کاملا مذهبی نمیبا شد. در قرو ن و سطی در ایالت سر بیا علاوه بر مارکیت های‌محلی‌که درآن‌بازرگانان دو. دست اشتراك میکردند ، بازار های وقفه ای (روز های بازار) رونق خاص داشت مانند(وساری ، پناجوری سجمووی) . در همین بازار ها بود که تجارت پیدا وار زراعتی روا ج یافته اجناس دلخواه مردم خرید و فروش میشد . در آنزمان صلا حیت تاسیس چنین بازار ها بدست حکمران و ملاك محل ویا کلیسابود. راهبان حق اولیت داشتند که محصو لات خویش را از قبیل گندم مشروبات و گوشت در بازار عرضه کنند واز خویش متمتع گر د ند هر گاه کسی بدون اجازه ایشان متاعی را بفروش میرساند اموالش ضبط و خودش محکوم به پردا خت جریمه میشد .

بعد از استقرار سر بیا درنیمه‌ی اول قرن نزدهم یعنی در۱۳ جولائی ۱۸۳۹ (تاسیس روز بازار در تمام ایالات سربیا) بمقتضای نقش اقتصادی آن مشکل قانونی گر فت. شاید این بازار ها که تعداد ش در آنوقت به بیست میر سیدهدف‌مهم اجتماعی داشته اند چنانکه واقعا بعد ها بمرور زمان اهمیت این امر روشن شد .

در سال ۱۸۶۳ ما بچنین متنی بر میخوریم (در بسا مارکیت ها و روز بازار ها جواز تجارتی برای عوام زیان آور وبار شکن است بطور مثال روز بازار نیکو تین هنوز هم هر ۲۱ اکتوبر در ین شهر کوچك شرقی سربیا برپا میگردد ، که در آن سال بیشتر مرجعی بود برای مستان واسراف کنند گان‌تا موضعی برای بـا زر گا نان ، وگویند«شهر بیشتر به میکده شباهت داشت تا به مارکیت» باآنکه ا ینگو نه اسباب تعیش وتنعم بازار را موقفی‌خاص بخشیده بود.مگراغراض اقتصادی‌خاص آن نزد مردم رجحان داشت . اجناس وتولیدا تیکه خرید وفروش میشد گوناگون بود ومردم مطابق به سویه اقتصادی ، معیشت وضرورت خویش داد وستد میکردند ، ورویهمرفته اموال واجناسی هم بوده‌که بحال خودثابت باقی بوده واز فروش باز میماند از قبیل حیوانات‌اهلی ، تولیدات زراعتی وبعضی از صنایع دستی طبعا رسم ورواجهای وسویهٔ حیاتی ، اقتصاد ی وزراعتی یك منطقه تا منطقه دیگر تفاوتی داشته مثلا مهمترین تجارت مردم در مناطق زراعتی حبوبات بوده ودر چراگا هها مواشی ودیگر حیوانات معرو فترین بازار هاعبارت بود از جا هایی که از نگاه موقعیت جغرا فیائی وخطوط مواصلا تی برای رو بدل ساختن اجناس و واقتصاد همه مردم صربستان وحتی تمام یوگو سلاویا مفید ثابت می شد دهاقین کوهستانی درضمن دیگر اجناس ، معمولا بز وگوسفند ، چا ر تراشی ، سامان چوبی و انواع‌اشجار را بفروش میرسا نیدند و د هاقین اراضی‌پست مواشی و حبو با ت را روز بازار محل فروش محصو لا ت کشت وحرفه ومایه تشو یق صنایع مستنظر فه وغیره نیز بوده است از قبیل حلبی سازی ، ظـرو ف سفالین ، نعلین سا زی ، سنگتراشی ، شر یینی فروشی ، سبد با فـی ریسمان تابی ، پیپ سازی‌ونظایر آن . در ین تاز گـی جناس و محصو لا ت‌دستی مزبور با تو لیدات صنعتی ونیمه صنعتی مز ج وملحق گردیده است .

از قبیل آلات وابزار آهنی ، البسه وجوراب ظروف پلاستکی ، زیور ها، پدیده های هنری ، تصا ویرو اشیای کوچك مثل شانه ، برس سر ، گل میخك ، سامان سلما نی ، جارو بها وغیره وغیره از یکطرف تقا ضا ی روز افزون برای تو لیدات جد ید ولوازم عصری که آنرا بازار هـای محلی نمیتواند تهیه کند ، واز جانب دیگر پیشر فت تجارت عمو مـی وانکشا ف وبهبودی حمل و نقـل سر کها وخطوط آهن نه تنهامناطق بازار ها ی مو صوف را تحت تا ثیر



منظره عمومی در روز بازار :
قطار اسپان که در وطن عزیز مابه‌نام (گنج) معروف است : وبنا بـر تسمیهٔ جزو بر کل‌روز بازار واینجاگنج میگویند .



بازیچه چرخ‌فلك نمایانگر چهره‌ی‌اصلی (روز بازار) است .

در آورده بلکه حدود باستا نی آنر ا بیش از حد تو سعه داده است .

روز بازار ها منحث یك محــل اجتماع برای بسا طبقا ت مردم‌مفید میباشدکه‌مرحله‌ای اولی، زارعین‌ودر مرحله‌ی دوم صنعتــگران و هــم طوا فان ،دستفر و شان دوره گر د وآنانی که از راه خرید وفرو شــں امرار میعشت دارند از این بــازار بیشتر مستفید میگر دند .
همچنین اینگو نه بازار ها کارگران دیگر پیشیه ها ر ا منجمله دریو ران ،میخا نیکان ،معماران و امثال‌ایشانرا بسان مشتر یان اصلی یعنی‌اشخاص خرد وبزرگ وزن ومرد وپیر وبر نا وبانوان وعساکر وخلا صه همه‌وهمه را به جانب خود جلب میکند ،چنانکه در روز های بازار دهات وقصبات طراف ونواحیی بکلی یک فضا ی آرام و بی سرو صدا داشته صحرای متروك را ماند .

تاسال های ۱۹٦۰ اکثر مردم توسط اسپ وکراچی های حیوانی میرسیدند وبروز بازار اشتراك میکں دند مگر درین او اخر توسط موتر ها ،مو تر سایکل ها ، بارکش و ترد کتور ها وغیره پایکشی ها مردم بیشما ر ی بدانجا می شتابند چون در بعضــی جا ها بازارها تامدت سه روز دوا م میکند مردم بستر ها ی خواب رانیز با خود برده بداخل عراده ها شب‌می گذرا نند ،در جوار کراچی ها یــا پناه گاه آتش می‌افروزند و غذا نی می پزند و برای اینکه جایی خوب‌و محلی بیدردسررا اشغال‌کرده‌باشند حتی چند شب پیش از روز بــازار می‌آیند وسایطنقلیه (کــه‌آنرا تیزـ رفتار میگویم) بیك خط طولانی جاده مانند ،در کنار خیمه های صاحبانش پارك میشبو ندو قطاری را تشکیــل میدهند که منظره جالبی را بوجــود می آورند .
حویشا وندان ،همسا یگان و فامیل هایی که با هم عــلاقه و وابستگــی دارند تــلاش میورزند که در جوار یکدیگر اخذ موقع کنند تا هم اموال یکدیگر را مراقبت کنند و هــم از تعاون با همی مستفید گردند .

امروز در سر زمین سر بیا روز های بازار علاوه از مقاصد اقتصادی وظایف مهم دیگری نیز دارد :

نخست ایجاد کردن یکنوع تفریح وسر گــرمی ومیله‌یعنی چــه ؟ مــیــلــه یــعــنــی قطــع کردن کارو بار وموقع یافتن‌بدیدار دوستان وملاقات اقارب‌قرا دیگر و جا های دور تر ،چنانچه درین اواخر یگانه چانسی است که‌کار گران‌شهر های صنعاعتی‌سربیاوجمهو ریتها ی دیگر وحتی کار گران خارجی گردهم جمع شوند واز احوال یکدیگر واقف گردند .

در چنین روز ها سخن از خبــر های تازه ،خرمن ها ،حیوانــات ، نرخ‌ونواها بوده وموضوعات د یگر مورد علاقه ورد زبانها میبــاشد و تبادل افکار صورت میگیرد .

گذشته از ینها آنرا فرصت خوبی برای دیدو باز دید همدیگر مــی شمرند . مردم دسته دسته در مقابل دکانهای که تازه بنا شده‌ته وبا لا گردش واز رستورا نهائیکه بیشتر بشکل کمپ میباشد دیدن میکننــد.

دختران وزنان جوانتر بهتریــن لباس تفریحی را بتن نموده گاهی‌هم خویشتن را باز یور ها می آرایند وبا همیل سکه های طلایی که‌تا ده هزار دینار ارزش میداشته باشــد جلوه فروشی میکنند . یك دختــر برای اینکه محتویات زیاد المساری رخت خودرا برخ مردم بکشد هــر روز پنج یاشش مرتبه لباس خودرا عوض میکند ، دلیل اینگونه خــود فروشی ها البته آنست‌که روز بازار بصورت‌عنعنوی شکل‌تفریحگاه بخود گرفته ودر آنجا جوانا نیکه بسن ازدواج بالغ شده‌اند آشنایی بهــم

بقیه در صفحه۶۱



با وجود ازدیاد روز افزون عراده‌ها هنوز هم اکثر مردم بوسیلــه کراچی‌ها به‌محل روز بازار میروند

د مصطفی جهاد څېړنه او لیکنه

دخوب اوخوب لیدلو په باب یولړ نوي اوپه زړه پوري څېړني

دوهمه برخه

چی بیا ویلی شو (فروید) له نظره خوب دروحي تضادو نو، کشمکشو نواو دتار گاه ضمیر دپټو شتمنیو څخه سر چینه اخلی اوبنایی دغه لانجی له ماشوم توبه شخص ته پاتی وی ډاکتر هال دخوب دبیلو بیلو زمینودپېژندلو لپاره دزرو تنو تحصیل کړو ځوانانو خو بونه تر څیړنی لاندی ونیول حوپه نتیجه کی دخوب (۱۳۲۸) بیلی بیلی ز مینی منځ ته راغلی چی د فیصدی دډیروالی په نسبت یی داسی بیا نولی شو.

خوب لیدونکی د خپل استوگنځی په شاو خوا یا دکوم بل تعمیر په مینځ او یا دباندی تری واقع وی، نقلیه وسایط په بیلو بیلو بڼو کی دخوب مواد تشکیلوی، خوب لیدونکی ځان دیوه مکمل او لوی تعمیر یا ماڼی دننه کی وینی، دتفر یح اوساعت تیری په محلاتو کی وی، په سړک یا خاره کی گرځی یا ولاړ وی، په زراعتی ځمکو او یا آزاده فضا کی گرځی او یا په کار مشغول وی، په بلورنځی اویا مغازی کی وی، پخپله اداره کی وی، په ټولگی کی وی، (زده کوونکی او محصلین) په نورو بیلا بیلو ځایونوکی لکه د رستورانت، دجگړی ډگر، روغتون په عبارت ځایونو او نورو کی) وی.

له یورتنی فیصدیو څخه دا راز معلو میږی چی دخوب ز مینی د ویښتوب د زمینو په مقابل کی معمولا داسی وی چی په خوب کی دهغو شیانو او موضو عاتو په باره کی خوب ونیو کوم چی په ویښتوب کی ورسره تماس نلرو او یا په آسانه سره نه میسریږی، مثلا دخپلی اداری، صنف او هغه ځای چی پکی کار کوواو، لږ خوب وینو مگر دنقلیه وسایطو لکه دسور لی موټر په باره کی ډیر خوب‌ونیو معلو میږی چی زمونږ د خوبونو یوه عمده برخه دهغو تمایلاتو او هیلو په باب کیږده کوم چی مونږ ته په اسانه سره نه میسر یږی.

ډاکتر هال چی د خپل ژوند ډیره برخه یی د خوبو نو په څېړ نی ا و مطا لعی کی تیر کړی دی نو هغه خوبونه چی دبشر افراد کوم چی په بیلا بیلو اد یانو او فر هنگو نو پوری مر بوط دی‌وینی دډاکتر هال له‌نظره دد غو عمو میا تو تر عنوان لاند ی راتلا ی شی.

۱ــخوبونه دعالم غیب پیغا مو نه دی.

۲ــپه هغو ټولنو کی چی په‌اسانی ادیانو باندی عقیده نه لری، خو ب ته دخپلو مړو شوو خپلوانودارواح گانو په فعالیتو نو کی تعبیرو نه لټوی.

ــهمداسی د غیر آسمانی اد یانو دځو ډولو په مفکوره خوب د مړه شوو اشخاصو دار واح گا نو خبر گیری دژوندیو صحنه ده.

٤ــ یوډول پیشگویی ده.

٥ــ خوب دخارجی محرکاتو بدنی اختلافاتو نتیجه ده.

٦ــ د(فروید) په عقیده خوب د هیلو اوآرزوگانو دتحقق موندلـو لپاره کوښښ دی.

٧ــ د(آدلر) په عقیده خوب دفرد دژوند دسبك یوبیان او توضیح دی.

٨ــ د(آستکل) په نظر خوب یو ډول کوښښ دی چی دتعارضو دلـه منځه وړلو لپاره پکار یږی.

باید وویل شی چی خلك دخه‌شی په‌باره کی خوب وینی اود دغو خوبو نو محتوی او حل څه‌شی‌دی. تر کومه حده چی‌ډاکتر حال څیړنی‌کړی دی، دهغه روحی کشفیات اوڅیړنی ډیر دقدر او ارزښت وړ دی.

ډاکتر (کالوین، اس حال) دلسو زرو بیلو بیلو کسانو خوبونه‌غونډ کړی اودخوب‌لیدونکی‌نه‌یی غو ښتی دی‌چی ددوی دخوب څخه هغه برخه چی دهغوی په‌خاطر اویاد کی پاتی ده، دهته ووایی.

په دغو څیړنو کی ستره نیمگړتیا دډاکتر حال په‌نظر داده چی دخوب دځر نگوالی په‌باب او په دی خبره بوهیدل چی خوب لیدونکی تر کومه حده پوری ربښتیا وایی، علمی معیار په‌لاس کی نشته او یواځنی معیار دخوب لیدونکی (وجدان) دی، یعنی که داسی وی چی ټول خوب لیدونکی خپل ټول خوبونه په تفصیل سره ربښتیا ووایی، نود ډاکتر هال په عقیده بده څیړنی به‌بل ډول وای یعنی واقعیتونو ته‌به ډیر نږدی او بیولوژیکی معیارونه به یی درلودل.

بده به‌نه وی چی دلته دډاکترهال دڅیړنو سره سره هغه یولړ نوی څیړنی چی پدی‌باب کی شوی اوځه ناځه دپخوانیو عقایدو او نظر یاتو سره توپیر لری هم‌بیان کړو:

۱ــ خوب دزمان او مکان له‌نظره

مونږ کله چی خوب وینو نوښایی چی اکثرا هغه محیط مو تر سترگو شی چی مونږ په ویښه لیدلی دی ورسره آشنایو اودا په اصل کی ټول هغه عکسونه دی، چی زمونږ دمغزو په وسیله په ویښه له هغو سیمو څخه اخستل شوی دی اویا موخوب ته راځی خو کله کله ښایی چی یومحیط له‌بله سره نژد یوالی پیدا کړی، مثلا امکان لری داحمد کور چی په‌پغمان کی دی اودمحمود کور چی په غزنی کی دی یو ځای سره په خوب کی ولیدل شی، حتی کورونه او کوټی سره گډی او څنگ په‌څنگ ولیدلی شی چی که یوه کوټه داحمد وی‌خو کله‌چی‌تری وځی نود محمود کوټه وی. دا موضوع په مغزوکی دتصویرو نوداغتشاش‌پوری ارتباط نیسی، یعنی یوعکس له‌بله سره پیوند پیدا کوی اوسره گډیږی

همداشان ډیر امکان لری چی مونږ په خوب کی‌ځینی داسی‌ځایونه هم‌وینو چی اصلا په حقیقت کښی موجود نه وی اومونږ په خپل ژوند کی هغه ځای نه‌وی لیدلی، چی‌داراز ځایونه اودا ناآشنا عکسونه دمغزو دسخت انقلاب څخه‌وروسته ښا یی ولیدل شی (البته دمغزو ددید په ساحی کی) چی داپخپله دمغزوایجاد دی او داسی ځایونه په اصل کښی نشته اوپه دی باب چی زمونږ‌ماغزه څرنگه کولای شی داراز نوی ځایونهووینی نوپوهان هم کو مې‌ډاډبخنو‌نکې نتیجې ته‌نه دی رسیدلی اودا موضوع لانه‌ده حل شوی.

دزمان او وخت له نظره هم ډیر امکان لری چی‌د خوبونو مو ضو ع په‌معلومو وختونو کی لکه سهار، غرمه، مازدیگر اوشپی کی ولیدل شی یعنی داچی ښایی یو څوك‌دشپی له‌مخه ویده شوی وی خوپه خوب‌کی ماز دیگر اویا غرمه ووینی.

همدا راز ښایی‌چی خو بو نه‌دمو‌سمونو له‌نظره هم تفاوت وکړی، لکه داچی ښایی ځینی وخت مونږ خوب ووینو چی واوره اوریږی‌پداسی حال کی چی اصلا اوری یا پسر لی وی‌یا به‌یه سخته ژمی کی ښایی‌چی ددوبی تاوده لمرونه په خوب ووینو

همدا راز که مونږ په خوب کښی سهار لیدلی وی چی ورو، ورو د خوب لیدلو سره غرمه کیږی یعنی مونږ فکر کوو چی پنځه اویا شپږ ساعته به‌تیر شوی وی خو که حساب وکړو، نو مونږ به‌په اصل کی یواځی یو ساعت یانیم‌ساعت‌و‌یده شوی وو چی پدی تو گه ویلای

شو دخوب لیدلو وخت ډیر اوږدی پداسی حال کی چی هغه وخت په‌په اصل کی ډیرلږوی یاپه بل عبارت کەمونږ په خوب کی وینو چی‌شپږ ساعته پر له‌پسی فعالیت‌کوو(خوب وینو) نوپه اصل کی به مونږیواځی یوساعت) ویده شوی یو .

دخوب شخصیتونه

دډاکتر هال له نظره هغه‌شخصیتونه چی زوړ او ځوان افرادی په خوب‌کی وینی ډیر فرق لری،دځوانانو دخوبونو نتیجه لس په‌سلو کی‌خپله‌ددوی د خــو ب شــخـصـیـــت و ی بل تو پیر د ځو ا نا نـــــو اوزړو په‌خوبونو کی شته دادی چی زاړه اشخاص دکورنیو او خپلوا نو په باره کی خوب وینی او ځوانان دخپلو دوستانو او آشنایانو په‌باب کی زاړه کسان اکثر دځوانا نو په شاوخوا کی خوب وینی حال دا چی ځوانان دخپلو همزولو په شاو خوا کی خوب وینی .

که څومره خپلو ځړنوته انکشا ف ورکړو نو داسی‌ویلای شو چی‌هغو- مره‌چی‌اولادونه دخپلومیندو اوپلرونو په‌باب کی خوب وینی پلار او مور هم‌هغومره دخپلو اولادونو په باب کی خوبونه وینی .

خوشحا لوونکی، خوا شینوونکی او ویرونکی خو بو نه :

ډیر ځله ښایی چی مونږ داسی صحنی په خوب ووینو چی‌دهغو په لیدلو سره ډیر ډیر خوشحاله شو، دمثال په توگه خوب وینو چی یــو ښه موټر مواخستی وی یو گران آشنا یاملگری موله سفره راغلی‌وی اویا کوم‌څوك چی‌اصلا مړوی ژوندی په‌خوب ووینو چی په رښتیا هـــم داسی خوبونه دخوب په وخت کی دانسان دخوشحالی سبب گرځی‌خو کله چی راویښ شی نوبیرته خوښی رفع کیږی او انسان بیرته خواشینی کیږی .

خوکله کله‌انسانان داسی خوبونه هم وینی چی ډیر ډیر یی پــــه خوب کی خواشینی کوی، دمثال په توگه ښایی‌څوك دانسان خوب‌ووینی چی پلار یی مړشوی دی یایی کور اور اخیستی او همدا شان ډیری نوری خوا شینوونکی صحنی چی په خوب کی ځینی ژړوی اوحتی نژدی وی‌چی له‌ډیر غم‌څخه یی زړه وچوی.

خوکله چی راویښ شی نو وینی چی اصل او حقیقت هغه نه دی‌چی ده‌په خوب کی لیدلی نه‌څه ناڅه یی زړه ډاډه کیږی اوورو، ورو خو - شحالی پرانسان حاکمیت مومی اود ځان سره وایی‌چی ښه ووچی‌داټولی خبری می په خوب ولیدی چی‌رښتیا نه‌وی که‌نه نوڅه به‌می کړی وای .

دویرونکو خوبونو په باب تـــر اوسه پوری ډیری څیړنی شوی دی، زمونږ په خلکو کی اکثرا مروجه ده چی وایی ستونی ستغ مه‌ویده کیږه چی وبه ویریږی)یعنی داچی داسی باید ویده نه‌شی چی سترگی دی‌چت ته‌پاته شی ،څوکه څوك بیاهم داسی ویده شی ښایی چی هغه ډیر ویرو- ونکی خوبونه ووینی، دمثال په توگه هغه وینی چی بلاگانو یاپیر یانانـــو راچاپیر کړی دی اوده ته خولی اولاسونه اچوی، یاښایی ډیر ویرو- ونکی غړونه یی تر نظره شی بی‌له دی چی انسان هغه موجود په‌سترگو ووینی، نو دی ویروی، حتی دومره یی ویروی چی چیغی وهی خو پــــه اصل کی هغه خوب وینی چی ځان یی‌ډیر دروند شوی دی اوله ډیری ویری څخه یی ټول ځان په خولوکی ډوب دی، غړیی هم ناست دی ، هیڅوك یی مرستی ته نشی راتلای اویواځی په‌یوه ویرونکی چارپیریال کی راگیر شوی دی. داشان ویرو- ونکی خوبونه چی دستونی ستـــغ ویده کیدلو څخه راپیدا کیږی نـــو زمونږ خلك ورته (خپکی) وایی .

چی پس لەدا راز خوبونو څخه ښایی چی شوندی وچی‌یعنی‌داچی یوډول مخصوصی ژیړی دانی لــه ډیری ویری دشونډو په شاو خواکی راپیدا کیږی داډول خوبونه انسان ډیر خوروی .

خو ښایی چی که څوك په اړخ‌یا پړمخی هم ویده شی نو ویرو ونکی خوبونه ووینی. په داسی حالاتوکی دانسان ځان نه درندیږی او خوله یی‌نه دانی کیږی خوبیا هم‌لږ اوډیر ویریږی لکه داچی انسان فکر کوی چی دی غواړی څوك ووژنی خوپس له‌هغه وژل شوی سړی پــه سرو وینو ککړ پرده راپاڅیږی او دی ویروی ،یاوینی چی په یوی توری بندیخانی کی بندی دی .اوهمداسی ډیر نور ځیزان چی دانسان دویر- یدو سبب کیږی خوډیر زیات انسان نه‌خوروی .

مغشوش خوبونه :

کله کله انسان داسی خوبونــه وینی چی سر تر‌پایه یویوه برخــه یی بیخی گډه وډه وی چی انسان نشی کولای تری مطلب افاده‌کاندی دمثال په‌توگه‌یو څوك وینی چی‌هغه پل‌ډوډی خوری، خونا ځاپه ډوډی خوړونکی بدلیږی ،هغه دویم تن‌هم ورکیږی اویا یوه بله گډه وډه صحنه وریسی تر سترگو کیږی .

داډول خوبونه چی ونشی کړای کومه نتیجه تری وویستل شی د دمغشوشو خوبونو په نامه یاد یږی. داوړ خوبونه دانسان زړه ډیرتنگوی

همدا شان کله کله له‌عقله وتلی صحنی انسان په خوب وینی لکه‌داچی بی‌له وزرونو او یاکوم بلیو سیلی څخه انسان په خوب کی وینی چی پر آسمانو نو‌کی گرځی او ساعـت تیروی یاله یوه لویه سینه خیـــز وهی، یاله غره نه ځان راپه هـــوا کوی اودا وړ ډیری نوری حیرانوو- نکی صحنی .

همدا شان هغه موضوع چی مونږ لږڅه وړاندی ور ته اشاره وکړه‌هغه داده چی‌کیدای‌شی دخوب شخصیتونه او مطلوب کسان په‌خوب‌کی ناڅاپی تغییر و مو می دمثال په توگــه‌خوب وینو چی احمد له مونږ سره یــــو ځای روان دی خو کله چی یو ځــل بیا ورته گورو نو هغه محمود وی نه‌احمد .

چی داراز صحنی نه‌یوازی په‌مغشوشو خوبونو کی بلکه په هرراز خوب کی انسان لیدلای شی او نتیجه هم دا کیږی چی هغه څوك بیخی له‌پیژندلو څخه ووځی .

جسنی خوبونه

ډیر ځله انسان په خوب کښی عجیبی سهونت پاروونکی صحنی‌لیدلی شی حتی داچی پخپله خوت لیدو- نکی په‌داسی صحنو کی اصلا پــــه فعالیت راځی‌چی‌په نتیجه‌کی جنسی غریضه په‌ټول قوت سره راپاریږی څوچی خنثی شی ،البته دغو یضی خنثی کیدل هم‌په خوب کی په‌عملی توگه ښودل کیږی .

هغه شان چی پوهانو نظریه څرگنده کړی ښایی داډول خوبونه ښځی‌او نارینه دواړه ووینی اوعلتا یی هـــم په‌دوه ډوله ښودل کیږی .لومړی‌دا چی انسان که‌د انسان شهوانی‌قوت ډیر پیاوړی وی توښایی چی دا وړ خوبونه ډیر ووینی، دشهوانی قوت ضعف هم کله کله په مسلسله او ستړی کیدونکی توکی دداشان‌خوبو نــو دلیدلو سبب گر ځــی خو پــه استثنای توگه .

بل علت هم دادی چی ښایی هغه کسان چی داراز خوبونه وینی نوله شهوانی اعمالو څخه لــری ساتــل شوی وی دمثال په توگه هغه ښځه ونه لری .

رنگه او بیرنگه خوبونه

اکثرا انسان نشی کولای چــی په‌خوب کی‌دلیدل شوو صحنو درنگ څرنگوالی وټاکی .خوتر هغه ځایه چی پدی برخه کی څیړنه شو یدەنو څرگندیږی چی اکثرا په توراوسپین عادی رنگونو سره دخوبونو صحنی منځ ته راځی اوهمدا شان ښایی چی ټولی صحنی په‌خوب‌کی داصل‌طبعیت په‌شان رنگینی وی، خو هغه شان چی ومو ویلی انسان نشی کولای د صحنو رنگ وټاکی خوپه صحنو کی دځینو مشخصو میزانو رنگ ټاکلی شی لکه داچی یوسړی یا ښځه په خوب وینی چی په یوځای کی ژیــړ اوسره گلان راغوړیدلی دی. یاداچی وینی الوری نصواری لمنه اغوستی، یاپخپله په زرغون موټر یاخړ آس باندی سپور دی .

چی داټول درنگونو تشخیص د خوب په صحنو کی دی خو هغه راز چی ځینی نور پوهان عقیده لــری ښایی ډیری صحنی انسانان په‌طبیعی رنگونو ښکلی په خوب کی وویـنـی دمثال په توگه یو سړی خوب وینی چی په یوه راز زرغون سوی بڼ‌کی ولاړدی آسمان هم شین دی، ونــی سره او سپینی شکوفی لری، ځمکه هم‌په سور وزر غونه ده اود ژیړلمر پلوشی هم په‌ټولو خپری دی ،چی‌دا یوه رنگینه صحنه ده .

پاتی په ٥٩ مخ کی

مردی با نقاب بقه

تااینجای داستان :

گنتر مامورلایق‌پولیس‌به تعقیب‌سازمان بقه‌ها زندگی‌اش‌راازکف‌داد. الك معاون کمیسر پو لیس‌به‌تشویق دیك گاردو ن به تعقیب مایتلندپیر کمبردهرموزی‌هستمیپردازد . رای‌بنت جوان‌که‌نزدمایتلند کار میکند،به‌اثر تشویق لولا بسا نواپارتمان لوکس به‌کرایه گرفته می خواهد به‌خدمت خودنزد مایتلند پیرخاتمه دهد وتلاش خواهرش برا ی ادامه کار اونزد ماتیلند به کدا م‌نتیجه نمی رسد واو را ترك میکند دیك ازطرف وزارت خارجه انگلیس‌مامور حفاظت یك سند میشود. اما اسناد از سیف منزل لارد فار میلی‌بطرز اسرار آمیزی به سر قتمیرود با تحقیقات پو لیس هاگن‌مدیرکلپ‌هیرون گر فتار میشود. اما هاگن بطرز عجیبی فرار میکند واکنون‌پولیس به اثر اشتبا هی که دارد بکس هایی‌راکه مرا جعین درشعبات‌حفظیه استیشن های ریل به امانت می سپر ند در دفتر مر کزی تفتیش‌مینماید. در اثنای تفتیش بمبی در دفتر پو لیس منفلق میشودواینك‌بقیه داستان.

بهر حال ما از عمارت بیرون رفتیم ودرست در لحظه میخوا ستیم از خیابان عبور کنیم ، پولیس از انتهای دیگر پیدا شد. ما پای پیاده به روی خیابان بنا دو یدن‌گذاشتیم آفتاب. تازه سر زده بود که ما دریك ناحیهٔ بنام ایستلای رسید یم وقتی وارد ایستلای شدیم ، رفیقم به شهر رفت تاچیزی برای خورد ن و سدجوع بخرد اورفت ونزد من باز نگشت وقتی سر بدنبا لش گذاشتم سر انجام اورا در حالی یافتم که غرق نشه به روی خیابان افتیده بوذاز دستم هیچ کا ر ی جز این ساخته نبود که او بحا ل خودش بگذارم‌دو صندوق هردووزن زیاد داشت وحمل آنها برای من با اشکال فراوان همراه بودبنابراین بفکر راه وچاره میشدم .چشمم اتفاقا بهمان عمارتی رسید که‌به‌روی دروازه آن لوحهٔ نصب بود به روی لوحه اعلان فروش عمارت رانوشته بودند .از روی کتاره بناغچهٔ آن بالا خزیده ، کنج و کنار آنجا را بدقت بر رسی کردم و دریافتم که در انتهای باغ مخرو به ، در خت کهن وجو د داشت پا ی رانقدهای برگ وعلف خشکید ه می پو شانید . من توانستم که صندوق سبکتر رادر درون چا هی بیندازم وروی آنرا باگیاه ها ی خشکیده بپو شانم ، اگر در آنزمان معقولتر فکر کرده هر دو صندو ق رادر چاه مخفی میکردم ،امروز وضع زندگیم بهتر می بود اما درآن لحظه بجا گذاشتن تمام حا صل دسترنج بر خلاف میلم بود . من نمیخوا ستم آنچه‌راکه باقبول‌زحمت وجسارت به دست آورده بودم، به آن سادگی از استفاده خو دور کنم نام و آدرس فروشنده رایاد اشت کردم فرو شنده وکیل دعوا یی بود در ده ونچستر صندوق دوم رابا خود حمل کرده ، دروونچستر لباس نوی برایم خریدیم ویك روز را پس ازمذاکره باوکیکل دعوا در آنجا خوش گذ شتاندیم . من یك مقدار پول انگلیسی نزد خود داشتم و معامله خرید و فروش انجام شد هدایات لازم صادر کرده به مالك خانهٔ سپردم که عمارت راهیچو جه منبعد به‌کسی به کرایه ند هد و باید بوضعی که هم اکنون هست بدون آوردن کوچکترین تغییر ی حفظ شود تامن از سفر استرا لیا بر گردم . من با فرو شنده عما رت نقشی یك استر الیایی الاصل‌رابازی کردم که آمده ام تا عمارت زادگاهم را واپس بخرم از ونچستر سر راست به لندن رفتم بدون آنکه متوجه باشم در آنجا چه خطر ی به انتظارم هست . رفیق من که‌حال نشه به‌روی خیابان ترکش کردم ، اسم یکی از دوستانش را به من قبلا داده بود که هاری لیم باشد میشد . قرار ادعای دو ستم این هاری لیم درباز کردن سیف ها ی پول در تمام اروپا نظیر ندا شت. اومدعی بودکه‌لیم‌هر زمانی خواسته باشم ، به من کمك خواهد کردموقع یك چنین کمك رسیده بود . همینکه قدمم را به روی پیاده رو را تر لو گذاشتم باخزانه دار ما نتانیا روبرو شدم وخفیه پولیس هم د ر پیاده رو مقابل اخذ موقع کرده بود بارفقایش دیدم اما خو شبختا نه در همان لحظه یك ترامو ا از راه رسید من از فرصت استفاده کرده خو دم رابه داخل آن انداختم واز طریق زور بشن به‌لندن بازگشتم .پسانتر اطلاع یافتم که دوستم را بهزندا ن سپرده بودند و او در لحظه ایکه غرق درنشه به‌روی خیابان افتیده بود تمام ماجرا رایك‌بیك به پولیس پولیس فاش کرده بود . برای من دگر راه و چاره ی جز این وجود نداشت که مبلغ ۳۵ ملیون فرانك پول باقیمانده راهم درچاه مخفی میکردم . درین جا بود که به فکر هاری لیم افتادم .

وقتی در روز نامه‌ها خواندم که پولیس باتمام قدرت وامکانات خود در تعقیب سارق پر آمده و منازل کلیه دزدان مشهور راکه ممکن بود سارق نزد آنها پناهنده شود زیر مراقبت گرفته است این خبر باعث پریشانی ام گردید .اما باوصف آن هم سعی نمودم خودم رابه منز لی هاری لیم برسانم .

هاری لیم دریك خیابان مظنون درکاندن تاون زندگی میکرد مه غلیظی همه جارا پو شیده بود و من بازحمت فراودن درآن خیابان کثیف ومتعفن روان بودم. تا اینکه پشت دراوزه منزل هاری لیم رسیدم یك مرد پس از تاخیر و تردد به‌بسیار آهستگی دراوزه را برویم گشود و مرابه یك اتاق کوچك رهنما یی کرد دراتاق صرف یك لاترن به روی‌میز می سوخت و اطراف خود را روشن میساخت مهٔ بیرون حتی به داخل اتاق هم نفوذ کرده بود زیرا کلکین آنرا باز گذاشته بودند و این جزء پیش بینی های لیم بود تا در موارد حساس وضروری راه فرار برای خود داشته باشد .

هاری لیم از من پرسید : شما امریکایی هستید ؟شما دیوا نگی محض کردید که‌به اینجا پناه‌آوردید پولیس عمارت را از امروز چاشت به‌این طرف زیر مراقبت گر فته است .

به اختصار وضعیت خطیر خودم رابرایش تشریح کردم واضافه نمودم .درین صندوق ۳.۰ ملیون فرانك وجود دارد که معادل یك بلیون ونه‌صد هزدر پوند سترلنگ میشود این مبلغ‌پول برای هردو کفایت میکند ؛

می توانید این پول هارا د جایی قایم کنید تامن فرار نمایم ؟

هاری لیم فوراً جواب داد : البته که‌می توانم ولی سهم من چقد ر خواهد بود ؟

پاسخ دادم : نیمی ازآن مال تو خواهد بود .

...ی سخت دستپاچه بودم که اورا بالحن گفتا رش چنان خشن و خود خواه یافتم. پسا نتر در یا فتم که‌او هم ابتدا در تلاش کدام شغل دیگری بود، ولی بعد ها ما نند من سر قت ودزدی راپیشه خود ساخت وا ین

راه را برای رسیدن به پول وثرو ت راه سادهٔ بر گزید.

شما شاید هیچگاه قبول نکنید اگر بگو یم که و قتی او را تـر ک

میگفتم قیافه اش چندان بیـا د م نمانده بود. صرف گول ر سم یك بقه‌را خورده بودم که در آنز ما ن روی بازوی خود خا لکو بی کر ده بود،اما پسانتر به کمك یك جر ا ح هسپانوی و با پر داخت قیمت‌گزافی آنرا عملیات کرده و کاملا پاك‌نموده بود.

علامهٔ بقه نسبتاعمیق درپوستش خالکوبی شده‌بود. لیم مثل من خوب میفهمید که یك چنان علامهٔ فا ر قه در بازویش حك می با شد و همین علامه کافی بود که هر کجا می رفت ودر هرکجا که خودش‌راپنهان میکرد نمی توانست از چنگ من‌فرار کند. لامحال یکر وزی پیدا یش مینمو دم مابین خود قرار گذا شته بو دیم که بمجردی به امریکا ر سیـدم،آدرس خودم را تلگرا فی به او اطلاع دهم واو پس از دریافت تلگراف نیمی‌از مبلغ امانت گذا شتگی را فورا بـه گراند هوتل مو نتر یال تو ســط مکتوب و جستری برایم بفر ستد . به اختصار عرض کنم که اوباکارش نفرین مرانسبت به خود برانگیخت من به وقت پیشبینی شده به ایالات متحد امریکا رسیدم و بلا معطلــی تلگرافی به آدرس لیم روا ن کر ده، از رسیدنم به امریکا او رامستحضر گردانیدم.

انتظارم به طول انجا مید و لیـم پول هایم را نفر ستاد.

مجددا تلگرام کردم. این مر تبه از مونتریال مخابره نمودم از جایی که انتظار و صول پو ل را داشتم. اماباز هم انتظارم بیهوده بود. ماه‌ها گذشت ویك روز در روز نامه یـی خواندم کـــه لیم‌حین مسا فـر ت به گور نسی درآب غرق شده‌است.

اما حقیقت غیر ازان بود اوزنده بود وبا پول فرا وان‌زندگی مرفه‌یی داشت میخوا ست با پخش ا خبا ر درو غی خود ش را مرده قلمداد کند بانام مستعار عازم قسمتهای مرکزی انگلستان گردید. در آنجا شش ماه بصفت یك تاجر مجرب زندگی کر د درطول این مدت به آرامی‌قیافه اش

راتغیـیـــیر داد . پـــروتـیـهـا را ترا شید که اش را پصو ر ت‌مصنوعی طاسی ساخت البته این کار را پـــا استفاده از وسایل کیمیاوی انجا م داد. در حالیکه سعی مینمود درانزوا زندگی کند، ضمنا به آرامی طر ح ساز مان بقه ها را ریخت علت‌بوجود آوردن این تشکیلات آن بـود تامن خودم را درمیان ده ای ازاشخا ص که تازه خا لکو بی بقه میشد ند گم کرده نتوانم رد پا یش را پیدا کنم. او در ابتدا غالبا هد فی جز همین منظور نداشت. امّا پسا نتر به این فکر افتاد که شاید هیچکس حاضر به تحمل درد خالکو بی به را یگان نشود، ولهذا مؤسسه خیـر یـه را بنیاد گذا شت خلاصه از همیـــن تشکیل و اقدام کو چك تشکیلا ت مخوف و دهشتناك بقه ها بو جود آمد. یکی از اشخاصی که ابتدا لیم با او تماس بر قرار کرد، جا نـــی سابقه دا ری بنام ما تیلند بـو د . ماتیلند شخصی بود که ســـوا د نداشت وخواندن و نو شتن را بلد نبود .

دیك والك با دلچسپی به‌حرفهای بر او گوش داده بود. ند الـك د ر حالیکه الاشه اشرا می خارید گفت: طبعا واین تو ضیح اشاره ایست به کودك ما تیلند که در باره اش حرف های میزند!

براد به خنده پا سخ داد: اصلا کودکی و جود ندا شت. منظور من‌از کودك شخص ما تیلند بود که درخفا نوشتن و خواندن می آمو خت. واگر یکی دو مر تبه در بارهٔ بازیچه‌اطفال جانسن حرف زده، این یك اختر اع اوبود تا شما را فریب داده باشد.

وقتی جانسن، ماتیلند را پیـــدا کرد، به لندن‌آمد واتحا دیهٔ ماتیلندرا بوجود آورد. ما تیلند هیچ کــا ری نداشت جز اینکه در دفتر بنشیند و از تماس با مردم بدور با شد. مامور لایق و کار دان ما تیلند که مهر هٔ اصلی وبازیگر ما هر این صحنـــه سازی ها واین بازی بود و تمـــام سر مایهٔ این اتحادیه به او تـــعلق داشت، بصفت ما مور و زیر دست ما تیلند کار میکرد. البته تا و قتی امکان داشت از وجود ما تیلند برای بر آوردن منا طیر نظرش کارگشید. تااینکه جا نسن مورد سوء ظن واقع شد. جانسن این بازیگر ا صلـــی فورا خودش را از ما موریت نـز د ماتیلند بیرون کشید و زمانـــی دریافت که شما او را با حلقـــهٔ سازمان بقه ها مو بو ط میدانید و نسبت به او مشکوك هستید ، فورا

یکی از زیر دستان خود را ما موریت دادتاباکار توس پدون مرمی‌بسویش فیر کند.

بتدریج سازمان بـقـه ها قوت گرفت واو به این فکر افتاد کـــه چگونه از وجود یك چنین با ند ی استفاده ببـــرد. هر روز اعضا ی جدیدی به این تشکیل می پیوست وشامل شدن تمام این افرادمصارفی راایجاب میکرد.

اما در جملهٔ تمام افراد یکه ا و برای عضویت این ساز مان‌انتخاب کرده بود، یکی دو تا آدمـــــها ی درخشانی بودند. بالور یکی از افراد بسیار زرنگ و کار فهم در تشکیل

بقه‌ها بشمار می رفت. هاگن نـفر دوم بود. شاید اشخاص دیگر ی‌هم باشند که البته بعد ازین مانخواهیم توانست آنها را بشناسیم. اوبحیث

امر اتحادیهٔ ماتیلند در مورد ادار هٔ سازمان کو چکترین مشکلی نداشت ودر مصرف پو لها یش امساك نمی کرد. زیرا هرگاه درامور تجار تـــی ومعاملات خود و یا احتکار ها یش به نقصانی موا جهه میشد فو ر ا راه و چاره ای برای تلافی آن پیدا می کرد و نقشهٔ طرح کرد گی اش‌را بمرحلهٔ اجرا میگذا شت. مثلا و قتی در معا ملهٔ خرید و فر وش آ هن‌باب

بقیه در صفحه ٦٢



روزنه‌ای بسوی تاریکی‌ها

یاداشت از: لیلا - تنظیم از: دیدبان

- گفتم دیگر حاضر نیستم قدم در آن خانه بگذارم.

بالحنی که ملامت از آن می‌بارد میگوید:

- در چنین موقع حساسی می‌خواهی با من مخالفت کنی؟

- این مخالفت نیست ولی، دیگر هرگز قدم در خانهٔ آقای «ص» نخواهم گذارد

- چرا؟ ...

- باز هم می‌پرسی چرا؟ آقای «ص» باآن خانمش، با آن فرزندانش وگذشته از آن عمل زشت من که باین وسیله او را از زن وفرزند وکانون خانواده اش دور میسازم.

چنان بلند میخندد انگار که فکاهی تازه وخنده داری شنیده است.

- به این چیزها فکر نکن لیلا! زن و فرزند و خانواده ...

پوزخندی میزند:

- این ها بمن و تو مربوط نیست لیلا! وقتی خود آقای «ص» بخواهد، وقتی خانمش نتواند او را از هر جهت ارضاء کند، دلسوزی تو ویا من و یاکس دیگری بدرد نمی خورد. او میداند و خانواده اش، او میداند وفرزندانش، بگذار در باره این مسایل خود آقای «ص» فکر کند نه من ونه تو.

می بینم محسن‌خان چطور با عاطفه بیگانه شده است، چطور مسایل اخلاقی و عاطفی در او خرد ونابود شده است. در نظر او همه چیز یکسان است، زشت و زیبا، خوب و بد. بدون‌شک چیزی‌ درنظر او ارزش و برتری دارد که برای خودش، فقط برای خودش، منفعتی داشته باشد و شاید برای‌این‌منفعت فردی و شخصی اخلاق و عاطفهٔ خاصی هم داشته باشد، جدا از اخلاق و عاطفهٔ که ما با آن پرورده شده ایم، خو گرفته ایم و عادت کرده ایم.

باهمهٔ اینها من بهانه می آورم و میگویم:

- دلم نمی خواهد دیگر حادثه آن شب تکرار شود.

بعد ناگهانی می پرسم:

- راستی آقای «ص» چکاره است؟ چه‌شغلی ممکن است بتو بدهد.

پیشانیش چین می خورد:

- بهتر است در این موردسوالی نکنی. فقط به چیزی توجه داشته باش که من میگویم.

- یعنی هر چه تو میگویی‌من‌باید انجام بدهم؟

- به نفعت است که اینکار را بکنی.

- اگرنکنم ...؟

محسن خان با انگشتش روی پیشانیش میکوبد و میگوید:

- تو هرگز اینکار را نخواهی کرد. از طرف دیگر هرگز نباید فراموش کنی که من مبلغ هنگفتی بتو داده‌ام و گذشته از آن تا کنون مخارج زندگیت بعهدهٔ من بوده است.

آنوقت کلاه شاپو یش را که میان انگشتانش می چرخاند، روی سرش میگذارد و بطرف در میرود ووقتی می خواهد از اتاق بیرون برود میگوید:

- تا فردا شب خدا حافظ.

من از همان وسط اتاق فریاد میکشم:

- خیال پس فرداشب‌را ازسرت بیرون‌کن، همانطور که گفتم خانهٔ آقای «ص» نخواهم رفت.

محسن خان بی آنکه توجهی به اعتراض من کند، با گامهای سنگین طول راهرو را می پیماید و قدم در حویلی میگذارد.

من از پشت شیشه نگاهش‌می‌کنم، چنان مطمئن قدم بر میدارد وبطرف در وازهٔ حویلی میرود، مثل اینکه من اصلا حرفی نزده‌ام و یا صدایی از حلقومم بیرون نیامده است.

محسن خان از در بیرون میرود وبا سروصدای زیاد آنرا می بندد ودنبالهٔ آن صدای غرش موتورش‌را می شنوم که بسرعت از جا کنده میشود و در طول خیابان فرعی جلو خانهٔ ما بحرکت می افتد وصدایش بزودی در خلوت آن خیابان دور افتاده گم میشود.

لحظات متمادی همچنان پشت شیشه ایستاده میمانم وسعی می‌کنم به افکار از هم گسیخته‌ام انسجامی بدهم و به نتیجهٔ برسم. به‌هر چه فکر میکنم باز به محسن خان میرسم، به شخصی که به آسانی می تواند نقش بازی کند وبه آسانی میتواند از حالتی به حالت دیگر بر گردد.

چشمانم راه می کشد و قیافه محسن خان در اولین دیداردر ذهنم نقش می بندد. رفتار آرام و متین وژست پدرانه اش، چه آسان‌بدامم کشید و چه آسان فریبم داد. وقتی هم محسن خان وارد زندگیم شد، هرگز گمان نمی بردم که اودر مورد من نقشه هایی دارد ووجودوزیبائیم را مورد داد و ستد قرار میدهد. مگر میشود از مردی باچنان قیافه وباآن سن و سال چنین انتظاری داشت؟

خوانندگان عزیز ژوندون قضاوت میکنند

آقای دیدبان!

مدتها است میخواهم نامهٔ برای شما ومجله ژوندون بنویسم، اما هربار بعلتی اینکار بتاخیر می‌افتد در هرحال از وقتی که‌یاد داشتهای لیلا در ژوندون چاپ میشود، من حتی از خواندن یك سطر آن هم غفلت نکرده‌ام. بااینکه گاهی‌چاپ این یاد داشتها دوسه هفته یی به تاخیر می افتد. سر گذشت لیلا سرگذشت غم انگیزی است واز طرف دیگرنمایانگر تلاشهای‌عده‌است که در دوران سیاه قبل از انقلاب‌به جاه و مقامی میرسیدند واز رسیدن به مقامی از هیچ عملی رو گردان نبودند، مثل محسن‌خان که لیلا را وسیلهٔ ترقی خود قرار میداد. به عنوان یك هموطن دلم برای لیلا می سوزد که چرا بخاطر شرایط بد اقتصادی بازیچه این وآن قرار گرفته‌است وزندگی خودرا تباه کرده است. من ظلمی را که‌درحق لیلا شده است تقبیح میکنم و لیلا این دختر بیچاره را مستحق‌هرگونه مساعدت میدانم. خودم با اینکه از نظر اقتصادی وضع خوبی‌ندارم، بااینهم حاضرم تا حد امکان از نظر مادی به لیلا کمك کنم. خواهشمندم پیام مرا به‌لیلابرسانید وطریقی را که ممکن است من بتوانم به لیلا خدمتی انجام دهم به آدرسی که درین نامه می نویسم بمن اطلاع دهید.

بااحترام فراوان

عبدالعزیز -ص از اصفحان بلخ

بعد میرسم به آقای «ص»کسی که بی گمان در زندگی و آ یــــندهٔ محسن خان نقش موثری دارد .

آقای «ص» دیگر برای من‌معمایی شده است. این مرد چه کسی می‌تواند باشد؟ چگونه میتواند دست محسن خان رابگیرد واز پله هــای قدرت و پول بالا بکشد ؟

از جوابی که به محسن‌خان‌داده‌ام پشیمان میشوم ، کاش د عــو تش را می پذیرفتم و در این د عــو ت نقاب از چهرهٔ آقای «ص» برمیداشتم.

دلم میخواهد عمه را خــا نــهٔ محسن خان بفرستم وپیغام‌بـد هم که پس فرداشب باتفاق او خــانهٔ آقای «ص» خوا هم رفت ، ا مــا خیلی زود گر فتار تردید ودو دلی میشوم ولحظهٔ بعد صدای سیمــا خواهرم این فکر را بکلی از ذ هنم بیرون میکشد .

ــ عمه ...! عمه ... !

این صدای سیما است که‌لرزیده و ناتوان از اتاق دیگر بـگوشم‌می‌ـرسد .

تند و شتابزده از اتاق قدم بـه دهلیز میگذارم و پیش از اینــکه عمه وارد اتاق سیما شود، خودم را باو میرسانم . می بینم که سیمــا هنوز از تخت پائین نیا مده وچشمان منتظرش را به در دوخته است .

سیما تا مرا می بیند، از جایش نیم خیز میشود و بعد دو باره‌روی بالش می‌افتد ؟

بادست و پاچگی خودم رابه او میرسانم و می پرسم :

ــ سیما! چه شده ؟

صورتش‌برافروخته‌است ومثل‌اینکه از چشمان فرو ر فته اش آتش‌بیرون می جهد ، باصدایی کـه آ شکا را میلرزد میگوید

(ناتمام)



صنعت بوریا بافی

از یونس (پیشتاز)

-دولت جمهوری افغانستان درقسمت تقویه‌وپیشرفت‌صنایع دستی کشور سعی میورزد تا زمینه را برای هنرمندان‌صنایع دستی‌مساعدبسازد.

-صنایع‌دستی‌در کشور ما سابقهٔ طولانی داردو اکثر نیازمندی های مردم‌مابوسیله هنرمندان محلی‌بر آورده‌می‌شد.

درسابق بوریا یکنوع بافت خشتی بود که از آن بقسم زیرپائی فرشی روی خانه تشکیل دیوارهٔ محاطه ها و حفاظت نباتات و حیوانات از تابش آفتاب بکار میگرفتند. لاکن امروز علاقه مند این صنعت نسبت ذوق وسلیقه خاص که جز زندگانی روزمره آنان قرار گرفته است بیشتر به زیبائی و مرغوبیت حرفهٔ شان با بکار بردن روش‌های جدید توجه زیاد مبذول میدارند.

از طرف دیگر دولت جمهوری افغانستان در قسمت تقویه و بیشرفت صنایع دستی کشور سعی میورزد تا زمینه را بیشتر برای هنر مندان صنایع دستی مساعد بسازد. این خود از نشانه آن روشهای خرد مندانه دولت جمهوری افغانستان است که از هنر مندان صنایع محلی و صنایع دستی بطرق مختلف حمایت کند.

در مورد هنر مندان‌بوریا باف‌باید کفت که بیشه وران این صنعت اشیائی خیلی مرغوب از قبیل‌تکری های دستی ،بکس‌های‌صندوقچه‌بی دستکول های زیبا، پطنوس های خیلی قشنگ، اشیائی تجملی خانه، میوه دانی، کاغذ دانی، لباس‌دانی وديگر ظروف تجملی مورد نیاز خانه را به دوستداران این صنعت تقدیم میدارند.

نامه نگار ما برای مزید معلومات خوانندگان گرامی مجله ژوندون ضمن مصاحبه ای با بناغلی نجار محمد دکاندار باغ قاضی واقع چنداول مطالبی را گردآورده که اینك تقدیم خوانندگان گرامی میگردد.

نجار محمد که۲۵ سال دارد و پانزده سال است که به‌هنر بوریا بافی اشتغال دارد میگوید: از آوان کودکی آرزوداشتم‌که درس بخوانم اما بعلت مشکلات خانوادگی نتوانستم که به این آرزو موفق شوم، سر انجام ازسن ده سالگی به کسب پدری یعنی همین بوریا بافی روی آوردم واکنون با علاقه مندی زیادی به پیشرفت وانکشاف این صنعت میکوشم و آرزو دارم که با تقدیم اشیای زیبا در صنعت بوریا بافی بشکل تازهٔ خدمتی انجام داده‌باشم.

خوب ـ درین مدت کدام تحولی در این صنعت رخ داده یا خیر ؟

ـ جرانی، امروز هنر مندان این صنعت اشیای خیلی زیبا وقشنگ را نه تنها به علاقه مندان داخلی تقدیم میکنند بلکه آرزو دارند مشتریان خارجی را نیز به خرید اشیاء ساخته شده ازنی جلب‌کنند.

بناغلی نجار محمد این اشیاء زیباراکه در اینجا می بینیم در کابل ساخته اید ؟

نه خیر، به‌جز بعضی تکری ها و کلاه ها دیگر تماما در ولایت های پکتیا و جلال آباد ساخته شده و سپس بکابل نقل داده میشود.

اجازه میدهید بپرسم، از چند نوع نی برای ساختن این نوع‌اشیاء استفاده می کنید؟

البته نی انواع مختلف دارد.

یك نوع آن دارای ساقه های (٤ـ٥) متر بوده وبه ضخامت (٣ـ٤) سانتی متر میروید.

نوع دیگر آن به بلندی دو متر میسازند وازنی نوع اول خورد تر میباشد. معمولا این‌نوع نی‌درقسمت های مرطوب ونسبتا گرم میروید.

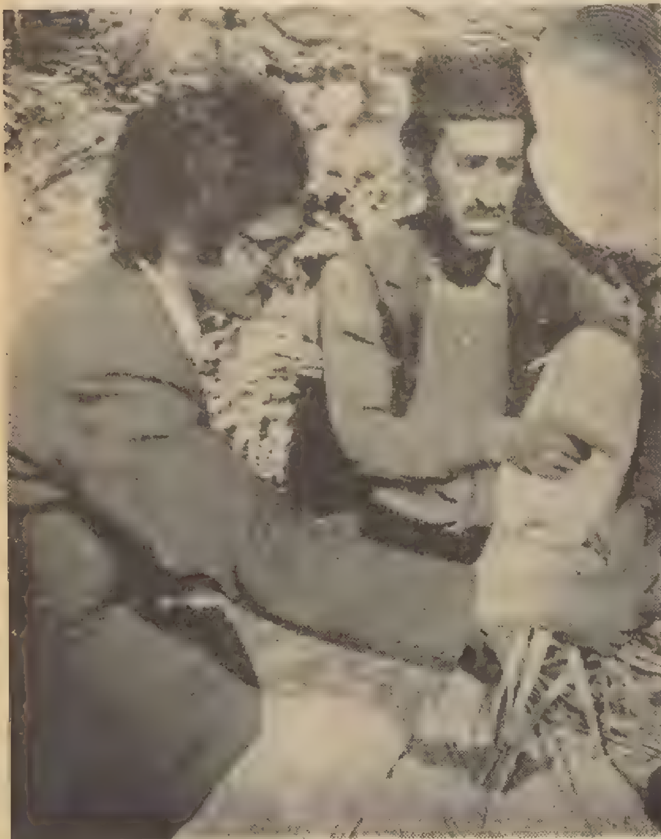
هکذا یکنوع نی دیگر نیز وجود داردکه نسبتا انکشاف یافته تر بوده از آن بغرض‌ساختن‌چیز های بسا فشنگی از قبیل خریطه ها، بکس ها، تکری های دستی قشنگ وحتی کلاه های بسیار زیبای‌بهاری



نجار محمد در حال ساختن کلاه بوریائی

در ا فغا نستا ن

(نی)) که ظاهر أساده و بی ارز ش می نماید، وقتی بدست هنرمندانی می افتد که مواد خام کار شان نی است ،چیزهای زیبا وجالب ا زآن بوجو د می آید.



خبر نگار مجله ژوندون در حا ل گفتگو با نجار محمد

کار میگیرند ا ین نوع نی شامـل بر گهای دراز بو ده گـل هـایش خوشه‌ئی و کلان ورنگش نصوا ری است.

بته‌های آن تا سه متر بلنـــدی داشته وتکثیر نوع آن ذریعه‌قلمه و بیخ جوش صورت میگیرد.قطر این نوع نی یك سا نتی متر بوده و در نقاط مر طوب و گرم تا به ار تفاع ٤ـ٥ متر هم میرسد.

به بخشید میتوانید بگو ئید کـــه بافتن یك تکری و یایك شگو رچه چه‌مدت رادربر میگیرد ؟

بعد از اینکه نی را از کوه هاگرد می آورند آنرا برای مدت چار یاپنج روز درآب میگذارند تا خوب نر م شود. بعد آنرا گرفته و بغر ض بافتن اشیای مختلف باطریقه های مختلف استفاده می کنند. مثلا برای بافتن یك شگور مدت دو روز وقت لازم است.

مراحل بافت آن طوری است که نخست نی مذکوررا(ازکوه‌ها دردو وقت یعنی بهار وزمستا ن جمـــع آوری آن صورت میگیرد) از لو خ آن جدا ساخته و آنرا برای مد ت درآب میگذارند، بعدا آنـرا از آ ب کشیده وخشك میکنند. لوخ ا یکه قبلا ازنی مذکور جدا سا خته شده است. بصورت‌دستـهٔ تر تیب داده میشود و بعدا آنرا تو سط یکنو ع سو زنیکه بنام (سپیته) یاد میشود به‌همراه پته نی میدوزند این کا ر معمولا تو سط زنان ز حمت کش‌وبا استعداد ولایت های پکتیا وجلال‌آباد صورت میگیرد.

خوب بعدازاینکه شگور مذکور آماده شده به چه قیمت آنرا مـــی فرو شید؟

این نظر به نوع شگور فـــرق میکند. معمولا هژده افغانی آنـــرا میفرو شیم و مفاد ما از سه الـــی چهار افغانی تجا و ز نمیکنـــد.

بناغلی نجار محمد، گفته میتوانی که فروش روز مره شما در حدو د چند افغانی است؟ این نظر به روز فرق میکند مثلا بعضی از روز هـــا پنجصد افغانی و بعضی از روز ها حتی تا چهار هزار افغانی هـــم میرسد.

ـ باین تر تیب از طریق بوریا بافی واشیاء زینتی از نی زندگی‌ات اداره میشود؟

ـ تا حال که شده و برای آینده هم امید واری زیاد دارم که با زیبا ساختن اشیاء بور یایی وتـر قـی این هنر دستی زندگی بهتری برای خود فراهم آورم.

ـ من هم امید وارم که چنین‌شود وهنر مندانی که دست انـدر کا ر هنر های دستی هستند مو فقیـــت هایی نصیب شان شود و صنایـــع محلی و ملـــی رواج و رو نق روز افزون بگیرد.



نجار محمد در حا ل ســاختن اشیاء تزئینی



تکنیک مخابرات در آلمان

تکنیک مخابرات در آلمان با یک انقلاب تازه رو برو است. براساس اختراع جدیدی که متشکل از الیاف شیشه ای است، صدا و تصویر را انتقال خواهد داد. بدستور دولت آلمان فدرال، کنسرسیومی از کارخانجات زیمنس، آ.ا.گ، تلفونکن و شوت سرگرم تکمیل این سیستم هستند حل فیزیکی تکنیکی برای یک کانال لازم از الیاف شیشه‌ی اینک وارد حطه امکان شده است کانال های شیشه ای خواهند توانست تسهیلات و پیشرفت های فراوانی در شبکه های کنونی و توسعه آنها بوجود آورند. همچنان قیمت این سیستم ارزانتر از سیستم های فعلی خواهد بود.

مریلین مونرو صاحب فرزندی بوده

تا چندی پیش امریکائیان تصور می‌کردند که مریلین مونرو ستاره آشوبگری که در زمان خود در اوج محبوبیت قرار داشت و در ماه حوت ۱۹۶۶ خودکشی کرد صاحب فرزندی نبوده ولی چندی قبل این راز فاش شد که مریلین مونرو صاحب فرزندی بوده به اسم «جانی کوهن» که محصول از دواج او بوده باجانی هاید مردی که ستاره های تازه را کشف میکرد، یکسال بعد ازین وصلت جانی هاید می رود مریلین پسرش‌را به پدرش میسپرد تا از او مواظبت کند ولی او قبول نکرد وطفل بدست یک فامیل نروژی به اسم کوهن افتاد وجانی‌را رابه فرزندی قبول کردند و میوه عشق وگناه مریلین مونرو به اسم جانی کوهن مورینون خوانده شد.



مادر جانی قبل ازاینکه خودکشی کند به پسرش تیلفون کرد و گفت که مادر حقیقی اش می باشد. وقتی مریلین خودکشی کرد ثروت سرشاری از او باقی ماند و جانی کوهن نیز بمنظور بدست آوردن میراث مادر به محکمه مراجعه‌کرد ومسئله راز بچه دار بودن مریلین‌را فاش ساخته است.

اعلان برای مردها



از مردان خواهش می شود که درکوچه و بازار به خانم های خیلی زیبا، بخصوص آنهایی که لباسهای خیلی مقبول‌سکسی به تن‌دارند نگاه نکنید. زیرا «پروفیسور کارل کولویز» رئیس مرکز طبی سان فرانسیسکو گفته است: وقتی که بیک زن خیلی زیبا با علاقه فراوان نگاه می کنید، کره چشم شما تحت چنان فشار شدیدی‌قرار میگیرد که باعث کم شدن بینائی وحتی کوری (دراثر فشار) میگردد. باز هم اختیار به شما.

آیا میتوان پیرشدن‌را مهار کرد

در شهر کلن المان در جستجوی بیست تن مردان پنجاه وپنج تا هفتاد وپنج ساله هستند، که خودشانرا برای یک سلسله آزمایشها در اختیار انستیتوی تحقیقات گردش خون و طب ورزشی قرار دهند. محققان میخواهند طی این آزمایش ها، ابتدا فعالیت های هریک از سلول ها را بسنجند سپس با این پرسش پاسخ‌دهند که، آیا میتوان به وسیله تمرین های مداوم صحیح توانائی بدنی انسانها را نو سازی کرد؟

هم اکنون در المان هشت ملیون نفر در سنین بالاتر از ٦٥ سالگی زندگی می کنند. مطالعات کلن‌تنها به حال این عده سودمند نخواهد بود بلکه عملا به حال همه مفید خواهد بود.

چندرباعی از شاعر قرن ششم وطن سیدحسن غزنوی

از خاک درت ساخته ام مغفر خویش
بر خیره بباد داده عمر خویش
بنمای بمن تو آن رخ مهوش خویش
هان تا نبرم آب تو از [illegible] خویش

• • •

آن سبزه که از گلت برون می‌آید
مشکیست که نفس بسید خون می‌آید
گفتم که نقینه مگر مصر گذشت
خود موکب بغداد کنون می‌آید

• • •

نی یاد کند یار ز دلخسته سفرم
نی نامه نویسد و نه پرسد خبرم
گر دارد ازین هزار باره بترم
هرگز گله دوست بدشمن نبرم

• • •

آن رفت که عشوه میخریدم ز تو من
پیراهن صبر میدریدم ز تو من
من با تو چنان بدم که ناخن باگوشت
لیکن چو دراز شد بریدم ز تو من

مرحوم استاد عبدالحق بیتاب

دل

گزیده گر چه کنج انزوا دل — نگردید از کشاکش ها رها دل
بصد دشت و درم آواره دارد — نبودی کاشکی در بر مرا دل
[illegible] — که پهلویم بود درد آشنا دل
بچشم کم مبینیدش عزیزان — که باشد گنج اسرار خدا دل
بعین آنکه نامش قلب ماندند — بود همچون گهر موج صفا دل
بدو یار الهی بار یابد — اگر یاری کند ترک هوا دل
جهان را در گذر مانند آن گفت — تماشا کرد هرکه سینما دل
بدنبال بتان تا کی دویدن — پرستش کن خدای خود بیا دل
ز حکمش تاب سر پیچیدنم نیست — که‌باشد بر سرم فرمانروا دل
ببین همت که خون خویشتن را — کند بهر دگر اعضا غذا دل
برای گوهر مقصود دایم — به بحر جستجو دارد شنا دل
نفس درجستجو خون کردو کم یافت — رفیق صادق بی مدعا دل
زبس دیده زیان هرگز نگردد — تقلب پیشگان را آشنا دل
شود آیینه حسن حقیقت — اگر از زنگ می گیرد صفا دل
نباشد شایق قالین چو بیتاب — که تن داده بنقش بوریا دل

نازطبیبان

از جفای چرخ دودل نیست‌غم‌چندان‌مرا
باتحمل میشود هر مشکلی آسان مرا
یادگار عظمتم ای چرخ چون کاخ‌کهن
گریه تعمیرم‌نمی‌کوشی مکن‌ویران‌مرا
واگذارم تاکه بشگافم دل افلاک را
آهم و درسینه تاکی میکنی‌پنهان مرا
پارهٔ آهن چه دارد ارزشی دور ازکفت
تیغ عریانم بده گرد سرت جولان‌مرا
جان بتلخی دادن ازنازطبیبان‌خوشتراست
رحم کن ای مرگ فارغ ساز از درمان‌مرا
من همان نخل‌برومندم که‌درگلشن (نوید)
آبیاری کرده خضر از چشمه‌حیوان‌مرا

از استاد(نوید)



به‌عشوه‌گی یار

مهپاره و طنازی افسونگر و عیاری
شوخی و نظر بازی دلدار دل آزاری
هرچند که مغروری بی بندی‌وبی‌باری
در بند یکی بیری ! زندانی این باری .
دانی که بچشم من بااین تن‌چون‌مرمر
یخ بسته وبیروحی چون‌صورت‌دیواری
گلبانگ خروس آمد ، بگذشت‌شب‌ازنیمه
ماهم زده‌ایم اما من مست وتوهشیاری
خون دردل تو چو شیدای‌دخترهرجائی
باآنکه چو جام می لبخند بلب داری

(محمودفارانی)

متاع دل

عمر ها درطلب می، درمیخانه زدیم
حاصل هستی اند یشه به‌پیمانه زدیم
جانب عقل نرفتیم : که‌پروسواس‌است
راه دشوارگرفتیم وبه افسانه زدیم
به شناسیا ی خودره نکشودیم گهی
همه جا سرزده رفتیم وبه بیگانه‌زدیم
غافل «ازدانش‌وفرهنگ» هوس‌پیمودیم
پای درحلقه‌ی «صددام» پی دانه‌زدیم
دل زبازیچه نکندیم به پیرانه سری
منزل کودکی خویش چه پیرانه زدیم
خودفریبی است متاعی که خریدیم‌مدام
وندرین دادوستد ها چقدر چانه زدیم

عمرافسردودل‌آزرده دگرگونوبت توست
ای جگر ما همه رفتیم وبویرانه زدیم
رهزنی شد همه این ره سپری‌درطلبش
لاف بود اینکه جهان دره جانانه‌زدیم
بجزاز درهم ودینار نبود آنهمه نام
که براه طلبش کعبه و بتخانه زدیم
تن نیاسودوروان نیزشد ازدست‌فسوس
برسر هیچ متاعی دل دیوانه زدیم
گرچه «سرشار» جنونیم زبیراهه‌روی
نه نشستیم زپا باده مستانه زدیم

سر شار (روشنی)

بزم‌شاعر

شیرین بود وطن
فرهاد او ست جمله جوانان پاکدل
ای شاعران بزم نوین جهان ما
دیگر بیاد چشم سیاه پریر خان
دیگر بیاد زلف کمند وقد نگار
دیگر بیاد ساقی و میخانه و شراب
شعر دگر مگو و شب‌خود سحر مکن

• • •

ای شاعران خوب
ای پاکزادگان

نعره مستانه

جوش دو جهان ز جوش میخانه‌ی ما
بد مستی نه فلك از پیمانه‌ی ما
بنیاد فساد و ظلم را بر هم زد
طو فانگری نعره‌ی مستانه‌ی ما

(غلام فاروق فلاح)

امروز شعر، رهبر اندیشه هابود
« در بزم باشکوه دلیران روز گار »
« باهم یکی شوید »
«باهم یکی شوید »

دسته‌های گل سوزان

اثر : گلین‌کنری

ترجمه :س. باریك



...یبا همه‌سعی نمودند نگاه خودرا ازجسد
... جسد مقتول در اتاق (سالون)نزدیك
...ررو افتاده‌بود .
...ور کشف جرایم محل قتل را باتباشیر
... ساخته ، ازجابرخاست وبدونفر ا ز
...که بر انکار با خود آورده بودند،
... کردتا جسد رانقل‌دهند.
... سرمامور پو لیس را مخاطب ساخته،
...ود :

...ر بعقب‌سر صورت‌گرفته...
...مامور پولس هم‌نتوانست جسد و ا
... دست زدن به‌جسد وظیفه او نبو د
... بسوی میز تحریر که بیك‌گوشه‌سالون
...ه بود، رفت ویکدسته پاکت، محتوی
...ای خصو صی رابر داشت ودرضمن از
... کشف پرسید :

...یزتازه ای کشف نکردید ؟
...ور چند قدم بسوی نزدیك شد، جوا ب

...ه ... هنوز نه .

...رمی ازهمان یك تفنگچه فیرشده ؟
...رینمورد هنوز نمیتوان بصر احـــت
... گفت، ولی زخمیکه درعقب سر مقتول
...شده ، یقینا کار مرمیهای کا لیبـــر
...و است. اگر این نظر صحیح باشد،
...ورت عین همـــان تفنگچه بـــو د .

... ماموریولیس‌نامه ها راگشود وبما مود
... گفت:
...یس ، این چهارمین قتـــل بحساب

...ر ما مور پولیس نامه‌ها راگشود ومامور
...بود،گفت:
...من خود میتوانم تاچهاربشمرم.
...ی‌بدون اینکه بقیافه مامور کشف نظر
... فهمید که مامور کشف جرایم چهر ة
... شده ای بخودگرفته‌است.
...ونفر یکه بالباس سپید برای انتقال‌جسد
... شده بودند، جسد خونین مقتـــو ل
...ی برانکار گذاشتند و در لحظه ا یکه
...ابر سر مامور پولیس میگذ شتند،آنکه
... های عقبی برانکار رابدست گر فته‌بود،
...ه گفت:
...قاتل باید خیلی شقی و نابکار بو ده
...
...سرمامور پولیس جملهٔ او را نشنیـــد .

...دهنت راببند . اگر احتیاط نکنی،شاید
...ین مقتول کوباشی !
...سرمامور پولیس از همان تیپ مردان‌چاق
... ای بود که باانداك حرارت، عـــر ق

میریخت . آشکار ا ظواهر خشونت با ر ی داشت. بازوانش قوی وشانه هایش پهن‌بود. چهل وسه سال داشت، امادران روز هـــای گرم تابستان، گاهی پیرتر بنظر میـــرسید، خیلی پیر . درحالیکه عرقهای روی خودرابا دستمال پاك میکرد، پرسید.

ـزنش کجاست ؟

ـدراتاق خواب. داکتر برایش دو ا ی مسکن داده است. سرمامور پو لیس‌درحالیکه نامه هارا مرور میکرد، پرسید :

ـدرین نامه هامیتوان چیز مو رد تو جهی یافت ؟

ـمن از کجا باید بفهمم ؟ نامه هابدست شماست .

سرمامور پولیس نامه هارا بدست‌ما مور کشف داده ، پر سید :

ـببینید ، نامه از طر ف کیست ؟

ـاز طرف رفقا وخو یشاوندان .. ویکی هم ازیك زن بنام سوزی .

ـچه‌نوشته است ؟

ـ نوشته است ، انتظار ندارد دو باره‌نزد اوبرگردد.

ـاسم مکمل سوزی چیست ؟

ـاسم مکملش ذکرنشده .

ـنامه هارا باخود بردارید و اتاق‌رابه‌اختیار لابرانتها بگذارید.

ـ لابرانتها هم چیزی کشف نخوا هنـد کـرد .

سرمامور پولیس در حین رفتار،ایستاد و بالحن تقریبا غیظ آلودگفت:

ـمن هم میدانم که‌چیزی کشف نخوا هد شد، ولی اگر شما مانعی درین کارنمی بینید، بگذار یدلااقل یکبار امتحان‌کنند !

وی بیش از پیش میدانست که روزنامه های فردا درین باره چه خواهند نوشت: بازهم یك قتل فجیع ! چهارمین قتل در ظـــر ف کمتر ازدو هفته . این قتلها بحدی بهـــم شبیه استند که‌یك کور مادر زادهم میتوانـد شباهت وارتباطهای این قتلها را بهـــم‌درك نماید.

برای سرمامور پولیس نیز مسلم شده‌بود که‌این قتلهای همرنگ بیکدیگر ار تـبا ط دارند .

همهٔ این قتلها بوسیلهٔ یك عدد تفنگچـــه بامرمیهای کالیبرسی ودو صورت گرفتـــه و مرمیها بعقب سر قربا نیها شلیـــك شد ه است. نتایج بررسی های لا براتواری نشان داد که‌قتل چهار مین نیز حاصل آتش الگنی کالیبر ۳۲ میباشد. مقتو لین بیشتر از چهل سال نداشتند . همه ازدواج کرده ،هرچهارتن دارای موقف اجتماعی خوبی بودند. ازآنگونه تیپهایی بودند که بیشتر مورد تو جه‌جنســی ضعیف قرار میگیرند و هر چهار مقتـــو ل شخصا قاتلین شانرا بمنزل شان د عـوت کرده بودند .

وقتی ماموران امنیت بدفتر کار خود رسیدند ، سرمامور همه رابشمول ما مـور کشف جرایم مر خص کرد، زیرا وی با همه خشونتی که داشت میدانست که آنان بیشتر ازپنج ساعت اضافه کاری کرده اند و همـه خسته وناتوان شده اند.. و لی خودبمنز ل نرفت . جسم ثقیل وپف کردهٔ خودرا بـــه سنگینی میان کو چ فنری انداخت بطر یکه نافذکوچ بلند شد. بعدبسته نامه‌هارا برداشتهو هر نامه رابدقت مورد مطالعه قرارداد.

باستناد نامه ها نمیشد اقدامی کرد. همهٔ آن محتوی آه ونالهٔ عاشقانه سوزان بود، باچند جمله عاشقانه هر گز نمیتوان بما هیت چند قتل فجیع شبیه بهم پی‌برد، و لی فقـــط یکچیز رابرای پولیس مسلم میساخت کـــه منشاء قتلها باید برشتهٔ عشق پیو نـــد داشته باشد. خاصتا وقتی سرمامور بیـــك نامهٔ عاشقانه سوزی برخورد جر قهٔ ضعیفی از حقایق درشیار های مغز ش دوید.

این‌نامه بمردی نوشته شده بود که زنش (آلیك)نام داشت .

سرمامور کلاه رابسر نهاد ودرحالیکه‌نامهٔ مشکوك رابجیب یونیفورم میکرد،دفتر رسمی راترك گفت.

نخستین دری راکه زنگ زد، زنی بالباس خواب گشود. برجستگی های بدنش بشکـل زنده ای بچشم میخورد . حلقه های موهایش درلای بیگو دیهای پلاستیکی خوابیده بو دند وآرایش‌رنگ رفته شب قبل‌هنوز درچهره‌اش نمایش داشت وگیلاس پر از مایع خو نیـن رنگ ویسکی در لای انگشتان زن خودنمایی میکرد.

ـاسم من (پارکنز) سر مامورپولیس..

زن بالحن نیمه مست‌گفت :

ـآه، بلی تقریبا منتظر شمابودم ...البته میدانید که از قتل شوهرم مدت‌کو تا هــی میگذرد و . . .

ـاجازه میدهید، داخل‌شوم ؟

ـاوه ، خواهش میکنم بفرمایید...

زن بیوه در را بیشتر گشودو در حالیکه راه رابرای سرمامور باز میکرد، پرسید:

ـاینبار روی چه موضوع صحبت‌خواهیم کرد ؟ .. درباره قاتل شو هر م .شما یـد تا هنوز اد عا نکنید که‌قاتل‌رابه چنگ‌آورده‌اید؟

وقتی سرمامور پولیس روی چو کـــی بازو داری می نشست ، دید که بیوه جوان باردیگر گیلاس خودرا پر از ویسکی ساخت ودر لحظهٔ بعد گیلاسی را هم به‌وی تعارف کرد، ولی سرمامور چاق وچله سر را بعلامت نفی حرکت داده تنه سنگین خودرا بیشتـر میان بازوان چو کی‌فرو برد.

زن مقابلش روی کو چ نشست و اظهـار کرد :

ـخوب ، بفرمایید صحبت کنید.از من‌چه میخواهید ؟

آهنگ کـلام زن غم انگیز بود وباوصف مستی نمیتوانست اندوه بی‌پایان خـو د را مکتوم دارد.

پولیس که عادتا خشونت آشکار را درکلام خود داشت ، پرسید :

ـشوهر شما رفیقه‌ای‌داشت ؟

ـنه هرگز ـ نه !

سرمامور لحظه ای مکث کـــرد تا و ی گیلاس خودرا تاقطرهٔ اخیر سرکشد .سپس بمشکل توانست ملایمت نسبی در کلام خود ایجاد کند وگفت :

ـخانم زیمپسن، اگر اندك سوء ظن خود را درباره ارتباط شو هرتان باکدام ز ن‌دیگر بامادر میان گذارید، یقینا درسلسله تحقیقات وبررسیهای ما کمك شایانی میکنید.

چشمان زن پراز اشك شد وباقیافهٔ مکدر گفت:

ـاو شو هر خوبی بود . هر گز نسبت به‌وی کدور تی در من ایجادنشد ... شا ید بازنی ارتباط داشته است ، و لی بازهم مرد خوب ودلخواه من بود. درحقیقت او تنها مرا دوست میداشت . خودش اینرامیگفت.

ـزنی که باوی ارتباط داشت ، کـــه بود ؟

ـنه ... نه آقای پولیس ،شما نبا یـد مظنون بشوید . قتل شو هرم ازدست‌آن دختر ساخته نبود .

ـازچه میدانید ؟

ـبرای اینکه اومرده است. سه هفته‌قبل ازقتل شوهرم مرده است.

روزنامه ها خبر انتحار اورا در همـان روز منتشر ساختند.

ـاسم دختر چه‌بود ؟

ـسوزی .سوزی مارتینسن.

ـنامش را ازچه میدانید.

ـشو هرم اسم اورابمن گفت . همه‌چیز را بمن قصه کرد. حتی بمن گفت که‌سو زی میخواسته است شوهرم مرا تر ك گو ید و باوی ازدواج کند، اماشوهرم بیشتر از آ ن دوستم میداشت که‌بخاطر یك دختر بی‌سروپا ترکم کند.

بیوه جوان بعداز آنکه گیلاس خـــودرا بارسوم پرمیکرد ،افزود :

ـ ...ومن هم شوهرم رانکشته‌ام.

سرمامور ازجایش برخاست وگفت:

ـاین را میدانم .

***

دومین زن بیوه، از آغاز صحبت ارتبـاط شوهر خودرا بادختری بنام (سوزی) کتما ن نکرد ، ولی سر مامور پولیس در جر یـان صحبت متوجه درو غهای متـواتر وی شد و بنابران ادامه صحبت راجایز ندانست . ا ز زن تشکر کرد وبه‌وی اطمینان داد که دنبال قاتل را رها نخواهدکرد.

وقتی ازعمارت دور میشد، نگا هی بعقب افگند. دیدکه این بیوه خوش سیما بالبا س نازك سپید ، بدون یك قطره اشك،باطنازی خاصی در آستانهٔ در ایستاده است.سرمامور باخود اندیشید که اگر شو هر وی بـد ست دیگری بقتل نمیرسید ، روزگاری بدست زنش کشته میشد !

سومین زن‌بیوه ، و قتی مورد پر سش قرار گرفت که آیاشوهرش بادختری بنـــام سوزی ارتباط عاشقانه ای داشته است ؟ از ته دل خندید. وی باحفظ همان قیافه خندان گفت:

ـ حیف که‌شوهرم مرد. اگرزنده بسود، بااین سوزی نابکار ومو زی ماجراهای اسف انگیز تری ایجاد میکرد.

وی بیشتر از دو بیوه دیـگر، درباره سوزی معلومات داشت . در حقیقت سوزی قبل از آنکه معشو قه شو هرش شود ،رفیقهٔ اوبود واین زن بیوه بدون آنکه بداند، خود زمینهٔ روابط سوزی وشو هرش را فرا هـم کرده بود.

ـ... و قتی شو هرم دو باره بمـــن برگشت ، سوزی قیافهٔ وحشتناکی ا ختیا ر کرده بود، ولی من از آن زنانی نبـو دم‌که برگشت خجلت زده شو هر راپذیرم . نزدمن عشق مانند جام نازکی است که اگر ش... کیف وآهنگ قبلی خودرا بکلی ازدست... وپیوند مجدد نمیتواندارزش نخستین‌را... باز گرداند.. آری شوهر م را بشدت ... پراندم ، در حا لیکه از مظفریت خودد... عشق‌شاد بود. میخواستم آخر ین (... خودرا ازشوهر بی وفاباز‌ستانم ، ولی... بقتل رسید.

زن بیوه اندکی سکوت کرد و بعد با... نفرت آلودی گفت :

ـ میدانید :درحقیقت من از مرگ ... وی متاسفم ،زیرا برای من‌خیلی لذت بخ... که‌اورا بمنظور جدایی وطلاق بمحکمه ... وخیانتش رابرخش آورم ،ولی بعداز ... دیگر چه‌فایده ...

سرمامور درحالیکه سررا بعلامـــت ... حرکت داد ،تائید کرد :

ـ آری ،مرگ همه چیزرا باخود می...

• • •

سوزی مارتینسن دریك آپارتمان م... به‌تنهائی زندگی میکرد .

حتی سه هفته بعداز مرگ وی‌نیز کسی ... نمیشد آپارتمان اورا بکرایه بگیرد . زن‌مسنی که‌آپارتمان را بکرایه میداد ،در... پولیس اندکی دستپاچه شده ولی لحظه‌ای... برخود مسلط گردید .سرمامور پولیس ... بگوشه های اتاق کنجکاوانه نظر می ان... پرسید :

ـ سوزی همیشه مردان رامیپذیر...

ـ ازکجا باید انیرا بدانم ؟من هرگز... خودرا درمسایل‌خصوصی‌دیگران‌دارد نمی...

سرمامور پولیس چهـار قطعـه ... مقتولین رابه وی نشان داده گفت :

ـ فکر میکردم شما گاهی تصادفاً ... ازین مردان راباوی دیده اید .

ـ من‌هرگز جاسوسی نکرده‌ام .

همینکه سرمامور میخواست خارج ... زن‌مسن دفعتاً اظهار کرد :

ـ شماچرا از شوهر جدا شـــدهٔ ... نمیپرسید ؟یقین دارم مطالب فراوانی ... خواهید شنید .

سرمامور حیرت زده پرسید :

ـ سوزی ازدواج کرده بود

ـ بلی ،اما ازهم جداشده بودند ... باادب وبا تهذیبی است ،ولی سوزی ... روی بینی اش میرقصید وغالباً اورا ...

بقیه درصفحه ۵۷



او سنی ادب :

احتیاج

داحتیا ج دوی ،پر چا پیښی مه شه — رگونه دوی ، درونی سکو ندی
وینی سهری که ، ملاوی کږی کــه — زړونه نری که ، طبعی که پنــد ی
د احتیاج دوی ، له رستما نــو — جوړی که کونډی ،روغی کمرنـډی
ستر گی کاته که ، د پښو مخو ته — گو تی را کاږی ، دغو ږو خند ی
تربنی سپک که ، ددر نو قــــد ر — دبل در گاه ته په احتیاج منــد ی

خدایه ستا ته مو ،ته له احتیا جــه
عزت موژ غووه لهدی تاراجه

پو هنوال عبدا لشکور (رشاد)

د یو پښتو نستانی فر یاد :

خوږی شپیلی

ای شــپیلی خوږی شپیلی — زما دزړه آواز یــی تــــه
وا خله نن خبره خبر ز ما — چیری به پرواز یی تــه
خو ښ زړهمی گوگل کیگړ ه — شرنگک کی سوز او سازیی ته
غم میپه گوگل کی د ی — پوه می په دیرا ز یی ته
بوك وهـه داستـان زمـــا — زړه کی دی ار مان ز مــا
شپه په هری رود و کــړ ه — شه په پسښتنو سبـــــا
هلتهپه ا مــو با نــد ی — ووا یـــه سلا م زمـــا
غږ په ابا سیند و کـــړ ه — ور شه دا تهــك په خــوا
خو کود شمشاد با نـــد ی — جوړه غلبله غــو غـــا
بیا بــه پشتون همـــت — لوړ به وی همیش او چــت
هغه دا حمد پـــر غـــل — هغه دا مـــا ن قــــو ت
هغه دگور گین ما تــــه — هغه د میرو یس همــــت
هغه دد ښـــمن تیښتـــه — هغــه د خــوشحال غیــرت
هغه د سیــدا ل تــو ره — هغه د پښتو ن و حــد ت
زد یی ور پهیاد کـــړه نـــن — دا رنگه فر یاد کـړ ه نــن
ای شپیــلی طو فان شپیلــی — درو مه د پښتو ن په لو ر

گړه ز لزله کــــړ ه بیـــا — هلته د غلیـــم په کـو ر
خپلو جیـل خانو تــــه ډوی — بیایی مظلو مان پـــه زور
نشته عــدالت انصا ف — جوړ کړه یو محشر او شور
ور لا کړه دښمنان تر ینـه — جو ړ کړه گلستا ن تر ینــه
دادی د ز مــرو و طــن — لر او بر ښکلو یا ن او سی
داده دشیر شاه چر گـــی — مست پکښی خوانا ناوسی
ټول جهان حیرا ن ور تــه — دلته افغانـــــان او سی
ښه ور ته معلو م دی دا — ټو ل پهلوا نـــا ن ا و سی
در ج په تار یخو کی د ی — وړاندی نهضتو کی د ی
نور می نو طـا قت قـو ت — کار کوی او لار بـا ســـی
ترو دخیبر نـــه نـــــن — شا ړو ته ایشا ر بـاســـی
خپل دژوند سا مان ته نــور — پو خ یو ابتکــــار با سی
گر مه جـــذ به لـــر ی — شپه کـــی دی سهار باسی

قام ته تـــرا نه به شـــی
نوی هنگـــا مه به شی

شاه علم څپاند

لرغونی ادب :

ضمیرهسې

بند په چاه دزنخدا ن کی، چی خوكپریووت اسیر هسی
نهمدن له چانهغواړی ،نه (یی) خوښیوینصیر هسی
دفراق له درده یاره ،که عاشق وکهکوکاره
عر شبهسرهلنبه که پوهشه ،نمرخوښهٔ د یفقیرهسی
باران څه چی در یابونه ،چی همیشوهی موجو نه
تهیی اورهآوازونه ، د عاشلو که و یر هســی
افلا طون - ارستو ان څه دی،سالکان پهعشق کی گوره
همداوایی‌چی‌عاجز یو، مدا م کاند ی تقریر هسی
وینی څه دی د چشما نو ، را و زهابروانو
نمر سپوږمیتوریوریوری ، هیڅ دی مخ د یار میر هسی
پسی شا خبری څه کړی ، روبروکهفهم وکړی
ناگهانعاشقانولی ، دښو له دی تیر هســــی
کا غذ څه دی ، چی نسبت یی ،خوكدیار له مخه کاندی
... لههوښیاریی په کلو نه دی تحر یر هســی
څه یی ته ستا قلم څه دی، دافــلاك‌کج‌وکم څه دی
لااهی‌وته‌نظرکړه ، د ی صفــت کثیر هســی
دا تو تیا دلطف بی (لــه) لطفــههرخوك مو می
گنه هر (یــو)نابینا په د جها و ن و بصیر هســی
سپی ر قیبد ی خدای په گور که،هغه گور مل په ده اور که
څهښه‌کارنه‌کاندی هیڅیری تل په بدو دیخیر هسی
که خبر راشی دوصل ، خدای رقیب‌کړه له یاره فصل
سرو مال‌به‌زیری‌ورکړم چه می وینم بشیر هســی
خوك په خا ور و کی خملی ، خوكپه‌تخت باندی مکیز که
خوك یی‌څه‌کړه‌خوك یی څه کړه فقیر هسی امیرهسی
ستا په تورو زلفو بند دی، چی پــهغاړه یی کمند دی
خلاصی نهغواړم‌له خدا یه، خوښ یم بندپه زنځیرهسی
بی دیار لهفکره گوره،فکره ، کړه ای سعیــد ه
چی پری‌نور فکرونه‌کیږی ، په کارله دی ضمیر هسی

(سعید خلیل ، ددو لسی پیړی شاعر) (دملا ښا یسته خان له قلمی نسخی‌نه)

شین خالی په کاکریوکی

شین خالی نجونی لاښی دی — پر لار ځی لــه خندا شنی دی
شین خالی نجو نی پر بر کی — مـا ایکـړ پـر بسرا بــر کی
تــوره شپه ده تو ره خــو نه — شین خــا لی نــه ده معلومه
شین خــا لی قدم په ورو که — پیکــی پــور تــــه دخالو که
ستا خــا لونه کــوړی وړی — ار مان ستا لــرو کــا کـــړی
زه میــن یــم پــر خــا لــو — خــا لو نه ډیر کښمیږ ده زړو
شین خالی نجو نی په غره کی — ځوا نــان ځی سیل بی وکـــی
توره شپه به خدای زښـــا کی — شین خا لی به خدای پیدا کی
تــر لاسس نــه تــړو گـــړی — موږ ملنگیـــان یو شین خالی
چه زړه سوه شین خـا لـــی — اوس یی هلکوان بولی تروړی

ستــا خـا لــو نــه حسا بــم
پــر لاری سات پــر تیــر وم

کوتاه، دلچسب، خواندنی

جان کوك روفت کیست ؟

درباره اتم و نخستین کسی که آنرا شکافته است، بسیار گفته اند و نوشته اند، ولی باید دانست که اولین دانشمندی که اتم را شکافته است یك انگلیسی بنام «جان کوك روفت» (۱۹۶۷-۱۸۹۷) بود که با کمك «ارنست والتون» همکار خود درسال ۱۹۳۲ موفق شد اتم را بشکند وذرات آنرا از هم مجزا کند واین خود آغاز فصل جدیدی در تاریخ دانش بشری است که بنام عصر اتم مشهور شده است.

فارغ التحصیل های علوم در جهان



طبق آخرین آماری که بدست آمده، تعداد فارغ التحصیل های برهنتون ها و مؤسسات علمی در جهان در مقابل هر هزار نفر جمعیت به قرار ذیل بوده است.

امریکای شمالی ۳۷ نفر، اروپا سیزده نفر، کشور های عربی سه نفر، آسیا دو نفر، امریکای لاتین ۱٫٤ نفر، افریقا دوازده نفر.

رصدخانه مونت پالومار

رصد خانه مونت پالو مار زمانی یکی از بزرگترین رصدخانه های جهان بود، دور بین آن قطری معادل ۵۰۰ سانتی متر داشت و یکی از بزرگترین عدسیه های آن زمان شناخته شده بود.

این رصد خانه با کمك نقده ی بنیاد را کفلر در ۱۹۴۸ ساخته شده تلسکوب این رصد خانه، ستارگانی را با فاصله دو بلیون سال از زمین مشاهده میکرد ولی محوطه‌ای که از خط دیدآن قرار داشت کوچك ومحدود بود.

انجمن حفظ طبیعت



انجمن حفظ طبیعت در اتحاد جماهیر شوروی بیش از ۲۲ ملیون عضو دارد که یك ششم اهالی جمهوری شوروی را تشکیل میدهد ناگفته نباید گذاشت که، بیش از نصف آنها را جوانان تشکیل میدهند. این دسته در پنج سال اخیر در حدود دو ملیون و سیصد هزار هکتار جنگل کاری کرده و در مساحتی معادل ۵۲۷ هزار هکتار جنگل های استحفاظی ایجاد نموده اند.

یك اختراع جدید در علم طب



دانشمندان علم طب اظهار نظر کرده‌اند که مشکلترین نوع جراحی جراحی کردن مری یك نوزاد است زیرا مشکل کوك زدن و رسا ندن برشها باهم این عمل را دشوار ساخته است. اما درین اواخر دستگاه بخیه زنی «پ-س-۷» در اتحاد شوروی ساخته شده که مشکل جرحان را در عمل جراحی کودکان آسان ساخته و این دستگاه توانسته، جان بسیاری از کودکان را از مرگ نجات بدهد.

عکس جالب



عقیده به فال

اتریشی ها مثل سایر مردم اروپا به فال عقیده زیادی دارند و در بسا موارد به فالگیر ها مراجعه می کنند. چندی پیش صدر اعظم اتریش خطاب به وزراء گفت: بعدازین هیچکس حق ندارد در کار های اداری مربوط به وزارتخانه خود به فالگیر ها مراجعه کنند.



پتو مکو فسکی — مترجم ژرف بین

درچهار راهی

آقا پاته شو نسکی در چهارراهی ژوراف به طرف راست دو ری زد وبسرعت میخواست رد شود و نزدیك بود با خانمی که از طرف مقابل در حالیکه با مرد مسنی همراه بود گویا هوا خوری میکند میامد تکر کند.

پاته شو نسکی دفعتاً توقف کرده روبه خانم فریاد بر آورد:

– لا حول والله . . . کجا میخواهی خود ده نیله کنی شاد ی بیر؟

خانم جوان نیز توقف نمود:

–چی؟ چی گفتی؟ پیر مردی که با او یکجا بود ندا نست که چه حادثه ای اتفاق افتاده است.

– قاز کور، نمی بینی که من می‌آیم ،نه،نه می بینی ولی قصداً برمن حمله ور میشوی! کلچر تان این را تقاضا میکند! مر غابی بی‌بهره از سواد ، مرد پیر منز جر می شود:

– این چه آدابی است، شما چگونه بایك خانم صحبت می کنید؟ مثل اینکه مست هستید؟

– خودت مست هستی! کله ات مثل کله قیچ است ودر حالیکه فریاد پاته شو نسکی بلندترمیشود میگوید- مست لایعقل بی شعور...

درین سن و سال شرم است بادختران جوان به تفریح و خوش گذرانی پر داخت.

چند نفر رهگذر نیز دور آنها جمع شدند .

مرد مسن رو به رهگذران:

– این مرد مست، خانمی را توهین می کند.

پاشو نسکی در حالیکه دستش‌را بسوی پیر مرد تکان مید هد می گوید:

– برو گمشو کفتار پیر! دلقك بی دندان!

رهگذران برای اینکه دست این مرد بی آبرو به گریبان آنها نیفتد عقب نشینی اختیار کردند وراه خود پیش گر فتند. خانم جوان پیر مرد را عقب‌کشید و خود پیشروی وی ایستاد .

– بفر مائید چالان شوید و حرکت کنید، راه تان را پیش‌گیرید آقای پاته شو نسکی نعره زد فوراً به حرکت بیفتید والی از گوشتان می کشم بخدا قسم که همین آلان حمله ور میشوم و پرت و پوستت را می کشم.

پاته شو نسکی باز هم دستش‌را تکان داد، پیرمرد از عقب‌خانم‌که به مدافعه‌اش ایستاده بود پرسید:

– یعنی چرا باز هم حمله ور می شوی؟

پاته شو نسکی باز هم ادامه داد:

–بسیار ساده، اینطور حمله ور میشوم، و همینکه میخواست جستی بزند دفعتا متوقف شده‌خاموش ماند. زیرا او درین لحظه سخت احمق شده بود. پاته شو نسکی به عذر خواهی پر داخت.

– ببخشید! خواهش میکنم عفوم کنید. بخاطر خدا، بخاطر تمام مقدسات روی عالم مرا ببخشید .

پاته شونسکی در حالیکه‌کف‌دستش رابه پیشانی خویش می گذاشت وعرق آنرا پاك میکردگفت:

– خیلی ها مبا سفم که همچو اتفاقی افتاد. فکر میکردم، یعنی تصور می نمودم، منظورم اینست‌که کاملا متیقن بودم که عقب جلوموترم نشسته ام و را نند گی میکنم....

کمی فکرم دگر گون شد و بکلی فرا موش کر دم که پیاده روانم ... یکبار دیگر تقاضا می کنم که مرا عفو کنید...

خانم جوان از روی همدر دی‌روبه طرف پاته شو نسکی کرده گفت:

– من شما را درك میکنم، من خودم وقتی سر جلو موتر قرار میگیرم مطلقا وضع شما را بخود اختیار می کنم.

آنها یك به دیگر به نحو خیلی تشریفاتی تعظیم کردند و به استقامت های مختلف از هم جدا شدند.



مرد به‌گدا- زیاد ناله وزاری‌نکن، این گو شی تلفون را بگیر و با موسسات خیریه تماس بگیر تا من هم از شرت راحت شوم .

داستان اسکاتلندی

آقای مك تاویش دچار مختصــــــر ناراحتی روانی شده بود. به اصرار دوستان به روانکاری مرا جعه کرد و تحت درمان قرار گرفت و تقریبا دو سال طول کشید تا روانشناس موفق به معالجه او شد بالاخره یکـــروز روانشناس باو گفت :

– خوب آقای مك تاوش ،تبریك میگویم شما هیچ ناراحتی ندارید و میتوانید صورت حساب بپرداز یـد. مك تاویش صورت حساب را گرفت ونگاهی به آن انداخت وگفت :

–ولی شما هیچ تخفیفی منظو ونکرده اید .

–تخفیف برای چه ؟

– برای اینکه من یك بیمار برای شما آوردم .

– شما .ولی شما کی برای من یك بیمار آورده اید ؟ اختیار دارید .پس خود بنده کی بودم .

در کلیسا



کششی روبه خانمی که برای دعا به کلیسا آمده بود کرد وگفت :

خوب بگو ئید از مو قعی کـــه شوهر تان به کلیسا می آید چــه حالتی دروضع تان پیدا شد ؟

زن جواب داد:

–خیلی وضعش عوض شده .... آنوقت ها هر موقع که به گر د ش می رفت شیشه وسیکی را بد ست میگرفت ولی حالا زیـــر لباسش پنهان میکند !!

آدم درست

خانمی از خانم دیگری کـــــه از دوستا نش بود پرسید :

–خوب عزیزم ،از مستخد مــــه جدیدت راضی هستی ؟

– بلی مخصو صا ازرا ستی اش

– پس او آدم راستی است .

–آری ،یك نمونه برایت بگویـم: باوجود اینکه دو ماه میشود که در خانه ماست ولی تا حال یکدانه گرد وغبار از طاقچه ها کم نشده است.



مرد– عزیزم فکر میکنم که سگ را گر سنه نگهداشته یی

چاقی

خانم نسبتا چاقی به یك موسسه مخصو ص زیبایی اندام مراجعه کرده وبه متصدی ماساژ گفت :

–من شدیدا به کمك شما احتیاج دارم .هر قدرهم دستمزد شما باشد میپر دازم .فقط باید کار خودرا هر چه ممکن است سریع ترانجام بدهید حقیقتش اینست که شوهرم تحفه به من داده است که هر کاری میکنم نمی توانم داخل آن بشوم.

متصدی ماساژ باخونســـرد ی گفت :

– نگران نباشید خانم .قول میدهم که در عرض هشت روز میتوانید بدون ناراحتی لباس را که شوهر تان به شما هدیه داده است وبقول خـود تان نمیتوانید داخل آن بشو یـــد بپوشید .

– کی از لباس صحبت کرد . هدیه ی که شوهرم بمن داده یـك فو لکس واگن است .

عکس جالب



بقیه صفحه ۱۵

(مساوات، انکشاف، صلح) شعار سال

با توجهات بناغلی رئیس دو لت و صدر اعظم به منظور رشد بهتر طبقه نسوان بو جود آمد وزنان توانستند عملا در امور اجتماعی و فعالیت های حیاتی سهیم شوند .و لی در دهه گذشته متاسفانه فعالیت درشناسایی ارزش موقف زن ، بنابر عواملی به رکود محض مواجه شد .

در کشور ما زنان از سالیا ن متمادی در امور زندگی همدوش مردان فعالیت داشته اند به آنهم با وجود مشکلات سهم گیری زنان در چگونگی رشد اقتصادی و صنعتی آنها توجه جدی بعمل نیا مده است.

میرمن صالحه نظام مدیره لیسه ملالی درمورد اقدام موسسه ملل متحد در مورد تجلیل از مقام زنان و حقوق زن در جهان گفت :

اقدام موسسه ملل متحد ، یک اقدام بجا و معقول است و یا بهتر بگویم قدمیست در تحقق امیال و **توقعات زنان و تثبیت حقوق آنها در** جهان امروز زیرا در این عصر **که پهنه دانش و علم در جوامع** انسانی مراحل تکامل عروج خودرا **طی میکند هنوز زن مقام و حیثیت شایسته ولازمه خود را احراز نکرده است . و این اقدام اعاده و تامین همین چیز را برای طبقه اناث دارد .**

تا مین حقوق زن باساس ، حقوق و قوانین مدنی یك امر حتمی است، بخاطر اینکه زن موجود یست لیطف متفکر ، بانرژی و قدرت فکری و دماغی بیشتر .

اما اگرتاریخ صفحاتی که واقعات جهان را بشکل اصلی آن حفظ نموده و ارمغان نسل های بعدی میکند ، مرور شود ، روشن میشود که زن در جهان بصورت عموم حایز حقوق که شایسته مقام او می باشد ،نبوده است .

چنانچه زن در دوره جاهلیت عرب یعنی پیش از اسلام ،بنابرعدم ارزش که به مقام زن قبول میشدند زنده بگور میشد. مگر آیا میکه حضرت پیامبر اسلام(ص) به رسالت مامورشدنداین مساله راازبین برداشتند و باری **گفتند که جنت زیرپای مادران است** وبنا زن واجد حقوق گردید و **وحیثیت شان منحیث موجود شریف و زحمتکش و قافله سالار نسل بشر تامین گردید .**

میرمن عزیزه آمره اداره جوایز مطبوعاتی در مورد سهم گیری موسسات مختلف و تجلیل از روز زنان **چنین گفت :**

سهم گیری موسسات مختلف در تجلیل از موقف زن نه تنها امروز آغاز می یابد بلکه همانطوریکه در کشور نهضت نسوان مدبرانه بوجود آمد ،نه تنها در کشور ما، بلکه در جهان امریست متداوم و سعی عملی همه جانبه را میخواهد، اقدام وزارت وکلتور در این مورد وتعین کمیته های مختلف در مورد ارزیابی وتهیه پرو گرام برای تجلیل سال بین المللی زنان در خور ستایش و تقدیر است .

موسسات رسمی و غیر رسمی ، فابریکات ، خیاط خانه ها و همه موسسات انفرادی به خصوص وزارت پلان در مورد احصائیه گیری تعداد زن های تعلیم یافته در موسسات کشور و تشبث انکشاف دهات در مورد تنویر اذ هان زنان قرا و دهات امریست لازمی و دایمی .

موصوف اضافه کرد :

فرستادن هیئت های سیار از موسسات مختلف خصو صا موسسه نسوان و به نمایش گذاشتن پارچه های تمثیلی وبصری، تهیه وتدویر کنفرانس وخطابه ها، تهیه وپخش پروگرامهای تربیوی وعلمی در شناسایی موقف حیاتی زن دررادیو ونشرو اشاعه وتوزیع نشر یه ها، در شهر ود ها ت ر کن اصلی بحساب می آید و این تبلیغات واقدامات گذشته از تجلیل از این سال ، سعی متداوم و عمل پی گیر وهمه جانبه بکار دارد .

وضع زندگی زنان کشور، به خصوص آن ز نانیکه با دست داشتن در صنعت و حرفه های مخصوص که رکن اساسی اقتصاد کشورمابحساب میایند ، در خور توجه و دقت تما م است .

میرمن حمیرا حمیدی مدیره لیسه ملالی در مورد آ مادگی و زارت اطلاعات و کلتور و تجلیل از موقف زن چنین گفت :

از نگاه من آ مادگی و زارت اطلاعات و کلتور در تجلیل از این سال در خور تقدیر است وظیفه همه موسسات رسمی و غیر رسمی، بطور عمو م وظیفه تما م مردم است ، تا درراه شنا سایی زن و موقف آ ن سعی نمایند ، البته اینکار، سعی متداو م و تدریجی بکار دارد .

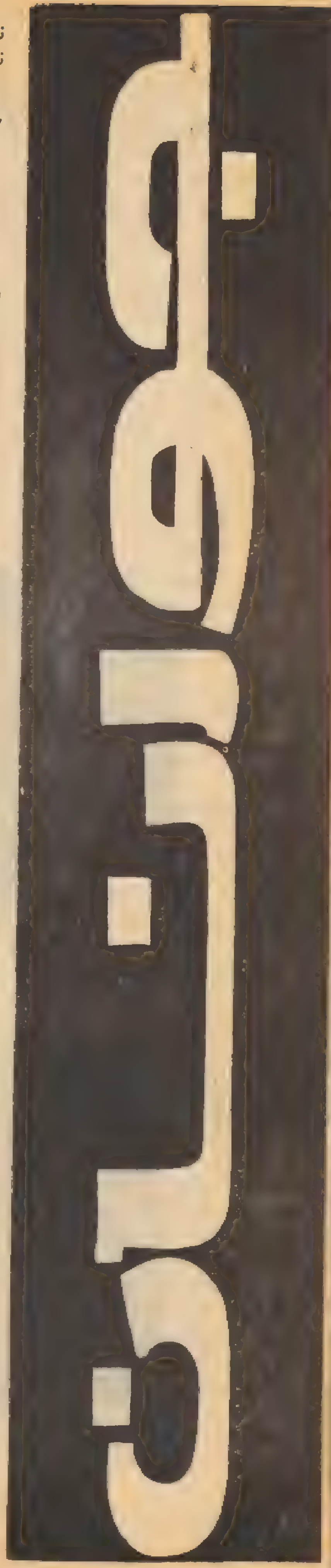
در تا مین این و جیبه سعی متداوم برای مراجعی مانند انکشاف دها ت وزارت معار ف و دیگر موسسات مربوط ، امر حتمی و ضروری است. تاستیس مو سسات مختلف برای ثبت و ضبط فعالیت های زنان و بر رسی در مورد شنا سایی زنان افغان بطور فعال و توسعه بخشیدن کو رس های تعلیمی و حر فوی علاوه از کورس های سواد آ مو ز ی در شهر ها و دهات برای زنا ن بی سواد وظیفه حتمی و ضرو ری است.

توسعه بخشیدن پرو گرام های رادیو و تد ویر کنفرانس ها دردهات وشهر هاو توزیع نشرات مطبو عه در اطراف برای بهتر آشنا ساختن زنها در موقف وحقوق آنها سعی **متداو م** و توجه مقا مات ذی صلاح **راضرور می نماید .**

(باقیدارد)



کمیته انسجام درحال صحبت



نادره خرم متعلمه صنف یازده لیسه نسوان کندز

جوان واقعی کیست ؟

جامعه ما به جوانان وطن پرست ورشید ضرو رت دارد و جوا نا ن ثروت عظیم ما دی و معنوی کشور اند، اگر جوانان باروحیه عا لـی عشق وطن دو ستی، فر هنگ ملی

سجایای اخلاقی شامل خد مات ملی گردند ثمره جوانی شانرا اجتما ع می بر دارد و لذتش را احساس میکند ما جوا نانی رادر جا معـه سراغ داریم که تا هنوز معنـی

واقعی جوان را درك نکرده‌انـد بعضی ها دارنده هیکل قوی واندام بلندی راجوان می گو یند وعده را عقیده بران است که جلو روان مو د و فیشن و تقلید کننده گا نیرا که

کور کورانه راه زندگی را در پیش گر فته‌اند جوان می خوا نند و لی متأسفانه که نشانهٔ جوانی ایـن چیز ها نیست جوان واقعـی

کسی است که‌دا رای همه صفا ت انسانی بوده و مسئو لیت های‌خودرا دربرابر اجتماع احساس نمو دم دارای اخلاق و ر فتار نیك و عالی بامحیط و اجتماع با شد جوان‌واقعی جوانی است که خو یش را با زیور علم ودانش آراسته نموده وبه فکر

سعادت ونیکبختی وطـن و مـر دم خود بوده وکلمه جوان را با معنی واقعی آن درك کرده‌منافع اجتماع‌را درنظر داشته باشند.

والبته همهٔ ما میدانیم که‌بابوجود آمدن نظام جمهوری که صفحـهٔ جدیدی در تاریخ کشور ماکشو د ه واین نظام مر دمی که علم بر دا ر منافع اکثریت طبقات مردم میبا شد در بیداری جوان و دا دن رو حیـه عالی ز مینه کار و فعا لیت را بـه روی جوا نان وطن باز نموده است پس به جوانان است که‌با نیرو ی وهمبستگی در راه ر سیدن‌به‌اهداف عالی مترقی کشور طوریکه ر هبـر بزرگ ملی ما آرزو دارند گا مها ی و سیعی بر دارند تا باشد کـه در زیر بیرق ظفر نمون جمهـو ر ی سعادت نصیب ما گر دد.

مصاحبه از احد «میرزاد»

هنرمندجوان که باتبا رزدادن استعدادهنری‌اش‌درهنر ر سامی آینده‌در خشانی درپیش دارد



نباغلی رسول زاده بابعضـی ازعکس های هنری اش

محمـد صبـور ر سـول زا ده متعلم صنف یازده هم لیسه انصاری هنر مند جوانیکه آثار ارزشتمند ی بوجود آورده است ضمن‌مصاحبه‌ای

در باره چگو نگی هنـر و سبـك کارش چنین میگو ید .

از طفو لیت به هنر مجسمـه سازی رسامی و نقاشی علاقه داشتم وچون پدرم یك هنر مند میباشد در گذشته هر زمانیکه مشغول تهیـه

اثری میشد بادقت و کنجکاوی‌تمام از طرز کاروی دیدن مینمودم و من هم به‌امید روزی بودم تا بتوا نـم

مانند پدرم یك هنر مند باشم‌تشویق پدر وعلاقه مفرط به هنر رسا مـی

و مجسمه سازی آهسته آهسته این

آرزویم را برآورده میساخت .

از شش سال به این طـرف در پهلوی دروس مکتب به ر سا مـی ومجسمه سازی علاقه خاصی گرفته

ودر دستگاه کو چکی که در منز ل داریم مشترکا کار مینمایم .

نباغلی رسول زاده‌گفت‌در آثا رم معمولا مناظر طبیعی کشوررابیشتر

انتخاب مینمایم وتاکنون در حدود بیست تابلو رسم نموده‌ام که‌بعضی از آنهـا طـرف دلچسپی خـاص تماشاچیان قرار گرفته است که از آن جمله پنجمین اثرم را که‌رسمی

از پور تریت رهبر ملی ما نباغلـی

رئیس دولت وصدرا عظم میبا شد میتوانم معرفی نما یم.

نباغلی رسول زاده انواع‌واقسام مختلف چراغ هامانند (چراغ کنج

سالون ـ چراغ سقفی ، چراغ‌خواب

چراغ روی میز ، براکت وغیره) با شیت های مقبول و جالب نیز تهیه

کرده که اکثرآن به فـروش‌میرسد. درباره قیمت فروش این چرا غ

هابه مشتریان‌ورقابت آن‌با چرا غ های سر میزی خارجی نبا غلـی

محمد صبور رسول زاده گفت :

اگر چراغ های سا خت ما بـا چراغ های خارجی رقابت نتواند از

آنها پائینتر نخواهد بود و تشویق

دوستان وراهنمایی بیشتر استادان هنر را آرزو دارم .

بقیه در صفحه ۵۸

تسهیلات مواصلات شهری دراروپای شرقی

تمر کز وکثرت نفوس درمراکز مهم صنعتي از خصو صيات عمو مي کشور های ارو پائي بشمار ر فته وشهر های عظيمی که جز و سايل انتقالي مستريح، مطمئن و سريع قطع فوا صل آن استوار بـه نظر ميخورد ايجاد گرديده است.

تزئيد صنعتي شدن شـهر ها و هجوم مر دمان به سوی شهر ها که از خصو صيات بارز کشـور ها ی روبه انکشاف نيز بوده ومواصلات شهری اهميت حيا تی را احـراز ميکند که ميـتوان بـا استفا ده از تجارب کشور های مقد مـتر، به ارتباط مسئله نکا تی آ مو خـت.

از جمله وسايل موا صلا تی هم‌يکی احداث راه های آهن ز ير ز مينـی (ميترو ها) بوده که از ترا کـم ترافيك در روی شهر جلو گيـری وهم آرامش شهر را، که در رو حيه عمومي مردم اثر ميگذارد بخوبی حفظ ميکند.

طور مثال ميتروی شهر پر ا ك که تاسال (۲۰۰۰) به‌پايه ا کما ل خواهد ر سيد جالب ترين ميترو ها در ارو پای شرقی محسو ب ميگردد که در چار بخش روی چنـدين خط احداث گرديده بخش اول خط سی که مرکز شهر را به موزيم مـر تـبط ميسازد دا رای ۷ر٦ کيلو متر طو ل ۹ ايستگاه مدت فاصله سی و پنج دقيقه با ترا موای و ۵ر۱۳ د قيقه با ميترو است.

سر وی عمومي ميترو ی‌موصوف تا سال (۲۰۰۰) قرار آتی خلا صه ميگردد :

طول ــ ۹۲ کيلو متر.

تعداد ايستگاه ها ۱۰٤ کيلومتر.

فا صله ايستگاه ها ٦۷۰ متر در مراکز شهری.

فاصله ايستگاه ها ۹۰۰ متر در خارج از شهر.

تعداد اطاق ها ۳ــ۵ .

ظرفيت ٤۲ نفر نشسته ۲۲۰نفر ايستاده .

تعداد ترن دريك سا عت ٤۰ .

بخش اول جادهٔ (سی) که حا لا فعال و قابل استفاده گرديده است.

اين راه آهن زير زمينی پراك‌دارای ظر فيت قابل ملاحظه وازنقطه نظر تزئيني زيبا ترين ميترو ها بشمار رفته عا ليترين نمونه معـماری و مهندسی عصر محسوب ميگردد.

درسال ۱۹۷۰ ترا موای شهر ی ۱ر۷۳ فيصد، بس ها ی شـهر ی ۹ر۲٦وتاسال ۱۹۸٦ ترن هـا ی زير زمينی ۳۲ فيصد، بس هـای شهری ۷ر۳۵ فيصد و ترا مو ا ی شهری ۳ر۳۲ فيصد مسافر ين را حمل خواهد نمود که ميتوان گفت طور عملی نصف مسافرين شهر ی حالا بواسطه ترن زير زمينی حمـل ميگردد.

انتظام، نظافت، و معيار کمـی شلوغ شهری‌اين سيستم را مرجع ترين شکل ترانسپورت شـهـر ی عصر گردانيده است.



جوانان وموزیک

مو سيقی از ساليان دراز در بين ملل مختلف و مر دمـان آن ر وا ج داشته و هر مملکت از خـود آلات موسيقی بخصوصي دارند کـــه نمايندگی‌از کلتور و فر هنگ آ ن مي نمايد.

همانطوريکه گفته اند مو سيقـی غذای روح است هر کس هــر خصو صيتی که دا شته با شد بـه مو سيقی علاقه ميگيرد وروز بروز به علاقمندان هنر مو سيقی افزوده ميگردد.

در ممالك پيشر فته در عر صـه چندين سال شعبات متعدو بر ا ی تر بيه جوانان مخصو صا جوانانيکه به مو سيقی علاقه و استعداد دارند تهيه ديده شده است. چنا نچه‌شعبه تعليم و تر بيه در جمهوريت‌اتحادی آلمان يك سلسله کنسر ت ها ی برای اطفال مکا تب تر تيب ميدهند. اين کنسر ت ها غالبا قبل ازظهرها اجرا ميگردد واطفال‌مکاتب‌بااشتياق تمام اين کنست ها را تعقيب نموده وازآن استقبال ميکنند .



معلم مو سيقی‌در باره ميتود های مو سيقی برای شنو ند گـان شرح ميد هد

در جستجوی دوستان قلم

مايل به مکاتبه در باره مو سيقی جاز ميباشم کسا نيکه درين با ر ه آرزوی مکا تبه را دا رند لطفا به‌اين آدرس نامه بفر ستند:

ليسه حبيبيه محم دمسلم متعلم صنف ياز دهم.

• • •

ميخواهم در بارهٔ هنر عکا سـی معلو مات تازه جمع آوری کنـــم کسانيکه درين‌قسمت ميتوانندکمك نمايند الطفاً به اين آدرس مکا تبـه نمايند.

ليسه غازی ــ نبی الله متعلـــم صنف نهم .

• • •

اينجانب عبدالفتاح ميخوا هــم دربارهٔ آثار گرا فيك معلو مات جمع آوری کنم.

آدرس ــ محمد فر يد متعلم‌صنف دهم ليسه صنايع کابل.

• • •

ميخواهم در بارهٔ هنر رسامـي و مجسمه سازی معلو مات تازه جمع آوری کنم.

آدرس ــ ليسه آريانا ــ جميلـه متعلمه صنف دهم.

• • •

مايلم در قسمت جـــمع آوری کلکسيون تکت پستي معلومات تازه کسب کنم کسا نيکه درين قسمت ميتوانند ر هنما يی کنند لطفا بـه اين آدرس مکا تبه نما يند.

آدرس ــ ليسه زرغو نه، نجيبه متعلم صنف نهم .

• • •

آرزو مندم که مرا در قسمت‌جمع آوری مسکو کات قديمي ر هنما يی کنيد.

آدرس ــ ليسه حبيبيه ، محمـــد فاروق متعلم صنف دهم.

• • •

ميخواهم در باره هنر قديـــم معماری افغا نستان معلو مات جمع آوری نمايم کسانيکه در اين بـاره معلومات دارند لطفا به آدرس ذيل مکاتبه نمايند.

عبدالروف ــ متعلم صنف يازدهم ليسه نادريه.



تهیه وترتیب‌ازمریم‌محبوب

آنچه‌درباره عشق گفته‌اند!

× عشق یکطرفه ،پرسش بی پاسخ است (آلمانی)

+ وقتی انسان جوانست ،دیوانه وار عاشق‌میشود، ووقتی پیرشداگرعاشق بشود دیوانه است . (فرانسوی)

× آنکه هرگز عشق را نشناخت ،رنج رانشاخته است . (توماس)

× عشق بیماری بزرگ عقل است . یونانی (افلاطون)

× دعوای عشاق ،تجدید عشق است

× قهرو خشم درعشق مثل نمك درغذاست‌که اگر زیاد باشد نمیشود آنرا خورد ولی‌غذائی‌بی‌نمك هم‌لذتی ندارد (سنسگریت)

× آنکه ازتوعشق میخواهد ،اگر دوستی اترا تقدیمش‌کنی،درست مثل اینکه آب‌به‌کسی دهی که ازتشنگی میمیرد ! (اسپانیویی)

× عشق چون مرگ نیرومند است ! (از کتاب :تورات)

× برای اینکه دلدار زنده اترابهتر دوست بداری ،اورا چنان دوست بدار که‌گوئی همین فردا خواهد مرد ! (عربی)

فرستنده: سید احمد شاه «شامل»

تغذیهٔ شیر مادر

درین شماره اهمیت شیر مادر ،رژیم غذائی ومواد مورد نیاز مادر شیرده را برایتان‌شرح میدهیم که‌امید واریم مورداستفاده خوانندگان قرار گیرد .

بطور کلی شیر مادر بهترین غذا برای طفل است واگر مادری بتواند فرزندش راباشیر خود تغذیه کند هم‌برای طفل وهم برای مادر بهتر است.از نظرجسمانی زنان شیرده کمتر به‌سرطان پستان مبتلا خواهند شد شماشاید شنیده باشید که‌نوزاد دراثر مك‌زدن پستان ،ابتدا مقداری کستروم (مایعی که‌در ابتدایی دوشیدن پستان خارج میشود) میخوردواین نوزاد را در مقا بل بعضی ازامراض مصئونیت می‌دهد .این فرضیه نیزبه تجربه ثابت شده نوزادانی که از شیر مادر تغذیه میکنند کمتر دچار ناراحتی هایی گوارشی میشوند .

شیر مادر ازهر جهت خالص است وزحمت ضدعفونی کردن وشستن پی‌درپی شیشه‌شیر ودیگر لوازم مورد احتیاج شیر دادن راکم میکند .به هنگام مسافرت نیز مشکلی درمورد شیر بچه‌وجود ندارد وکافیست مادر پستان دردهان نوزاد بگذارد.شیر مادر ازنظراقتصادی نیز به‌اقتصاد خانواده ساز گار است زیرا هیچ‌خرجی برای خرید شیر خشك وشیشه شیروسایل دیگر شیر خواری پیش نمی‌آید ضمنا یکی‌دیگر ازمفاد تغذیه از شیر مادر آنست که حس چوشیدن نوزاد ارضاءمیشود، زیرا نوزاد تاحدی که‌خودش میل دارد آزادانه پستان مادر رامك‌زده وقتی خسته شود دهانش راکنار می‌کشد .

پس ازمدت کوتاهی شیردادن به‌طفل وبرای مادر بصورت‌یك‌عمل‌لذت‌بخش وتفریح فراموش نشدنی بوجود آمده وبین‌مادر وفرزند ارتباطی ناگسستی بوجود می‌آمد .

بعضی ازمادران گاهی اوقات ازآن میتر سند که‌مبادا شیر دادن به‌طفل باعث خرابی ویااز دست دادن زیبائی اندامشان شود درحالی‌که هیچ مادری ضرورت ندارد خیلی بیشتر ازحد معمول غذا بخورد تاشیرش زیاد شود تنهابه اندازه ضرورت کافی است .

بعضی ازمادران پریشان میشوند که مبادا پستا نشان بیش ازاندازه بزرگ شود. این درست است که‌پستان به‌هنگام بارداری‌وشیر دادن به‌طفل بزرگتر میشود ولی بلافاصله‌پس ازپایان یافتن مدت شیر دادن به‌نوزاد پستان به‌اندازه قبل ازبارداری برمی گردد ولی‌هنوز جوابی دراین مورد وجود ندارد که شیردادن به‌چند فرزند باعث نرم شدن ویاافتادن پستان هاخواهد شد .زیرا بسیار دیده شده مادرانی که‌بدون شیر دادن به‌طفل تناسب پستان هایشان راپس ازمدتی ازدست داده اند مثل‌خانم‌هایی که‌پستان های‌شان‌پس‌ازتولد چندفرزند به‌چنین شکلی درآمده است .

البته ازنظر طبی بهترین غذای کامل برای نشو ونمای کودك شیر مادر است ومادران‌باید متوجه این موضوع باشند .



هشدار به حال پدران ومادرانیکه از حال فرزندان خود بی خبرند

من نامهٔ (نصحیت یک مادر خوب برای پدران و مادران) راخواندم ،نامه آموزنده وجامع بوده وقابل یاد آوراست ،که این گونه مشکلات را نمی توان به یک ستون ویادوستون حل وفصل کرد ،باید این مشکل که بالعموم دختران وپسران جوان به‌آن روبرو ومواجه اندازراه

جراید ودیگر موسسات نشراتی بصورت جدی مورد توجه قرار گیرد ومردم بطور عموم ازآن

آگاه شوند چون این مسایل ازمسایل جدی

زندگی جوانان است هم از دختر وپسر ۰
متاسفانه باید گفته شود که بسیاری ازپدران ومادران به‌چنین مسایلی اصلا توجه نـدارند همیشه رشته آیده‌هاوچنگلك تفکرات واندیشه های شانرا درچار چوب تعصبات خشك وقدیمی

خودمحدودساخته‌اند پس درین صورت آیادختری میتواند روبروی مادرش بنشیند که من فلان و

فلان مشکـلات را دارم ویافـلان جوان مورد

علاقه ام است .

من خودم زنی‌ام بیست ودوساله ودوخواهـر کوچکتر ازخود دارم ۰

در ابتداء ازدواج خودمن به یکسلسله مشکلاتی برخورده‌ام که ازنظردیگران شایدپیش‌پاافتاده

وحل شده می‌نمود واین‌مشکلات ناشی ازروش

پدرو مادر بود که‌میگفتند :پسری راکه‌میخواهی بااو ازدواج کنی ازفلان‌جااست ،اصل ونسبش معلوم نیست مردی نااهل است وازین‌گو نه

حرفها ۰۰۰ حتی برادرم به‌این وصلت راضی



نبود اوهم می‌گفت این مرداز (۰۰۰) می‌باشد توباید مردی رابگیری که‌از فامیل خودت باشد وباما قرابت نزدیك داشته باشد ۰

خوب بالاخره خودم بافامیل طوری پیش‌آمد کردم که‌مادر وپدرم راضی شدند ومجلس عروسی مابراه افتاد موضوع قابل یادآوری

درین قسمت مشکلاتی است که‌خودم در ابتدای شب عروسی به آن مواجه شدم .
البته‌شده بودنظربه‌تکلیفی که‌چندی قبل به آن دچار شده بود نتوانست که نتیجه‌ای بگیرد۰۰ ودیگراین‌که در اول خودم‌ازآمیزشی،باوتر س داشتم ازاین‌که چگونه بااونزدیك شوم مـی ترسیدم بعدآ درذهنم هزاران فکرو اندیشه ضدو نقیضی خلق شد که چرا شوهر گرفتار چنین ضعفی است وبعداآهسته آهسته‌توانستم باین مشکل فایق آیم خوب موضوع درایـن جاست که‌چگونه دختری میتواند این‌گونـه

مشکلات خویش رابا مادر خوددر میان بگذارد؟
به نظر من مسایل بین‌زن‌و شوهر ورفع‌مشکل
آن که‌ممکن‌است‌پیش‌بیایدواقعیتی است‌که آدم نبایدازگفتن ویا ابرازآن ترس دردل داشتـه باشد ویاشرم وحیا اورا ازبیان موضوع بـاز دارد ۰برای هردختر وپسر لازم است که‌قبل ازعروسی باپارهٔ ازمسایل‌آشنا گرددوبرای‌مادر لازم است که دخترش رارهنمائی کند وبرای پدر لازم است ازگفتن چنین مسایل برای‌پسر خوداجتناب نکند واگر خودچنین کـــاری

نمیکند ،بوسیله کتابهای که‌در این موردنوشته شده فرزند خود را رهنمائی کند ۰
نامه‌ای راکه درشماره گذشته به نشر سپرده بودید ۰ارزنده وجالب بودکاش همیشه این گونه مضامین به‌نشر برسد وطبقه جوان مارا درچنین مسایلی که احتیاج مبرم به‌آن دارند راهنما باشد ۰

صالحه ،ن از کارته پروان

تهیه کننده سیده (شامل)

رایحه چه‌عطری باشخصیت شماهماهنگ است

چه‌عطری راانتخاب کنیم وحشی یا آرام

عطر جزئی ازاسرار محبوبیت وجاذبه یك‌زن بشمار می‌رود ومی‌تواند خاطـره اورا بـرای همیشه درذهن زنده نگهدارد ،زنان بیشماری هستند که‌در حفظ این‌راز واستفاده ازایـن موقعیت دقت می کنند ،آنها می‌دانند کـــه هماهنگی جاذبه شخصی آنها وعطر مورد نظر شان بطور کلی باید آنطور باشد که عطر بوی مبهمی پیدا کند .زن در ها له ای‌ازابهام غرق شود وکسی بدرستی نتواند نوع واسم عطر رادریابد ۰
اگردر صدد انتخاب عطری هستید که باوجود شخصیت وپوست‌شما برازنده باشد . با ید مدتی وقت‌صرف کنیددر پیرامون آن تحقیـق کنید ،ازنمونه های مختلف عطر روی بـدن خودتان استعمال کنید ونظریات دیگران راغیر مستقیم بفهمید ۰یعنی دیگران پس‌از نزدیك شدن به شما باید از خود بپرسند چه نوع‌عطری است ؟ویاچه عطر جالبی ؟وپس ازبه وجـود آوردن این احساس ستایش دردیگران بایـد توجه کنید عطر برازنده شخصیت خودرانیز پیدا کردهایدیاخیر؟مااین مطلب‌رابرای‌آن‌دسته ازززنان چاپ می‌کنم ۰



که‌هنوز درانتخاب عطر هماهنگ باشخصیـت وتیپ خود مرد داند .

برای انتخاب عطر مناسب خـود بایـد اول تیپ خودرا مشخص کنید ۰آیازنی اجتماعـی

بقیه درصفحه ٦٢





تحول وانکشاف سپورت همکاری همه جانبه می خواهد

● گام برداری های ورزشی در هیلمند نوید انکشاف سپورت است

باپدید آمدن نظا م مترقــیجمهوریت فعالیت های ورزشی از انحصار بر آمده و استعداد هــا یسپورتی در سراسر کشور عزیــز تبارز میکند .

مقامات ورزشی مادر این اندیشه نبودند تا استعداد های انهفتهتبارز کند وبکار افتد .

خوشبختانه باانقلاب بیست وششسرطان همانطور یکه در همه شئون حیاتی ما تحولات بنیادی آغاز یافتدر ارکان ورزشی کشور بخصو ص در ریاست او لمپیك نیز تحولات وتغیرات پدید آمد وامید واری پــدا شد که سپورت تحو ل می کنــــجوانان سپورت دوست می تواننـــد بدون تبعیظ وامتیاز خاص درحلقههای ورزشی راه یابند واستعدادخود

رابکاراندازند چنانچههم اکنون تحولوجنشس فعالیت های ورزشی را در هلمند باستان ، قند هار ، هرات ومزار شریف وکندز وغــیر ولا یات کشور عزیز بخوبی مشاهده کــــردهمیتوانیم هر چند در هلمند میدانهای ورزشی موجود بود و محیط بــرا یانکشاف وترویج انواع سپـــور ت مساعدت می نمود مگر متاسفا نــــهدرگذشته هیچگونه توجه بعمل نیامده

لیك خوشخبتانه در این اواخر درپر تو اورزشهانظام مترقیجمهوریت جنبش وتحول سپورتی بمیان آمد ،چنانچه موجود یت کلپ ورز شــی بناروالی وتیم های مختلف لیســــهلشکرگاهبیانگرتحول سپورتدرهلمند است.

کلپ بناروالی هلمند که عجا لتادارای تیمهای فتبالووالی بال است. بغرض ارتباط سپورتی بین جوانانولایات همجوار با ابتکاروحسننظر بناغلی پژواك والی خویش د ستاقدام شد .وبا دعوت از تیم هــــای سپورتی و لایت کندهار وسفر ورزشیبولایت کندهار وهرات این امیدواری رایافت که جلب تــو جــه شعبا ت مسول انکشاف انواع رشته هــای ور زشی در همــــــه ولا یـــــاتانکشاف یابد چنانچه متصد یا ن ریاست ا و لمپیك که وا قعــــادر انکشاف سپورت علا قمندیدارند در اثر اقدام ولایت هیلمند بــــدینموافقه رسیده اند تا عنقریب یــــك تور نمنت فتبال به اشتراك تیمهایفتبالولایت زابـــــل، کنــد هــار ، فراه، هـــــر ا ت ، هــیلمنـــــــدودر صو رت ا مكان یــــــك تیم از کابل در ولایت هیلمندصو ر تپذیرد که با انجام اینمسابــقات یقینا استعداد ها ی قــــا بـــل امیــد واری تبــارز میکنــــــــد وـ جنبش سپورتی در سرا سر کشــورعزیز بمیان می آید وجوانان علاقمند بهسپورت تشویقمیشوند واطمینانمی یابند که دکر سپورت انحصار نبوده و فعالیت ورزشی منحصر بهمرکز نمی ماند .



تیم فو تبال کلپ بناروالی ولایتهلمند قبل از حرکت جانب ولایت هرات با بناغلی پو هاند پژ واكوالی آنجا



تیم کودکان بنام عقا ب مر بوطبناروالی ولایت هلمند

درخشش پهلوان افغانی درهفتمین مسابقات آسیایی

مصاحبه از آشتی



پهلوان اسلم در ختم مسا بقه حینکه تخته‌بورد در دستش میباشد

محمد اسلم پهلوان افغانی در هفتمین مسابقات‌آسیائی که‌درتهران برگزار شد برنده‌مدال برونزگردید اسلم دومین پهلوان افغا نیست‌اکه‌در مسابقات آسیائی مدال برونز رادر پهلوانی میربایه برای نخستین با ر پهلوان ابراهیم در بازیهای‌آسیائی چند سال قبل دو جاگارتا بر گزا ر گردید ،مدال برونز کمائی کرده‌بود

پهلوان اسلم که‌از مدتده سال‌به اینطرف پهلوانی میکند اینبا ر در مسابقات تهران‌شش‌مسابقه‌پهلوانی انجام داده که‌پنج مسابقه آن‌به‌سیتم گریگرومن بوده‌است .پهلوان اسلم درین مسابقات به‌چهارحریف عراقی ،منکولیایی ،هندی وپاکستانی خود غالب آمده ومقابل حریفان جاپانی وکوریایی خود نمراتی ازدست‌داده است .

محمد اسلم دریک مصاحبه اختصاصی به‌خبرنگار ژوندون‌گفت: پهلوانان افغانی آشنایی چندانی با سیستم پهلوانی کریگرومن ندارند ویکی ازعلل عدم موفقیت پهلوانان مادر بازیهای آسیایی همین عدم تسلط وآشنایی برسیستم کریگرومن میبشد از طرفی پهلوانان ما ،در مسابقات خارجی کمتر اشتراك می‌ورزیده اند .

خرابی شرایط مادی وتمرینا ت‌در گذشته که‌پیوستگی‌وتداوم نداشت دلایل دیگر برباخت‌پهلوانان ماست

پهلوان اسلم درچگونگی رهنما یی هایش‌به‌شیوه های پهلوانی ا ز استادانش پهلوان ابراهیم‌وشیرحسن یادآور گردیده وهمکاری آنهارادر رمز پیروزی هایش‌نقش‌عمده‌میشمارد

اوکه دردوصد مسابقه پهلوانی اشتراك ورزیده متانت‌و پایداری‌در سیمایش هویدا است .میگوید: برای اشتراك دربازی های المپیك خودش راآماده خواهد ساخت .

پهلوان اسلم باداشتن ٥٢ کیلو وزن در کلا س دوم پهلوا نی است آدم بظا هر آرام به‌نظر میخو رد و :ا رای انـد ام تنو مند وعضلات ور زیده است

پهلوان اسلم به‌این عقیده است که: تسلط داشتن بر فنو نهای پهلوانی روحیه قوی دو شرط عمده موفقیت یك‌سپور تمین میباشد .

پهلوانی که‌بتواند هنگام مسابقه بطور آگاه نقاط ضعف حریفش‌را در یابد وحملات نخستین خو یش را متوجه آن‌سازد گمان نمیکنم مسابقه راببازد .در ینصورت یك کشتی‌باید درعین زمان هوشیار دراك هم‌باشد. ممارثت وتمرین بسیار یك‌پهلوان‌را درین راه کمك زیاد میکند.

البته این تمرینات فقط درمحوطه (ارکارم) نبایدمحدود بماند و حتی مسابقات داخلی برای رسیدن کافی نیست .

برای من‌که درگذشته فقطدوبار برای‌انجام مسابقات‌پهلوانی به‌خارج رفته ام‌اشتراك درمسابقات آسیایی تهران خیلی آموزنده بوده است.

کشتی گرفتن ودرگیر شدن یك



پهلوان اسلم‌در حال مسابقه‌با «الشیکوف» پهلوان روسی

پهلوان باحریفش درحالیکه هزاران هزار تماشاچی آنهورا زیرنظرداراند سخت هیجان انگیز است وبالای روحیه ورزشکار که‌تجربه زیاد نداشته باشد ،تاثیر زیاد میگذارد.

فکر میکنم من‌هم همین موقف را داشتم .فکرش رابکنید ورزشگا ه بزرگ تهران گنجایش جمعیت غفیری را دارد .

ازاو میپرسم .

شما در مسابقات کیریگرو من از کدام تکنیك ها بیشتر استفا ده کردید به تکنیك ها یکه در سیستم گیر یگر و من بکار میرود عبا ر ت از سفلس، نیم سلس، بغلی، پیچ مانکی وغیره میباشد ودرموا رد ومواقع خاص با درنظر دا شت چال ها ییکه حریف از آن استفا ده میکند بکار برده میشود.

– کدام حر یفت بیشتر از دیگران قوی بودند:

همه قوی بودند و بایك چا بکی خاص از فنون مختلف پهلوا نی‌کار می گر فتند. پهلوان اسلم حین گفتگو مدال برو نز ش را بر گردن آویخت وچهره اش را غـر ور مر موزی رنگ زد آخر او افتخار بزرگی برای خو دش و ریا ست المپیك کمایی کرده است و با همان شکستگی با صدای آرا مـی به‌گفتارش ادامه داد .

ظاهرا ربودن این‌مدال بسیار ساده بنظر می‌آمد ولی برای‌ما که‌هنوز

بقیه در صفحه ٥٨

برای توپ؟



مسابقه قهرمانی باسکتبال درپورتو ریکو انجام میگیرد .دربین‌تیم های بزرگ که برای گذراندن این مسابقه آمدگی میگیرند تمهای اتحاد شوروی وامریکا جلب توجه می کند. مسابقه بین‌این دوتیم اکنون‌به‌سنت تبدیل شده است این تیم ها بـه‌صورت منظم بعد از سال ١٩٥٨از کشور های هم دیگر دیدارهی نما یند . تیم امر یکا بتازگی هفتمین سفر خو د رادراتحاد شوروی انجام داده در شهر های مسکو ، لنین گراد ، بیگا،تایلن وکیف مسابقه ها برپا کردند. بنابر اظهارتمرین دهندگان امریکایی‌این دیدار هابر غنای تجارت هردو تیم ودرك سطح قدر تمندی آنهاگام‌بلندی بحساب می آید .همچنان‌این دیدار ها کوتاهی ونقص تکنیکی هردو تیم را بر طرف میسازد .



جدول اطلاعات عمومی

در این جدول نه کلمهٔ مختلف که دو حرف ش و م در همهٔ آنها مشترك است با ید گنجا نیده شود، کلمات مزبور از دقت در شرح‌ذیل بدست می‌آید، توجه داشته با شید که این جدول بخلا ف جد و ل های سابق بصورت عمودی خوا نــده‌میشود و از کلماتی که نسبتا مشکل است یك حرف دیگر هم بمنظـــور تسهیل فهم آن آورده شده است :

۱ـ مر شد و پیر عر فا نی مولانا جلال‌الدین بلخی.

۲ـ اولین جریده ای که درکشور ما منتشر شده است .

۳ـ قلعه ای بوده ا ست در قدیم که شهر فعلی هرات بنابر روا یات ملی بر روی و یرانه های آن بناشده است.

۴ـ احساس بوی گل یا چیــز دیگر .

۵ـ یکی از سلا حها.

۶ـ پارچه ای که از پشم یا فــته شده باشد.

۷ـ یکی از چهار جهت اصلی .

۸ـ ... داباید ازین خانه بزو ن بزن و کشتن تاکه همسایه ندا ند که تو در خانهٔ مایی

۹ـ از ولسوالی های ولایــت بدخشان.

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
X	X	X	X	X		X	X	ش	۱
X	X	X	X	X	س	X	ش	م	۲
X	X	X	X	X		ش	م		۳
X	X	X	X	X	ش	م			۴
	X	X		ش	م				۵
	X	X	ش	م			ل		۶
ک	X	ش	م			ا			۷
	ش	م			X			ز	۸
ش	م			ر	X	X			۹
م			ه	X	X	X		X	۱۰

طرح کننده: مو نسه بشیر

جواب های شماره گذشته

جواب معمای منظوم

معمای مذکور به نام کریم است.

(بکشا گره از کمر بـگـر دا ن می‌ناب)

گره‌کمر حرف میم است وگشودن‌آن از بین بر دن آن اســت که در نتیجه کلمه(کر) باقی میما نـــد گردانیدن (می) هم مقلوب کر دن‌آن است که(یم) میشود و با اضا فــه(کر) نام کریم حاصل میگرد.

جواب مؤلف این کتاب کیست؟

مؤلف کتاب‌زین الاخبار،عبدالحی بن ضحاك گردیزی معا صر غزنویان است.

جواب سوال جغرافیایی وحسابی

ولایت سمنگان است.

جواب کدام یك ؟

شکلك شماره ۳ با شکلك سفید بین مستطیل سیاه مطابقت دارد.

جواب آزمایش دقت

مکعب سفید باید شش خال و رسطح نو قانی پنج خال در سطح طرف راست و سه خال در سطح پیش رو داشته با شد.

جواب او کیست؟

این نو یسندهٔ فرانسوی گو ستــا وفلو بر است

مسألهٔ اسپ

کسانی که صورت حل جد و ل ادبی را در شمار گذشته خوا نده باشند البته راه‌حل مسالهٔ اسـپ‌شطرنج راهم به مدد آن می توا نند پیدا کنند، باین معنی که از نقطهٔ‌نشانی شدهٔ اصل جـدول در دو شماره پیشتر شروع کنند و نا م۱۲ شاعر را به تر تیب یاد شده در شماره گذشته تعقیب نمایند تا به‌حل این مساله که (ازیك خانـــهٔ شطرنج باحر کت اسپ تمام خانه‌ها را عبور کنید) موفق شو ند.

اما باید دانست که مسأ له‌اسپ‌جوابهای دیگر هم دارد و منحصربه همین یك راه حل نیست .

کوششی کنید تا راه حل دیگر ی‌غیر از آنچه در فوق نشان داده شد پیدا کنید اگر نتوا نستید،درشمارهٔ‌آینده ازنظر شما میگذرا نیم.

مسأ له شطرنج

ازین پس در هر شماره یك‌مساله شطرنج تقدیم مینمایم تاخوانند گان عزیزی که با این بازی سو د مند وقدیمی آشنایی دارند، دقا یقی از او قات فراغت خود رابه بر رسی اینگونه مساله های فکری بگذرانند واگر مایل با شند جوا ب خودرا با پاسخی که یك هفته بعدنشرمیشود تطبیق نماید.

سفید بازی را شروع میکند ودر دوحرکت سیاه را مات می‌نما ید.

یك مسأله هندسی

این مساله در ظاهر، هیچ ارتباطی باهندسه ندارد، ولی اگر قدری دقت کنیم راه‌حل آن جز با اطلاع ازقواعدهندسه پیدا نخواهد شد.

یك ورق کاغذ بر دارید وبر روی آن دائره ای باندازهٔ یك سکـــــه دوافغانیگی رسم کنید که نه از آن کو چکتر باشد ونه بزر گتر. سپس آنرا بدقت ببرید یعنی شکا فـــــی باندازهٔ یك دو افغا نیگی درآن بوجود بیاورید.

آیا می توانید یك سکه پنـــج افغانیگی را از میان دایرهٔ مز بو ر عبور دهیدبدون اینکه کا غـذ پاره‌شود؟

چنین کاری امکان دارد و اگـــر اندکی فکر کنید راه حل مسأ له را پیدا خوا هیدنمود. اما اگرنتوانستید باید تا هفتهٔ آینده صبر کنید.

حل کنند کان

درین هفته بناغلـی ذبیـح الله‌حسن از ولایت سمنـــگان ومحمد کریم آرزو از مدیریت تعلیم‌وتربیه‌ومحمد یوسف ازپوهنځی ادبیـا ت ومحتر مات لیلا صفوتی ، ا نیسه‌گل پیرا و شفیقه «جوانمــرد» از کابل جواب صحیح فر ستا ده اند

آیا این شاغر نامی رامیشناسید

۱ــسال ولادتش معلوم نیســـت ولی در غر جستان متو لد شـــده است.

۲ــ نام پدرش عبدالجامع بو ده‌است.

۳ــ درقرن ششم هجری زندگی‌میکرده و سال و فا تش را(۵۵۵) نوشته‌اند.

٤ــ در قصیده سرایی استاد بوده‌ومخصو صا به صنایع لفظی بسیار توجه داشته است.

٥ــ علاوه بر شعر دری شعرعربی‌نیز می سرود. وبهمین سبب محمد عوفی اورا درتذکرة الباب الالبا ب‌ذوالبلاغتین خوانده است.

٦ــ غزل و تر جیع بند هــم د ر دیوانش یافت میشود.

۷ــ این بیت از او ست:

این‌فخربس‌مرا که‌ندیدست هیچکس

درنشر من مذمت ودر شهرمن هجا

بااین نشانی ها، امید است که به شناختن او موفق شده با شید، اگر نتوا نستید، هفتهٔ آینده‌درهمین صفحه با هویت وی آشنا خوا هید شد.

چیستان منظوم

این چیستان یا بعبارت دیگر لغزاز عنصری بلخی است آیا می‌توانید منظور شا عر را پیدا کنید ؟

چیست آن آب چو آتش و آهن‌چون پر نیان
بی‌روان تن پیکری پا کیزه خو ن‌در تن روان

گر بجنبانیش آب است ار بلـرزانی درفش
ار بینداز یش تیـر اسـت ا ر بخمانی‌کمان؟

معمای منظوم

این‌معما اثر طبع مولانا نورالدین‌عبدالرحمن جامی است و از آن نام (بها) حاصل میشود:

گفتم ماهی گفت: کرا میگویی؟ گفتم که ترا گفت: چرا میگو یی؟
بر حرف نخست نامش آنلم که‌یکی‌افز و ن کر د م گفت: چها میگویی
آیا میتوا نید طرز استخرا ج نام‌بها را ازآن معلوم کنید؟



حل جدول اطلا عات عمومی شمارهٔ قبل

خوانند گان عزیز !

اینك سر از این‌شماره، فوتورومان‌دنباله داری را تقدیم میکنیم که ازیك مرد بحث میکند ، مردیکه ز نش راترك گفته و با زن دیگری رابـــطه دوستی ریخته است ، پسر این مردسعی دارد که پدرش را وادار سازد. تا دو باره بخانه اش بر گردد .

بخاطریکه این ماجرا راتا اخیـردنبال کرده باشید ، پس سر ازهمین شماره این داستان را تعقیب کنید:

ترجمه و ترتیب از :

ق . صیقل

آخرین نوازش

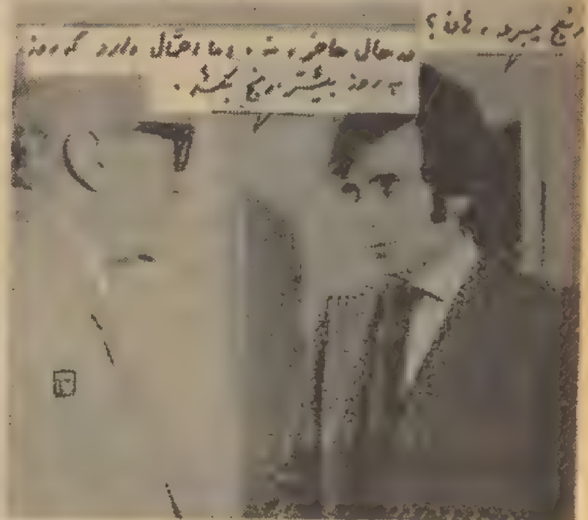
ورق بزنید



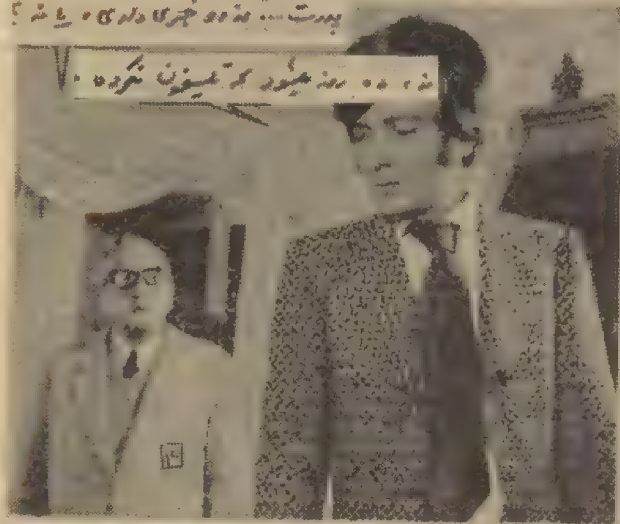
یک روز ابرآلود زمستان و سخت،
پال...
۱



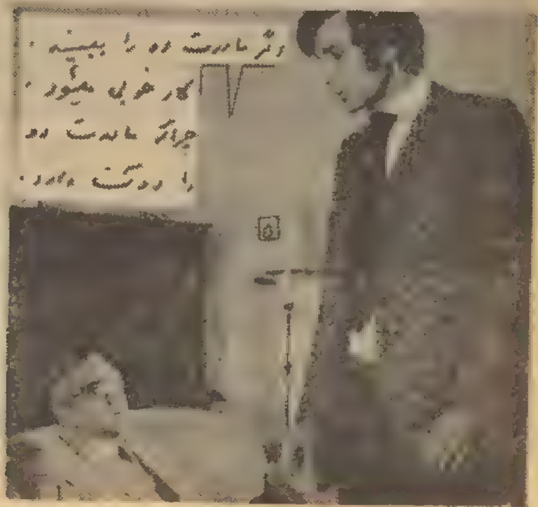
مرد جوان رویش را بچرخاند. چهره اش گرفته بنظر میرسید.
حالش چطوره؟
خوب. همین حالا بیهکاری اش را کردم.
۲



رنج میبرد، نه؟
در حال حاضر، نه، ولی احتمال دارد که دو سه روز بیشتر رنج بکشد.
۳



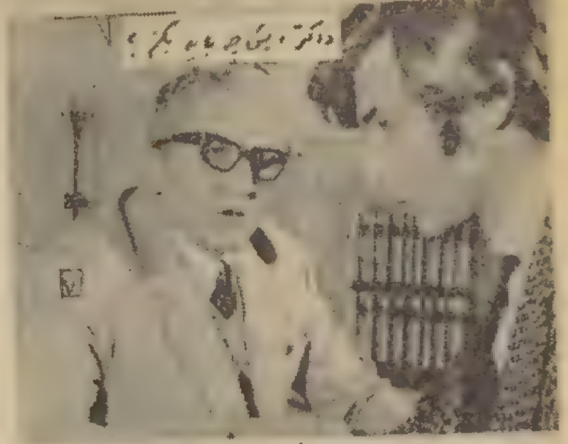
پدرت... از مرده خبری داره، یا نه؟
نه... نه... ولی میشود که تشخیص بگیره.
۴



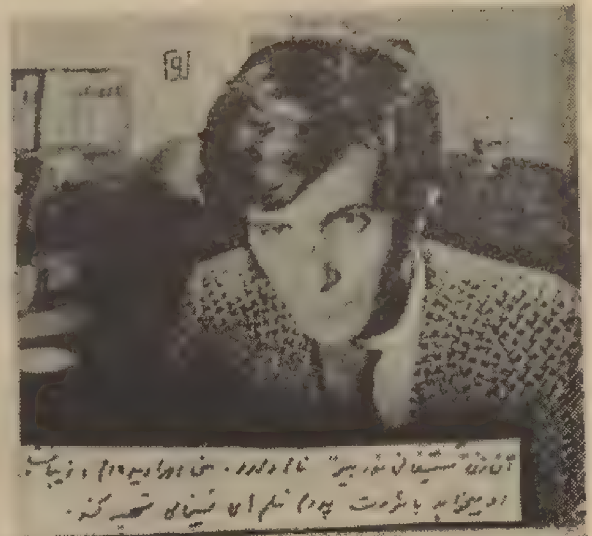
اگر مادرت او را ببینه، کار خوبی میشود، چرا که مادرت او را دوست دارد.
۵

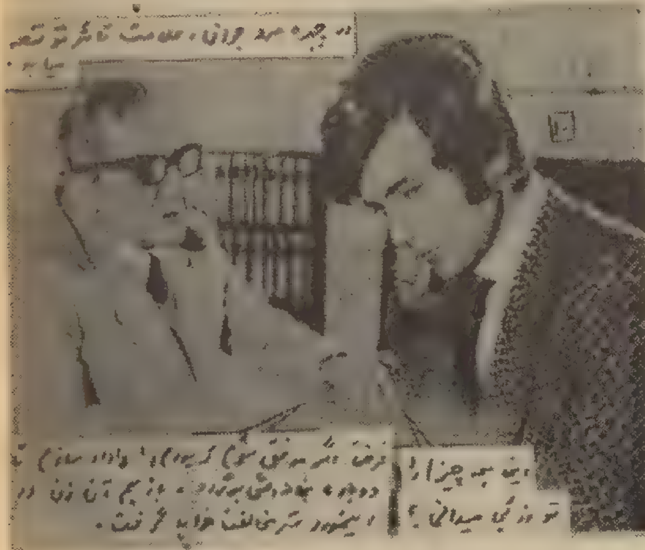


چطور یک عشق مستحکم و پایدار با قیافه میتوانه، در مدت کوتاهی طرف مقابل، از مزایای آن چیزی بدانه.
۶

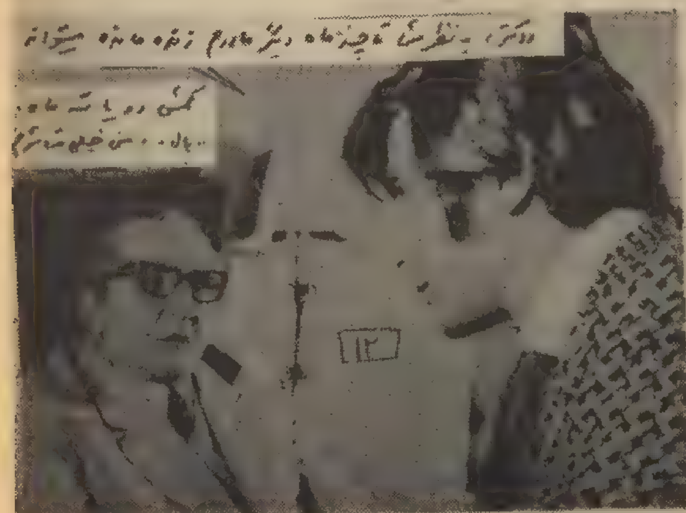

اینرا فراموش نکن که عشق وقتی شروع شد که بسیار زیبا و
دکتر: پس چه باید بکنم؟

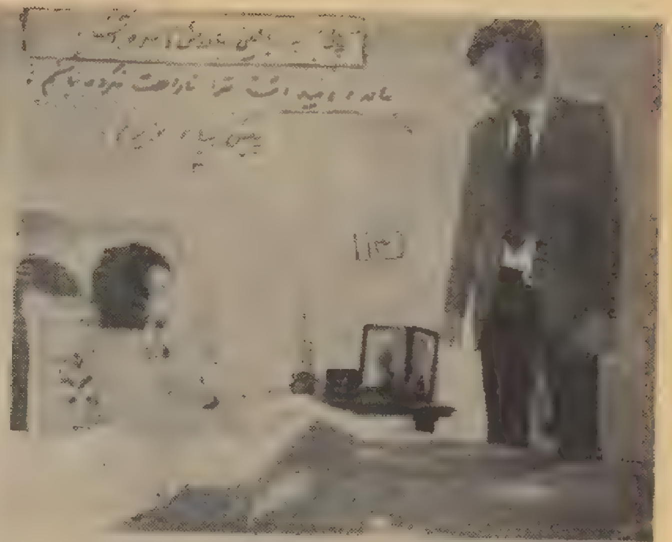

درباره سینما چه میدانی؟ او کاملاً مجذوب و دلباخته آن زن شده.


آن زن "ستیفانی موربیر" نام دارد. سی ودو ساله و زیباست.


در چهره مرد جوان، علامت تأثر و تعجب پیدا بود.
این همه چیزها را تو از کجا میدانی؟


بعد، ما به همه چیز پی بردیم.

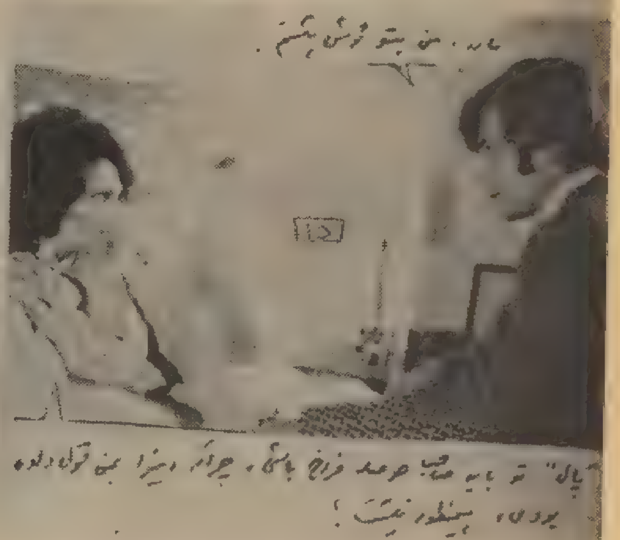

دکتر، بنظر شما تا چند ماه دیگر



ماده، پیداست ترا ناراحت کرده باشم؟



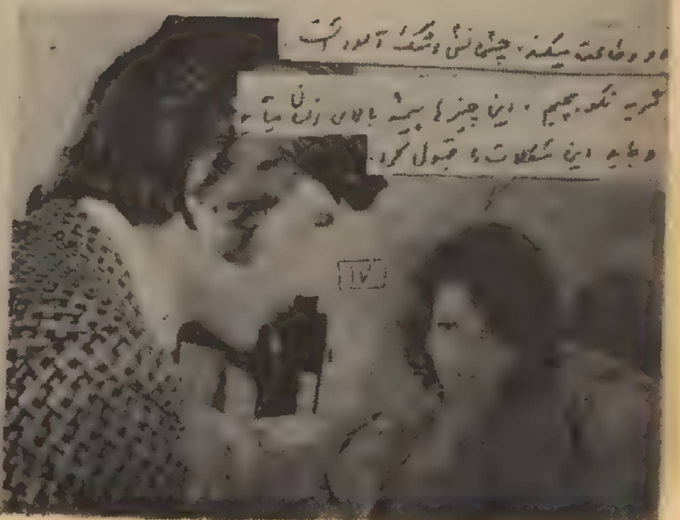
دکتر رفت؟
بله، همین حالا.



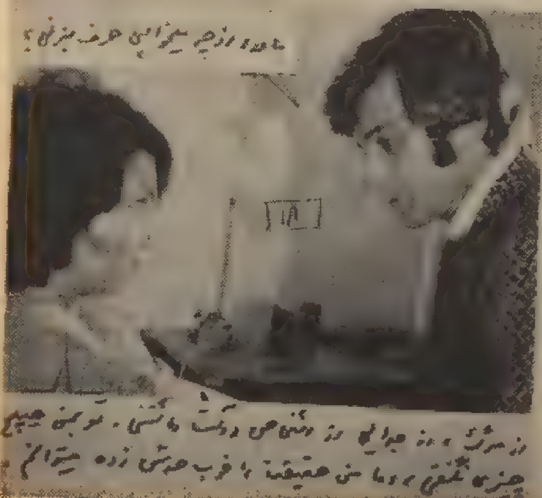
ماده، من بیشتر خوشحالم.
"پال" تو باید حسابی خوشحال باشی، چراکه دیزا بهت قول داده بود، همینطور نیست؟



بهتر ببینی، عزیزم!



... وحالت میکنه، چشمانش وحشت آلود است
مترسید نکو، چیهیم، اینا چیزها همیشه با ما زنها میاد، و باید این مشکلات را قبول کرد.



ماده، از چه میخواهی حرف بزنی؟
از مرگ، ماده چرا باید از دشمن وحشت داشتی. تو یه هیچ
چیزی نمیفهمی، و ما من حقیقتاً با خوب حرفش زده میتوانم

«پال» در حالیکه از شرم زیاد میلرزد، به آغوش مادرش میافتد.

«پیم، تو باید دیگر جسور باشی، مخصوصاً «پلی» خواهرت را، هنوز بچه و خیلی کم عقل است، باید بیشتر مواظبت کنی.
من میخواهم که چشمهایت را شاد و خندان ببینم»

«ممکن است! بلی، برای اینکه همیشه با تو خواهم بود!»

نه، پیم، اینطور نگو، زندگی پر از سرور و خوشی است.

تو مادر خوبی هستی، من از خود بیزارم...

مادرش زمزمه کنان میگوید: «چطور پسرت توانست که مرا ترک کند؟...»

دوست داشت

[۲۱]

در زندگی سؤالاتی است که بیجواب
باقی میماند.

«پال» یکباره خوشبختی رفته است که از خود سؤال کند
چرا اگر سؤالات او جواب صحیح نخواهد...

[۲۲]

لحظه‌ای بعد.

چرا مادرم برای خوردن غذا
با ما پائین نیامد؟

[۲۳]

نه عزیزم، امروز صبح بسیار کسالت داشت.

امروز در مکتب چه کردی؟

بقیه دارد

در مضمون تاریخ شششی نمره گرفتم.

از مجله شناسایی جهان پو لندی

ترجمه عزیز الله کهگدا

چرا جوامع بشری با گرسنگی دست بگریبانند

موضوع گرسنگی ار ابتدا ی وجودبشر، با مردمان جهان‌وجوامع بشری همراه بوده است که در نواحی مختلفه با شکال مختلفه د ر سراسر جهان در او قات و حا لا ت مترقبه ظهور نموده صد ها،هزاران وملیونها افراد بشر با گر سنگی دست بگریبان استند که با ساس آن بعضی او قات قسمت اعظم جوامع بشری را تباهی و حا د ثات ناگواری مبتلا ساخت. با وجود این همه نا گواریها تا زما نیکه کتا ب (جغرا فیا ی گر سنگی) انتشار نیافته‌بود احصائیه‌گرسنگان جهان ثابت و معلوم نبود و فعلا نیز احصائیه که بتواند تعداد گرسنگان کره ارض را بما نشان بدهد. وجود ندارد واین مسالـه خیلی مشکل بشمار میرود. تنها گفته میتوانیم که ملیون ها افر اد بشر مبتلای این مرض خانما نسوز شده و یا اینکه در ظرف ده سا ل اخیر مبتلا خوا هد شد .

در قرن ۱۹ در چین صد ملیون وهم‌چنین درهند دردهه چهارم قرن نزده در هنگام جنگ جهانی دوم درحدود بیست‌میلون نفر ازگرسنگی جان سپر دند .یکی از علل مهم انقلاب کبیر فرا نسه در ۱۷۸۹ گر سنگی بود.

نظریه گر سنگی با عقیده فقدان مواد غذایی همر دیف میبا شد یعنی فقدان کا لوری و مواد غذا یی. لذا دراثر غذایی غیر حقیقی و کمبو د مواد ضروریه غذایی یعنی از قبیل پروتین، ویتامین ها، مواد معد نی وغیره ، وجود وزن خو درا با ختنه وضعیفی راباد می آورد و حتی در بعضی ممالك مو جب مرگ هزا ران نفر از افراد کشور های مذ کو ر میگردد. این فقدان امراض ازقبیل (کمبو د و یتا مین) ، وغیره را تو لید میکند و علاوه‌بران بعضی اوقات امراض دیگری از قبیل سل، ملا ریه، بیلها ر سیو ز (امراض خون) فیلا ریوزا و غیره ازان ظهور میکند واین امراض‌بر مادران واطفال بیشتر چیره‌میشود.

صفحه ۵۲

نواحی گر سنگی: نواحی دایمی گر سنگی در سالهای بی سا بقه که موجب وقایع ناگو ار گر سنگی را فراهم میکند کشور های جهان سوم میباشند. باسا س ا حصا ئیه ده،پانزده در صد نفو س جـها ن مبتلای گرسنگي اند. و تقریباشصت در صد آن غذای غیر منظم دارند.

انسان لازمست روزانه در حدود ۲۷۵۰ کا لوری اخذ کند این ر قم حد و سطی مقدار کا لوری میبا شد که نظر به کار، سن، جنس اقلیم وغیره فرق‌میکند. (اف،ای،او) نظر به موقعیت ،محل ونواحی آن مقدا ر کالوری را چنین قبول کرده است که‌نارم امریکایی یکنفر رو زا نه ۲۶۱۰ کالوری و نارم جا پا نی ۲۳۱۰ کالوری را قبول کرده اند .

در اروپا، امریکای شما لی،آسترالیا واو قیانو سیه ضرورت مقد ا ر کالوری تااندازه ای بر آورده شده است لذا در متباقی نو احی جهان (بدون کمی استثنا) مواد غذا یی به تناسب کا لوری کمتر دیده میشود.

خرابترین حالت در آسیای‌جنوبی وشرقی (بدون جاپان)دیده میشود منجمله اهالی هند حد متو سط ۱۸۱۰ کا لوری، اندو نیز یا ۱۹۰۸ کالوری و افغا نستان ۱۹۵۰ کالوری رادارا میباشد. در شرق و سطـی کمبود کالوری باوجود عایدا ت زیادیکه از رهگذر نفت بد ست می آورند باز هم روزانه مقدار کالوری سیر سعودی خود را می پیما یند چنانچه روزانه مقدار کا لوری در عربستان‌سعودی ۱۸۵۰ کالوری و در ایران ۱۸۹۰ کالوری میر سد.

همچنین در افر یقا عرب متحد ۲۸۱۰ کا لوری و اتحادیه افر یقای جنوبی ۲۸۲۰ کالوری را دا را می باشند.

امریکای‌لاتین از این رهگذر نیز درحالت بهتری قرار نگر فته است تنها اروگوای، ارجنتا ین و چیلی مقدار کالوری متو سط را تکا فو میکند.

در امریکای وسطی از قبیل سلوادور ۱۸٤۰ ، ها ندو راس ۲۰۱۰ و همچنین بو لیو یا ۱۹۸۰ واکوا دور ۲۰۲۰ کا لوری را فی‌نفر دریك روز بدست می آورد که‌نظر به نارم باز هم کم است .

بزرگترین مقدار کا لوری جها ن پنجاه وسه فیصد از نبا تات‌غله‌یی بدست می آید. نبا تات غلـه یی، پیازی ورو غنی که غذای ابتدا یی بوده در حدود هفتاد و پنج فیصد غذای نفو س جهان را مخصو صا (کشور های نادار) تهیه میکند . در آسیا غذای ابتدایی برنج و و رو غنیات نباتي، در افر یقامنیاك وارزن ودر امریکای لاتین جوا ر ی وفا سولیه میبا شند.

ارگانیزم بشر تنها به مقدار کالوری اکتفا نکرده بلکه نشا یسته وپرو نین قوی حیوانی و همچنین نمك های معدنی وویتا مین ها نیز از ضرو ریات دایمی بشر بشما ر میرود که کمترین مقدار نشا یسته برای یك نفر در شبا نه روز هفتاد گرام و پرو تین حیوانی بیست الی سی گرام میبا شد از اینرو هند و شرق دور از ناحیهٔ پروتین وضع خرابتری را دا را میبا شند چنانچه در اندونیزیا یکنفر در شبانه ر وز ۳۸٫۲ گرام پرو تین حاصل میکنند که ٤٫۵ گرام آنرا پرو تین حیوانی تشکیل میدهد. در افغا نستا ن یکنفر در شبانه روز ٥٦٫٤ گر ام پروتین حاصل‌میکندکه ۷٫۷ گرا م آنرا پروتین حیوانی تشکیل میدهد هند از جمله ٤٥٫٦ گرام پر و تین ٤٫٦ آنرا پرو تین حیوا نی وسیلون از جمله در ۵۰ گرام پروتین ۱۸٫۷ آنرا پرو تین حیوانی و فلپا ین از جمله ۵۰٫۵ گرام پرو تین ۱۸٫۷ گرام آنرا پروتین حیوا نی یکنفر درشبانه روز حصول میکند.

تقریبا تماما ممالك بر ا عظم افریقا کمتر از شصت گرام پروتین یکنفر در شبانه روز بد ست‌می‌آورد که از آن کمتر از سیزده گرام آنرا پرو تین حیوانی تشکیل مید هد باستثنای اتحادیه افریقای جنو بی که ۸۰٫۲ گرام پروتین واز آن ۳۱٫۹ گرام آنرا پروتین حیوا نی تشکیل مید هد و عر ب متحد که ۸۰٫۸ گرام پرو تین بد ست می‌آورد ۱۲ گرام آنرا پرو تین حیو ا نی تشکیل میدهد. کمترین پرو تین‌را ممالك شرق نزدیك و امریکای‌لاتین (بدون اروگوای، ار جنتاین وچیلی) **بد ست می آورند.**

در اضلاع‌متحده مقدار پرو تین حاصله یك نفر در شبا نه روز به ۲۰۵۰ گرام میر سد در حا لیکه یك نفر هندی در شبانه روز ۷۸۰ گرام پرو تین بد ست می آورد که امریکا و سایر کشور های غنی مقدار پرو تین مذکور را از حاصلات غنی پرو تینی وویتا مینی و در هند صرف از حاصلات نباتی بد ست می آورند.

تولدات بزرگی که در کشور های جهان سو م پیش میرود مو جب کمبود مواد غذا یی گردیده و مقدار پرو تین حا صله یکنفر در شبا نه روز کسر میکند ولی در سا لها ی اخیر ازدیاد نفوس در کشور ها ی مذکور گراف تزو لی را می پیما ید چنانچه مو ضوع مواد غذایی در کشور های مانند مکسیکو،وینزویلا برازیل، ترکیه، حبشه، سو ریه ، ایران، فلپاین، چیلی، پا کستان، هند واندونیزیا رو به بهبودی گذاشته که نسبت به سا لهای ٦۰ در کشور های مذکور حا صلات‌مواد غذایی ومقدار پروتین فی نفر بهتر شده‌است .

بعد از گرسنگی بی سا بقه ا ی درسالهای ۱۹٦۵ و ۱۹٦٦ د فعتادر ۱۹٦۷ زراعت و مواد غذا یی وضع

بهتری را اختیار کرد چه وضـــع جوی در سالهای مذکور حا صلا ت را بهبودی بخشید. گرچه درسالهای مذکور ممالك آسیایی وافر یقا یی‌از حاصلات بهتر عقب ما ندند اما در سالهای مابعد تو لیدات زرا عتـــی بر اعظمهای‌مذکوربلند رفته علت‌آن نه‌تنها وضع جوی بوده بلکه سرمایه گذاری طویل المدت، بکار بـر د بی نوع بهتر گندم و برنج و همچنان شمیزا سیون زرا عتی بوده است.

علت گرسنگی:

اولین تجربه ایـکه تجسســی و جستجوی علت گر سنگی‌را آشکار سازد تئوری توماس رابرت **مالتوس**

بقیه در صفحه ٦٠



امروز ملیونها نفر افراد بشر بـه‌گرسنگی دچارو محتاج بکمك انـد

برگزیده

آلفرد هیچکاک



نوشته از: نورما شیر

مترجم: نیرومند

قربانی درمعبد

سایه های هولناك و بلند در نظرش بسی مرموز می آمد. نور شیری رنگ ماهتاب بر حواشی لوحه سنگها تابیده آنها رابصورت هیولاهای در آورده بود که گردهم نشسته باشند. او از اینکه تمام کار بر وفق مراد انجام یافته بود راضی مینمود. اما این لوحه‌سنگهای قبر! گورستان شتونهینگ در روز به یك آبدهٔ خاك آلود ومتروك دوران کهن شباهت داشت. اما اکنون روشنی سپید ماه بوجه ترس آوری به آن جان بخشیده‌بود. علی رغم هوس سرشار وطرز تفکر موافق به روحیهٔ عصر وزمان سایه ها را شبیهه اله های انتقام نتیك و تیتان اعصار قدیم میدید که باخشم و استهزا بصورتش مینگریستند.

لوحه سنگهای گورستان سایه های خود را سر راه او پهن کرده بود. تصور مینمود که زیر فشار وزنی که بر دوشش عمل میکرد، به زحمت قدم می برداشت و نفس زنان خودش به سینه میکشید ازوسط یك زمین دایره مانندریگی واز حلقهٔ سنگهای قبور واز کنار وبین فیلپایه ها عبور کرده، از حلقهٔ نیم دایره شکل و نعل مانند سنگهای سر قبر ها به‌سوی محراب نزدیك شد. کنده سنگ هموار تابه کمرش می رسید واو جسد زنی را که بر دوش داشت به روی سطح درشت آن بر زمین نهاد، باد نرم وسبك زمزمه کنان‌از روی سبزه‌زار زالسبوری وزیده با مو های طلایی رنگ ودراز جسد زن بازی میکرد. اوکف دست عرق پر خود را به‌پاچه های پنلون خشك کرد. باد همچنان موهای زرد رنگ را ملعبهٔ خود ساخته بود.

فردا صبح هنگامی که سر مامور پولیس جنایی هارلان فاکنر به روی جسد خم میشد، باو قطع نشده بود و کمافی السابق‌باموهای طلایی رنگ بازی میکرد. فاکنر دستهای حساس خود را در جیب های پنلون فرو برده بود وپشتش‌را بسمت جریان بادی که بسردی از روی او راق های که بالای فیل پایه ها ایستاده بود، می وزید برگرداند او خودش را در گورستان ستونهیگ مثل آنکه در خانهٔ خودش باشد، آرام احساس مینمود. زیرا زمانی از شغل باستانشناسی دست کشید که متوجه شد پول کافی برای حصول کسب اجازهٔ این کار ندارد. یا لااقل آن مقدار پول که باید برای تحصیل اجازه نامهٔ باستانشناسی می پرداخت برای ادامهٔ حیات به آن ضرورت داشت و همین امر سبب شد که بدنبال کسب و کار دیگری برود.

او از شغل فعلی خود نادم نبود، چه‌میدید که فعالیت پولیس‌جنایی نه تنها شخص را راضی نگهمیدارد بلکه بمفهوم جدی یك وظیفهٔ‌اصیل هم میباشد.

نخستین کاری که فاکنر باید میکرد، ممانعت از هجوم دستجمعی توریستها به آن محل بود تو ریستهارا محترمانه از شتونهیگ دور کردند و نگذاشتند از کمره های شان استفاده کنند. افراد پولیس پارکینگ شتونهیگ را اشغال کرده، مانع ورود موترها میشدند واز نزدیك شدن توریستها به گورستان جلو گیری مینمودند. ضمنا به حمل سامانوابزار شان که معمولا برای تحقیق و تفتیش محل جنایت ازان استفاده میشود پرداختند. جنان مینمود که آنها شتونهیگ‌را در حال تجرید‌در می آوردند، بگو نه ایکه گورستان به کشتی شبیهه بود که لنگر آنرا برداشته و آنرا به گذشتهٔ افسانوی اش باز گردانده باشند. لوحه سنگهای سر قبر ها که بعضا تا ششمتر ارتفاع داشت، به اشباح هولناکی میماندند که زنی را در پیشگاه آنها قربان کرده باشند. به کابوس های‌وحشتناکی شباهت داشتند که از مکیدن خون زن جوان رفع عطش کرده باشند.

فاکنر با صدای بلند گفت: چه جنایت تکاندهنده که موی‌رابربدن انسان راست می سازد. در ینجا قربانی سابقه‌ندا شته و غالبا این يك عمل جنایتکارانهٔ کدام روح خبیث میباشد و به احتمال قوی ازموجودی سر زده که از لحاظ روانی بهیچوجه نمیتواند آدم‌سالمی باشد سپس با لحن نسبتا آرامتری اضافه نمود: یا کسی هست که بااین عمل وحشت انگیزش مرابه‌آن وامیدارد تااورا مرد دیوانه ای‌تلقی نمایم.

فاکنر نسبت به مرده همدردی عمیق در خود احساس نمود. جسد مربوط به زنی بود که بی پناه در جریان باد های سرد درآن محوطهٔ خاکی مربوط به روزگاران قدیم تسلیم مرگ دردناکی شده بود.

چنان جلوه مینمود که او را درمعبدی قربانی کرده باشند. دکمه های بالا پوششی باز بود. از روی پیراهن ابریشمی آبی رنگش دستهٔ کاردنسبت کاری شده معلوم میشد که تیغهٔ آن عمیقا قلبش را شگافته بود. در حدود سی سال از عمرش میگذشت. چهرهٔ لطیف وقشنگی داشت. با وصف آنکه دیگر در قطار زنده ها بشمار نمی رفت باز هم صورتش متفکر بنظر می رسید. گو آنکه به آرامی جان سپرده، به آواز های که‌دراطرافش بلند است گوش فرا داده.

فاکنر به اندیشه فرو رفت: چه عواملی این مرگ تکاندهنده را آفریده است؟

دفعتا به اثر یك تحریك مبهم دست دراز کرده، مو های زرد رنگ ودراز زن رااز صورتش دور نمود وبه آن خیره شد. مو ها بطرز خاصی در دستهای فاکنر حرکت لغزید. امافاکنر فورا ذهنیت قرون وسطی ایرا از کلهٔ خود دور کرده به شرایط عینی قرن‌بیستم بازگشت آن‌زن طبعا موی ساختگی به سر کرده بود. فاکنر موی ساختگی را از سر مرده بر داشت و دید که صورت زن را مو های کوتاه‌وحلقه حلقه در میان گرفته بود. اگرچه به اندازهٔ مو های دراز و طلایی زیبا نبود، معهذا چهرهٔ جذابی داشت .

افراد پولیس با سامان و ادوات خود ازراه رسیدند و بکار های‌عادی ومعمول همیشگی شان شروع کردند. فاکنر هم بتدریج به حال

بقیه در صفحه ۵۸

از : نیوزویک

ترجمه‌ی : رهپو

دردسر ازدیاد نفوس

از سفر پیدایش آیت۲۸ انجیل «خداوند برکت عطا فرموده وخداوند بر ایشان فرمود : پر ثمر باشید . وزیاد وپر کنید زمین را و آنرا مقهور خویشتن :بهره بگیرید از ماهیان دریا ، وپرندگان هوا وهر زنده جانی که بروی زمین می می جنبند ».

* از آهنگ ازدواج اندو نیز یا «شما هفده پسر و شانزده دختر خواهید داشت »

– از کتاب پاول هرلیچ بنام بمب نفوس.

«در حالیکه شما این کلمات را میخوانید ، پنجنفر از کودکان ، از گرسنگی مرده‌اند وچهل طفل دیگر بدنیاآمده اند .»

وضع روشن است. شهرها انباشته از مردم میشود ، دهکده‌ها بد ریخت میگردند ، بحران انرژی وچیز را در هم میکوبد کمبود غذا همه جا مشهود است،آلودگی آب وهوا بیداد میکند ،امراض ساری ، کولرا مرگ می آفریند، سقط جنین وانجمن های رهنمای خانواده بمیان می‌آید وواقعیت وحشتناك ، قحطی در صحرای افریقا، ملیو نها انسانی که در هند به خاطر قیمت بلند موادغذایی درحال مرگ‌اند ، خانواده های متوسطی که حتی در توکیو وپاریس به‌زندگی بخور ونمیر عادت گرفته اند .

تمام این تراژیدی ها تا اندازه‌ای بادرد نفوس پیوند دارد .

اگر آهنگ رشد نفوس کنونی ادامه یابد نفوس جهان تا ۳۵ سال آینده دو چند میشود این آهنگ چنین است :

سال ۱۸۰۰ به تعداد ۰٫۹ بیلیون نفر ۱۹۰۰ به تعداد ۱٫۶ بیلیون نفر سال ۱۹۷٤به تعداد ۳٫۹بیلیون وسال ۲۰۰۰ به تعداد ٦٫۵ بیلیون نفر .

بعداز پیروزی های طب بر امراض طول عمر انسان افزایش به عمل آمد واکنون بشر مانند برف کوچی که‌با هر ریزش پندیده تر می رود ، بزرگ میشود . در حالیکه نفوس جهان در سال ۱۸۳۰ به رقم یك بیلیون نرسیده بود در سال ۱۹۲۰ رقم ۲ بلیون را بدنبال گذارده وبه ۳ تا ٤ بیلیون رسید . نورمان بورلاگ‌برنده جایزه ی‌صلح نوبل می گوید :

«اگر آهنگ رشد نفوس با همین سرعت رشد نماید تمام مزه های غذا برباد خواهد رفت » .

به‌آنهم اگر با معجزه‌ای تمام خانواده های دنیا تصمیم بگیرند که فقط دو طفل داشته باشند ، آهنگ رشد نفوس‌تاقرن آینده‌ادامه خواهد یافت .

درد آورتر اینکه عدم توزیع نادرست در رشد نفوس جهانی وجود دارد . آن کشور هائی که کمتر امکان بدست آوردن غذا ، لباس وپناگاه دارند با سرعت بیشتر نفوس در گیر اند.

فراسوی سال ۲۰۰۰، ادامه رشد نفوس انفجاری‌رابمیان‌خواهد آورد که باور ناپذیر است کشورهای چون کینا ، الجزایر و کلمبیا که هم اکنون ۳ فیصد آهنگ رشد نفوس دارد باپایان قرن بیست ویك نه‌برابر جمعیت خواهند داشت .

ماه گذشته در بین امواج داغ این مطلب نمایندگان ۱۳۵ کشور در بخارست گردهم نشستند. در اینجا نمایندگانی از مترقی ترین زنان که شعار «بدنم بخودم متعلق است» تا واتیکان دور هم جمع شدند .انتینو کاریللو منشی‌عمومی کنفرانس بیان نمود که :

«کنفرانس مذکور دریك نقطه اساسی تلاشهای بشری برای تعریف وبر خورد بااین مشکل تشکیل شد.»

از لحاظ نظر این کنفرانس فیصله نامه های صادر خواهد کرد که کشور های مختلف را به اقدامات شدید توصیه خواهد کرد .ولی از همان آغاز شروع کنفرانس ژرفای عمیق‌اندیشه های مختلف ظاهر شد . خواسته های کشور های رشد یافته برای کاهش نفوس با بیانیه های‌آتشین نمایندگان کشور های در حال رشد از آسیا ، افریقا و امریکای‌جنوبی مواجهه شد . نمایندگان جهان سوم بیان کردند که مصارف‌اضافی توسط کشور های رشد یافته خطر بیشتری از ازدیاد نفوس‌دارد.یکی از نمایندگان زن‌از افریقا فریاد کرد :

«اضافه مصرف‌توسط‌کشورهای دارا از رشد نفوس خطرناکتر است. شما از ما می خواهید که دوباره به دهکده های خود برگردیم وگولی‌های ضد آبستن تان را بخوریم . چرا برای تغییری‌اقدام نمیکنند ؟.»

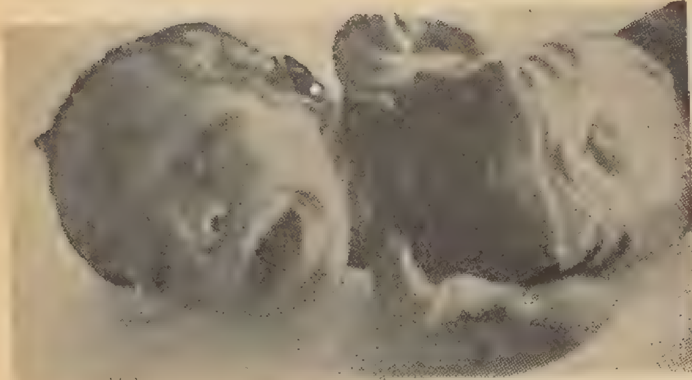
داکتر کران سینگ وزیر صحیه هند گفت : «انجمن های رهنمای خانواده تا اینکه یك توزیع عادلانه ثروت بین ملل مختلف به میان‌نیاید ناموثر است .»

تحدید رشد :

درسال ۱۹۷۲ ازطرف پوهنتون تکنولوژی مساچوست‌مطالعه‌ی در مورد تحدید رشد نفوس صورت گرفت . گرد صنعتی کاهشی در نفوس به میان آمده است واین جریان در کشور های در حال رشد نیز صدق خواهد کرد .

–برس بریکس از انستیتوت هدسن نیویارك می گوید که دنیا نیروی باروری بیشتر غذا داشته ومی تواند تا ۳۰ بیلیون نفر رابا سطح مصرف امریکا ، غذا بدهد . در کشور های در حال رشد آهنگ تند رشد نفوس پیشرفت اقتصادی را می بلعد. در مکسیکو با وجود انقلاب سبززراعتی رشد

بقیه در صفحه ٥٦



افزایش نفوس‌ممکن‌استچنین بلایی بر سر کودکان آینده بیاورد



اکنون در توکیو پایتخت‌جاپان‌چهره ها بهم فشرده‌تر میگردند

بقیه صفحه ۱۹

علی‌شیر نوایی

خویش تلفی خواهیم کرد. آنها میبایستی بانوشتن عرایض‌شکایات خودراتقدیم میکردند ،نه‌اینکه فتنه وآشوب درمرکز به‌راه اندازند! ـاگربفکر من باشد ـنوایی باوضعی حاکی‌از نوعی تبسم کنایه آمیز ادامه داد ـدیهیم خسرو انه‌را همپایه برج‌آسمان بدانید ،ونباید سنگی راکه‌به فرق موجود حریص وطماعی‌چون خواجه عبدالله خطیب میرسد ،به‌سلطنت نسبت دهید. به‌نظراین‌فقیر چنین میر سدکه شمشیر کشیدن‌برمردم نسبت شکستن‌سریك عامل بیداد گر، بتمام عناصردرنده‌خویی که‌در دستگاه وجوددارند جرأت خواهد بخشیدتاسر بلند کنند ۰اگر مردم سنگ دردست گرفته اندحتما دردی اردل دارند . باید این دردرا تشخیص نمود وباآب عدل آنرا شستشو کردوبه درمانش پرداخت .

حسین بایقرا ساکت ماند ۰اومتردد بود سپس چشمان کشیده پرتحرك خودرا بسوی شاعر دوخته باوضعی اندوهبار گفت :

ـشخص (نمك حرامی)چون خواجه عبداللـه‌را مجازات خواهیم کرد،درین باره ذره‌ای‌تردید نداشته باشید ،امااهل آشوب وفساد نیزکه آرامش دارالسلطنه رابرهم زده‌اند،نبایدازجزا معاف‌گردند ۰۰۰ اگر آنهالااقل سیاستاً به نوعی (جریمه) محکوم گردند ،منبعد ازوقوع چنین آشوبها جلوگیری خواهد شد ۰۰۰

نوایی قلباً خشنو دشد ۰برای اینکـه پافشاری بیهوده سلطان رادرهـم شکنـد، باآهنگی قاطع وجسورانه گفت :

عالم پناها ،هرگاه‌جان ومال‌جمع ،دراختیار گرگان درنده گذاشته شود وآنگاه ایشان از دست این گرگان فریاد وفغان براه اندازند، ناشنیده گرفتن صدای آنان دوراز انصاف‌و عدالت است باید آنانرابجای تهدید وسیاست مورد لطف وتفقد قرار داد ۰درمعامله‌ای‌که‌با مـردم صـور ت مـیـگـیرد نـه بـرتـیـغ و سـنـا ن بلکـه بـر نیر و ی عـد ل وداداتکاباید داشت وآنانراز چنگال بیدادو ستم رهایند ۰زیرا (جامعه)۰۰۱۰ چنان دریای عظیمی است که‌اگرطغیان کند،هم‌کاخ خسروان وهم کلبه درویشان رایکسان زیرورو میکند باید نیکی کرد درراه نیك سپرد :هـرقـدر سعادت مردم ووطن بیشتر تامین گردد ،بهمان پیمانه (دستگاه)نیزاز خطرمحفوظ خواهدماند۰

سلطان ازاظهار اعتراض دربرابر منطـق شاعر عاجز ـآمده‌بود ۰لیکن به‌صدور فیصله ای‌که بانظر یات برخی ازبیك‌ها ومشاوریـن مغایر باشد ،جرات نمیکرد ۰ازطرف دیگردر شرایطی که‌هنوز دشمن چون‌میرزا یادگارهنوز کاملاسرکوب نشده بودوروز تاروز به‌تعداد حامیانش افزود ەمیشد ،ضرورت آن‌احساس مبکردید تابهرگونه آشوب وفساد درشهـر هرات ،بسر عت‌خاتمه داده شود ۰

حسین بایقرا بازهم مدتی موضوع رامورد مذاکره قرار داد ۰

چون مطمن شدکه شاعر دراظهار اتـخـود سخت معتقد و پابنداست، سرانجام‌بالهجه‌ای قاطع‌گفت

ـنظریات شماراکاملاپذیرفتیم ،میخواهیم‌انجام این وظیفه‌خطیروحساس رابخودشما واگذاریم اگر خداوند بخواهد شخص کاراگاه وباتدبیری چون شما امنیت وآرامش پایتخت مارابزودی اعاده خواهد کرداز همین حالا بشما اجـازه میدهم تابرای‌سفر آماده شوید ۰

نوایی دربرابر این وظیفه که‌بسود مردم ودولت بود برطبق عادت همیشگی هیچگونه اعتراض نشان نداد ۰

باکورنشی ملایم رضامندی خودرا ابرازداشته تبسم کرد وآهسته گفت :

ـ این‌فقیر باچه ارمغانی نزداهالی... پایتخت ماخواهد رفت ؟وزخم دل‌آنانرا باچه درمانـی مداوا خواهد کرد ؟

حسین بایقرا بالهجه ای‌هزل آمیزپاسخ داد:

ـبتمام عالم روشن است که‌من سلطانم نـه طبیب :نوایی که‌هزل ومطایبه را دوسـت میداشت وهرنوع‌مطایبه راباوجد وشورمیشنید وسپس باوضعی متفکرانه ،پاسخی عمیق‌در برابر آن‌اظهار میداشت ،درینجـا خنـده‌ای بسنده کرد وحرف خودرا با جدیت ادامه‌داد:

ـچنان طرمیرسد که‌این فقیر ،بمجرد وصول نزداهالی پایتخت،بادست‌تهی‌نخواهد توانست به‌ارضای خاطر آنان پردازد ۰اگرمطلب خودرا روشنتر بیان داریم اینست که‌مارا بافرمان همایون سرفراز سازید ۰

سلطان باعلاقمندی پرسید :

فرمان باچه مضمونی باید نوشته شود؟

نوایی گفت :

باچنان مضمونی نوشته شودکه هریك‌از کلمات فرمان‌عالی‌چون‌خورشیدبردلهانورزندگی بپاشد ودر هرنقطه وهرسطر آن‌دریابی‌بسان دریای پرطلاطم عدالت شما،در تموج باشد۰ همچنان فرمان‌مذکور حاوی‌چنان کلماتی باشد که‌برفرق بیدادگران ومنافقان وآنانی که‌دارایی عامه راغضب کرده‌اندچون سنگباران‌فروریزد.

حسین بایقرا بدون آنکه حرفی برزبان آورد خنده‌ای زیرکانه کردوسپس درباره‌امور دیگری که‌باید درهرات انجام داده شود سخن گفت ۰هنگامیکه شاعر میخواست باکسب‌اجازه برگردد سلطان گفت :

ازهمین حالابرای سفر تدارك ببینید فرمـان مرابسرعت تهیه نموده ودردسترس شماقرار خوهیم داد .

باقیدارد

بقیه صفحه ۵۵

دردسر ازدیاد نفوس

۲ر۳ فیصد نفوس آن را بی اثـر ساخت شعار رئیس جمهورمکسیکو هنگام قبل‌از انتخابات مبنـی بـر « حکومت نمودن با نفوس زیادی‌به شعار «کنترول تولیدات »بدل شد.

به آنهم کشور های زیاد از این حقیقت چشم می پو شند .طی دوسال گذشته حاصلدهی غذا در افریقـا پائین آمد در حالیکه رشد نفـوس آهنگ ۵ر۲ فیصد را دارد . باآنهم بسیاری کشور های افریقاسیاست خانوادگی ندارند .

هند اولین کشوری بود کـــه سیاست جلو گیری از نفوس را به میان آورد ولی‌باآنهم طی دو دهـه اخیر سالانه ۱۲ ملیون نفر بـــه جمعیت آن کشور افزوده شده‌است واین برابر به تمام نفوس استرالیا است. اگر این آهنگ‌رشد ادامـه یابد آن کشور از چین که پر نفوس ترین کشور جهان اسـت در سال ۲۰۰۰ پیشی میگیرد .

سترون سازی عمومی :

حکومت هند همه اقدامات ممکن را در زمینه بعمل آورده است هـم اکنون طی پـنـجسال زیاده از ۱۰ ملیون نفر زنانرا یاعقیم یا سترون ساخته شده‌اند .

باآنهم این کافی نیست . ولی از آنجائیکه آین طرح با رشداقتصادی اجتماعی همراه نیست به شکسـت مواجهه شده است .

در نتیجهٔ ، بسیاری کشور های در حال رشد بار ملامتی رابر گردن توزیع نا عادلانه ثروت بین کشور ها ی دارا ونادار می اندازند .

رشد هرچه‌بیشتر نفوس تهدیدی است برای اقتصاد جاپان

در هند ، زنان رنـج بیشتر را متحمل می شوند .

در هند امکانات زیاد بـــرا ی خانواده ها برای جلو گـیـر ی از زایش در دست تهیه است

این چهره گرسنه تهدیدی است برای جهان پر جمعیت آینده

بقیه صفحه ۷

ارزش‌های نظام جمهوری...

اعمال و کر دار های اجتما عـــی خویش را مطابق باین رو شـــی وطرز العمل فعلی و عملی پیا مبـر اسلام (ص) عیار نکنند وآن را د ر زندگی خویش مورد تطبیق و عمل قرار ند هند، نمیتوان ایشان را در شمار مسلما نان واقعی وبرخوردار از مزا یای اساسی اسلام حسا ب کرد .

پس بنابرهمین حساب و تحلیل که آنچه پیامبر بزرگ اسلام عمـلا اجرا کرده‌اند هر چند به آن باز بان وکلمات با صراحت امر نکرده اند، جزء مقررات اسلامی وواجب ا لا ـ طاعت میبا شد، نظری می افگنیم‌به سیستم اداره و طرز حکو مت داری دران روز گار.

محمد (ص) از انجا ئیکه تنها و دور از همه طرف و حی و فر ما ن الهی قرار گر فت و خـــداوند (ج) اورا دستور داد وبا متا نت‌وشهامت کامل کمر بندد و در راه اصـــلاح جهان آشفتهٔ بشر یت، بدون اندیشه وهراس از هر گونه پیش آمـــد و حوادث نا گوار، پا بمیدان گذا رد وبزرگترین ایثار و فدا کاری آنهم بخاطر دیگران از خود نشان بد هد، او کارش را مطابق بد ستور آغا ز کرد و دیری نگذشت که یکعـــده عناصر حق‌شناس و حق پسند، یکی بعد دیگر بدو را او حلقه زدند و از دستو رات وی پیروی کر د نـــد وآئینش را با جان پذیر فتند واین عمل در حقیقت امربیعتی بود کـه بدون اجبار وا کراه نسبـت بو ی نشان دادند.

محمد (ص) سمت زعامت‌ورهبری تودهٔ اسلام را در دست دا شت ولی زندگی او فرقی از زند گی افر ا د عادی نداشت، مانند هر شخـــص دیگر غذا تهیه میکرد و جز یکنوع غذا دریك وقت صرف نمی نـمود، شخصی که او را نمی شنا خت و ناگهان وارد مجلس و صحبت و ی میگردید هیچ نوع فرق و امتیا ز ی میان او واطرا فیا نش از حیـــث برتری ها و فوارق مادی مشا هده نمیکرد زیرا پیامبر اسلام با اهـل

بقیه در صفحه ۵۹

بقیه‌صفحه ٤

اظهارات بی‌اساس نماینده پاکستان را رد کرد

است • ومدعی شدکه‌این کار در موافقتنامه سال ۱۸۹۳ (معاهده دیورند) صورت گرفته است وحکومات افغانستان همیشه آنرا قبول کرده‌اند• بناغلی آخند گفت مردم سرحدشمال غرب هنگام تاسیس پاکستان ازحق تعیین سرنوشت استفاده کرده اند ودرین مورد ریفراندم سال ۱۹٤۷ راکه در ولایت‌سرحد صورت گرفته، برای اثبات ادعای خود یاد آوری نموده ومدعی شد که۹۹ فیصد مردم پشتون طی این ریفراندم بطرفداری الحاق به‌پاکستان رای دادند•

بناغلی آخند بااشاره به بیانات معین سیاسی افغانستان راجع به سیاست خشن و دور از انسانیت پاکستان دربلوچستان گفت‌که نماینده افغانستان گفته است که حکومت پاکستان برمردم خودظلم میکند درحالیکه حکومت پاکستان نه‌تنها بر مردم خود ظلم نمیکند بلکه می‌خواهد مناطق ومردمی راکه قرن ها تحت سلطه‌ملوك‌الطوایفی بسر برده اند،نجات‌بدهد•

وی‌گفت حکومت پاکستان تنها در حالاتی متوسل به‌قوه میشود که مخالفین ازراه‌تشدد پیش می آیند واین تشدد را ارسال‌اسلحه واعزام خرابکاران تربیه شده از ماوراء سرحد ، ممکن میسازد•

بناغلی عبدالرحمن پژواك سفیر کبیر افغانستان دردهلی جدید که بحیث مشاور هیات افغانستان در جلسات بیست‌و نهم مجمع عمومی ملل‌متحد اشتراك نموده است ، طی پاسخی به‌گفتار نماینده دایمی پاکستان در آخرین روزبحث عمومی مجمع‌عمومی ملل متحد چنین گفت:

درپایان جلسه کامله دیروز نماینده پاکستان بیانیه‌ای ایراد و هیات افغانستان حق جواب خودرا محفوظ نگهداشت تا حقیقت آنچه رانماینده پاکستان بصورت نادرست ارائه کرده بودتقدیم نماید •

از آنجاییکه موضوع پشتونستان هنوز شامل آجندای ملل‌متحد نشده است بیانیه من در مرحله فعلی مختصر خواهد بود•

اولا میخواهم هرگونه حسن نیتی را که بتوان دربیانیه نماینده پاکستان در مقابل مردم افغانستان یافت مقابلتا جواب بالمثل بدهم•

ثانیا میخواهم مطالبی راکه بتاریخ ۷ـ اکتوبر معین سیاسی وزارت خارجه‌افغانستان در بیانیه خود گفت ونماینده پاکستان به‌آن جواب داد یکبار دیگر تایید و تاکید نمایم • درحالیکه این بیان نماینده پاکستان راکه حکومتش حاضر است روی هر مسئله ای که بر روابط دوکشور تاثیر وارد میکند مورد مذاکره قرار بدهد حسن استقبال میکنم میخواهم درعین حال این حقیقت انکار ناپذیر رانیز تاکید کنم که خوشبختانه بین ما هیچ موضوعی که بر روابط دو کشور تاثیر کرده وباید مورد مذاکره قرار بگیرد وجود ندارد بجز از موضوع پشتونستان وحقوق حقه وانکار ناپذیر پشتونها و بلوچها •

ماهمواره اظهار نموده ایم که‌این یگانه اختلاف سیاسی بین دو مملکت تنها موضوعی است که باید مورد مذاکره قرار گرفته وازطریق مسالمت آمیز حل‌گردد•

نماینده پاکستان گفت که معین وزارت خارجه افغانستان برای آنان این احساس ناگوار راگذاشته است که افغانستان بالای بعضی اراضی پاکستان ادعا دارد . افغانستان هیچ نوع ادعایی بر هیچ قسمتی از خاك پاکستان ندارد.

وقتیکه معین سیاسی وزارت خارجه‌افغانستان به‌خاکهای غصب شده اشاره کرد منظورش به هیچ صورت خاك پاکستان نبوده بلکه بصورت آشکار اشاره بسرزمین هایی کردکه توسط قوای نظامی یك قدرت استعماری مدت هاقبل از موجودیت پاکستان از افغانستان جدا ساخته شده بود یعنی آن سرزمین هایی که‌بعد از انقسام هند مورد ادعای پاکستان قرار گرفته و تاحال تحت اشغال پاکستان میباشد افغنستان این‌خاکهارا هیچ وقت جزو پاکستان نشناخته است •

آنچه معین سیاسی وزارت خارجه‌افغانستان گفت ودر مسجلات جلسه ۷ـ اکتوبر مجمع عمومی درج گردیده چنین است که :افغانستان کاملا ذیحق بود اراضی ازدست رفته خود رادوباره مطالبه کند مگرافغانستان این کار را نکرد زیرا افغانستان عقیده داشت که‌باید حقوق مردم این‌سرزمین ها شناخته شده وبراساس اراده آفیصله خودشان احترام گردد. این موقفی نیست‌که افغانستان جدیدا ویاحتی در این‌مجمع تازه اختیار کرده‌باشد •

بتاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹٤۷ هنگام شمول پاکستان در ملل متحد طبق داکومان رسمی ملل‌متحد افغانستان عین موقف را اتخاذ نموده وعین نظر را اظهار کرد•

نماینده پاکستان به‌علامه گذاری سر حد بین افغانستان وپاکستان اشاره نمود درزمان علامه گذاری خط نام نهاد دیورند پاکستان اصلا وجود نداشت • آن سر حد بواسطه قوای نظامی یك قدرت بزرگ استعماری بالای افغانستان تحمیل گردید • ومعاهده که به‌آن‌اشاره‌کردتحت فشاربرافغانستان تحمیل شد درحالیکه ملت افغانستان در مقابل آن عدم رضایت شدیدی نشان داد•

بعد از غصب اراضی مذکور هیچگاهی ساکنین آن با اشغالگران استعماری درصلح بسر نبرده وتاامروز نیز بمجادله خود علیه پاکستان ادامه میدهند•

نماینده پاکستان مدعی شد که در وقت ظهور پاکستان بحیث یك دولت مستقل و صاحب حاکمیت ریفرندمی صورت گرفت وبیش از ۹۹ فیصد آراء بطرفداری پاکستان داده شد تمام سوابق‌واسناد نشان میدهد که کمتر از ۵۰ فیصد نفوس ساحه تحت اداره بریتانیا درراى دهی حصه گرفتند و هیچ کسی ازسرزمین های آزاد وقبایلی که خارج حدود اداره بریتانوی بود درراى دهی شرکت نکرد• زعما ومردم ساحه تحت اداره بریتانیا رسما باریفرندم نام نهاد باین دلیل مقاطعه کردند که بایشان صرف دو انتخاب متکی برملاحظات دینی داده شده یعنی پیوستن به‌پاکستان ویاهند ودیگر راه ها مخصوصا تشکیل یك دولت مستقل بروی ایشان‌مسدود بود •

سیاست ظلم پاکستان بالای پشتونها وبلوچها ازمسایل مشهود روزمیباشد . حق بجانب نشان دادن این پالیسی حکومت پاکستان به‌بهانه این ادعا که بعضی قبایل پسمانده را از انزوای چندین قرنه و یوغ ملوك الطوایفی نجات میدهند ونماینده پاکستان آنرا در این مجمع شرح داد تکرار استدلال قدیمی استعماری است که اکثر نمایندگان حاضر این مجلس باآن آشنایی کامل دارند•

نماینده پاکستان گفت منظور حکومتش این نیست که اهداف خویش را با استعمال قوه علیه مردم خود تعقیب کند میترسم این گفتار خاطره آنچه رادر بنگله دیش رخداد درذهن مازنده نکند•

بناغلی رئیس :

قبل از آنکه به‌گفتار خود خاتمه دهم میخواهم ادعای نماینده پاکستان رامبنی بر اعطای سلاح واعزام گیریلا ها از ماوراى سرحد جدا ردنمایم این اتهام کاملابی اساس است •

بقیه صفحه ۳۳

دسته‌های گل

میساخت ... این مطلب رااز‌این جهت گفتم که‌شما را یك کارآگاه زیر دست میشناسم•

سرمامور آدرس آن‌مرد رااز زن مسن گرفت وخدا حافظی کرد •

* * *

مردیکه دررا برای سرمامور پولیس گشود ،تقریباً سی سال داشت •

عینکی بچشم وکتابی بدست داشت وخودرا بنام (تیری مارتینسن) معرفی نمود •

پولیس وارد منزل شد ودر ورودی راعقب‌خود بست •

وی توانسته بود بدون اجازه نامهٔ رسمی وارد منزل‌شخصی‌شودوبدین‌صورت‌درآینده کسی‌علیه وی اقامهٔ دعوی نخواهد کرد که بزور وارد منزل گردیده است

مارتینسن پیاله قهوه را بپولیس تعارف نمود وسرمامور نیزآنرا ردنکرد •

هنگامیکه صاحب منزل برای خودش قهوه می‌آورد ،پولیس فرصتی یافت تا بکنجو کنار اتاق نظر اندازد •کتابی رااز بین الماری‌بیرون کشید ،نگاهی بعنوان آن‌انداخت وبسا ورود مجدد مارتینسن ،آنرا دوباره بجایش نهاد•

وقتی قهوه نوشیده‌شد ،مردعینکی پرسید:

ـ چه خدمتی میتوانم بشما انجام بدهم :

ـ لطفاً بمن شرح بدهید که‌خانم سابق شما چرا انتحار کرد ؟

مارتینسن نگاهی بزمین افگند وبعد بسوی سقف اتاق دید وآهسته گفت :

ـ خیال میکنم شما نخواستید درین مورد نزاکت امر مراعات شود •

ـ اوه ،معذرت میخواهم •گاهی وارد شدن ازطریق معمول واز راه در ورودی مفیدتر ومناسبتر است نسبت‌به‌آنکه انسان مانندکربه بعین منظور ازلای پنجره ویاکلکین خودراپرت کند وپایش روی تابه داغ بچسپد •

ـ خوب ،بفرمایید •

ـ آیا میدانید ،سوزی چرا خودکشی کرد؟

ـ هم‌هان‌وهم‌نه ...وی‌نامه‌ای بمن گذاشت ولی درآن نامه‌هم حرفی‌در ینباره نزده است•

ـ درنامه چه نوشته بود ؟

ـ نوشته بود ،خجالت میکشد که چنین زندگی دارد وتاکید کرده بود که‌من یگانه‌مرد پاك‌در حیات‌او بودام که‌باان‌صفاووفا بامردیگری مواجه نشده است ... میدانستم که‌سوزی هرکاری دلش بخواهد فورا انجام میدهد •

مردعینکی بعداز لحظه ای‌سکوت ،افزود :

ـ میدانیدآقای‌پولیس‌سوزی خیلی‌زیبابود•

ـ آری میدانم •

ـ زیبایی وی ،اساس همه ماجرا وبدبختی های وی بود ،سوزی متناسب به‌زیبایی خود رشد نیافته بود،یعنی معنویات وی،عقل‌وشعور

بقیه‌درص ۵۸

بقیه صفحه ۴۰

جوانان وموزیک

البته با ید گفت ار کستری کـه برای جوانان و کود کان تقد یـم میگردد توسط ار کستر سمفو نـی بر لین تهیه و تر تیب شده‌است در عکس‌شمایك‌عده ازشنو ند گا ن وعلاقمندان مو سیقی را می بینیدکه به گفتار معلم مو سیقی به دلچسپی وعلا قمندی گو ش داده و میتودهای جدیدی که در راه تر بیه جوا نا ن به موسیقی تدوین گردیده ا ست توسط معلم و متخصص مو سیقی می آموزند.

هنرمندجوانیکه...

کنده کوچك بلوطچیز پیش باافتاده یی بیش نیست ولی‌استعداد هنری این هنر مند آنرا شکل میدهد . به گفته شاغلی رسول زاده روز ها در چوب فروشی‌ها قدم میز ند ودر جستجوی کنده چوبی که‌بتواند بزلم خودش ازآن اثری به وجـود بیاورد چون کاوش گری تو ته های چوب را زیر ور و مینماید تا اینکه بتواند به دریافت شیء مطلو بـش موفق شود .

از شاغلی رسول زاده پرسید م آیا تاکنون کدام اثرش رابه مسابقه گذاشته وبرنده جایزه شده ا ست وی در جواب اظهار نمود در جوایز مطبوعاتی سال جاری یك اثـر م رابنام (صندوقچه آلات مو سیقی ـ افغانی) به نمایش گذاشتم که‌حایز جایزه شناخته شد. این اقدام نیك وزارت اطلاعات وکلتوررا برای تشویق بیشتر هنر مندان مورد تمجیدقرار داده یقین کامـل دارم بـعد از یـن درپرتو ارزشهای نظام نوین هنر و و هنر مندان کشور بیشتر ازبیشتر تشویق خواهند شد .

بقیه صفحه ۴۵

درخشش پهلوانان

کمبود های درزمینه سپورت داریم گرفتن مدال برونز آسان نیست . اوگفت ریاست المپیـك باطرحها وپروگرامهای علمی‌وتازه که‌باسیستم بین المللی سپورت مطابقـت دارد آینده امیدوار کننده رابرای ورزش درکشور بوجود آورده است .

کار متداوم‌ورزش کـاران تـلا ش پیگـیر آ نـها و از هـمه با لا تـر تشـو یق و مسا عـد سا ختـن شرایط تا حدود مالی که ریـا ست المپیـك دارد چـهـر ه ورز ش رادگر گون خواهد ساخت .

بقیه صفحه ۵۴

قربانی درمعبد

عادی بر گشت. مانند یك ما مو ر پو لیس جنایی بر خود مسلطگردید دستکو لی را که زیر پای جسد به روی ز مین افتاده بود، بر دا شته به‌تفتیش محتویات آن پرداخت . چیز جالب تو جه در بین د ستکول ورقهٔ تلگرامی بود که بـه آ در س خانم الکساندر چر میچل ـخیا بان کینگ ۲۰ زالسبوری. متن تلگرا م ازین قرار بود:

ساعت ۹ امروز شام در محـل پار کینگ شتون هیگ بهم‌میبینیم جدیست.

فاکنر آهسته با خود گفت، پس این ملاقات تلگرامی قرار گذا شته بود. منا زعه دو جنس. متن تلگرام بالباس قشنگ ابر یشمی وموهای ساختگی صدق می کرد.

فاکنر یك نفر را را بنام هو گ نزد خود فرا خواند.

سر جنت پولیس مردی بودچاق باموهای سرخرنگ ،رنگ صورتش هم به گونی بود که گمان می رفت، خون بدنش در صو رت او جمع‌شده باشد. هوگ به تنا سب که سـن وسالش بسیار جوان معلوم میشد وقتی هوگ نزدیك آمد، فا کـنر خطاب به‌او اظهار دا شت : اینـر ا باخود بردار، در اداره آنرا مطا لعه میکنیم و در باره اش حر ف مـی زنیم .

پس ازان تلگرام را به سرجنت سپرد و همچنان دستکو ل و مو ی ساختگی را به او داد واضافه نمو د: اسلحه را با ید فورا مورد بر رسی قرار داده زود تر بمن را پور تسپیه کنید.

فاکنر آنقدر معطل شد تا دا کتر طب عدلی کارش را تمام کرد. آله قتاله همان کارد بود. قاتل بـه احتمال قوی آن زن را در جایی که جسد قرار داشت به قتل رسا نده بود. قتل درحـدود ساعـات نـه و دوازدهٔ همان شب اتفاق افتیده‌بود.

سرجنت پولیس با کارد نـز د اکنر برگشت و گذا رش داد: هیچ چاپ ونشان انگشت بـه روی آ ن وجود ندارد.

رئیس پو لیس سری تکان دا د، کارد را از معاونش گر فته د رجیب بالاپوشی خود گذا شت وبه هوگـت گفت: شما معلو مات کنید که چـه کسی تلگرام را فر ستاده است . ضمنا از هـمسایه هـا و ادارات چر میچل ها نیز در باره زن‌وشوهر کسب معلو مات نما یید. من مـی خواهم بدانم که دیروز را خانـم چرمیچل به چه کاری مشغول بو د؟ البته پسانتر شما را در اداره مـی بینم.

بقیه صفحه ۵۷

دسته‌های گل

وی نمیتوانست بقد ر‌جذابیت ظاهری وی‌برسد مردان خواه مخواه بسوی وی‌کشیده میشدند، ولی سوزی نمیدانست باآنهمه مشتاقان‌خودش چه‌معامله ای‌بکند وچگونه‌خودش راحفظ نماید.

ـ همیشه ازتوفرار میکرد ؟

ـ دیگر کاری ازدست وی ساخته نبود. سوزی خیلی سعی‌کرد بامن وفادار باقی بماند **ولی نتوانستودر حقیقت‌طریقه آنرا نمیدانست** عادت هم‌نداشت در روشنی عقل وخرد دیگران حرکت کند کارهای من‌که بذوقشس موافق نبود ،قدم بقدم اورا ازمن فاصله میداد.

پولیس نگاهی بچهره مرد عینکی افگنده، پرسیـد :

ـ شما واقعاً اورا دوست میداشتید ؟

ـ بلی. حتی بعدازجدائی هم‌اورامیپرستیدم

ـ پس چرااز‌هم جدا شدید ؟

ـ برای ننگه وجودمردان دیگر رادر حریم اوتحمل نمیتوانستم .

باوصف آن‌هرگز ازسوزی متنفر نبودم ،حتی‌از مردانیکه باوی آمیزش داشتند نفرتی نداشتم، صرف چنین وضعی رانمیتوانستم بیش ازآن تحمل کنم .

سرمامور پولیس آنچه را میبایست بداند، دانسته بود ،میترسید که‌درین لحظه وقارمرد عینکی باریختن‌قطرات اشك صدمه ببیند. ولی اوباچشمان بی‌فروغ‌بسوی‌وی‌دیده، عکس‌العملی نشان نداد .

پولیس باصدای خیلی آهسته اظهار کرد:

ـ پس شما اورا کشتید ،همنطور نیست؟

ـ بلی

ـ تفنگچه کجاست ؟

ـ درکشوی میز .

سرمامور پولیس مظفرانه بلند شد ،اتاق رادوروزد وسلاح کشنده رااز روی کتاب نازك قهوه‌ای بوسیله دستمال برداشت تاخطوط انگشتان قاتل ازآن زدوده نشود .

مارتینسن باصدائیکه بیشتر به‌زمزمـــه شباهت داشت ،گفت :

ـ کتاب‌قهوه‌ای‌که‌دیدید،مجموعه‌یاداشتهای اوست وهمین یاداشتهابود که‌مرا به‌مشخصات مردانیکه به‌وی تجاوز کرده بودنـد ،آشنـا ساخت

سوزی‌اسم و آدرس‌وقیافه وخصو صیات‌اخلاقی همه را دریاداشتها ذکر کرده بود.

سرمامور پولیس کتابچه رابرداشت وآنرا ورق زدسپس اظهار کرد :

ـ اسم من‌هم درینجا ذکر شده ... پس چرا مرااز بین نبردید ؟

صدای مارتینسن دیگر کاملا آرام وبدون هیجان بود :

ـ کاری که‌از دستم ساخته بود ،کردم‌و عاشقان اورا نابود ساختم .

ـ وچرا مرانابود نکردید، آخرمن جزآنان بودم ؟ !

ـ قبلا تصریح نمودم ، ازمردانیکه نبود شان کردم ، هرگز نفرتی بدل نداشتم وهم هیچ دلیلی برای کشتن شما وجود نداشت، آقای پولیس .

صدای مارتینسن آهسته ترشدواو افزود:

ـ شما برای سوزی گل میفر ستادید .

ـ چی ؟

ـ ... وشما درآن‌میانه یگانه کسی بودید که‌دسته گلی برای تدفین سوزی فرستادید...

مارتینسن دیگر نتوانست تعادلی خودرا حفظ کند ،از هردوچشمش سیل اشك جاری شد وروی صحن اتاق درغلتید ...

(پایان)

حضرت عبدالله بن عبدالله ..

در روایات است که وقتیکه آن الفا ظ عبدالله بن ابی که (عزتمند ذلیل را بـــدر حوا هد کرد) بگوش پسر ش حضرت عبدالله بن عبدالله رسید چون این مرد مسلما ن مخلص بود فورا شمشیرکش میده نزدپدرش ایستاد وگفت :(تا زما نیکه اقرار نکنـــی که رسول خدا عز تمند و با و قاٰ ریست وتو ذلیل و خوار هستی ترا زنده نخوا هم گذاشت و نه در مدینه اجازه ای د خول خواهم داد) . **بالاخـره بـالای او اقـرار** کرد که عزتمند رسول خداوایما ندا را ن است .تفصیل این مو ضوع را قرآن کر یم در سورهٔ منا فقین بو جه نیکو بیان‌نمو ده است.

زمانیکه تحریکات منا فقین بسمع حضرت عمر «رض» رسید به پیغمبر اسلام گفت:عبا بن بشر را ماموریت د هید تااورابکشد.

روایت است که اسید بن خضیر بـــــه پیغمبر اسلامٌ گفت: یارسول‌خدا چه‌باری‌ازدر نرمی پیش آئید چه بدون شك خدا ونـــد شما رابجهـر هنما ئی مخلو قات فر ستا ده است،اقوام و دوستان وی اراده دارند تا از مهره و دانه‌های زینتی تا جی را منظـــــم سا خته بسر وی بگذارند و او گمان می‌کند که‌شما سیادت وقیادت اورا سلب می کنید.

بعد از آنکه نقشه ها و پلانهای‌منافقین افشاء شد وی خواست داخل مد ینه شو د ولی پسر ش حضرت عبدالله از د خـــو ل آن‌مانع‌شده گفت :استاد شو قسم بخـــدا تازمانیکه خدا ورسول به‌خودت آجازه ندهند بمدینه دا خل شده نمی توا نی پیغمبر خدا از موقف‌آن واقف شده اجازهٔ دخول برا یش داد ، همانبود که پسرش راه پدر را باز گذاشت و او وارد مدینه شد.

پس ازچندی میان مسلما نان شا ئع‌شد **که‌پیغمبر علیه‌السلام اراده قـتل این‌منافق** خائن رآداشته بمسلما نا ن اجازه دا د ه اند.پسرش حضرت عبدالله که از ایمان‌قوی بهرهٔ کافی داشت ازین نیت رسول خدا«ص» اطلاع حا صل نموده نزد پیغمبر اســـــلام **رفت‌وگفت : ای پیغمبر خدا(ص) بمن خبـر** رسید کـه شما ارادهٔ قـتل پدرم عبدالـــله بن ابی رآ دارسیده اگر شما اراد ه ایـــن کار رامی کنید بمن‌امر نمائید‌تااورابد ســت خود کشته سرش راازسر جدا سازم .قسم **بخدا که میان خراج شایع است کـه لسبت** **بمن نیکو کارتردرمقابل پدر کسی نیســـت** من اندیشه دارم که کسی را بجز مـــن درین امر ما مور سازید و وی او رابکشد، وجدانم‌مرا‌آجازه نمید هد که **قاتل پدرم‌میان** مردم بگردد و من او رانکشم **مجبور می‌شو م** بقتل کافوی‌مومن‌را بکشم و داخل دوزخ‌شوم

پیغمبر اکرم و حکیم مصلح در جـــواب گفتند :چنین نیست بلکه ما آرزومند آنیم که باوی او در نرمی پیش آئیم **تا صحبتش** نیك‌شود ،سپس فر مودند : **با پدرت نیکی** **کن‌وجز نیکی ازتو چیزی نه بیند .**

سرانجام‌این صحابه‌ای مبارز نعمت ودرجهٔ شهیا د ت را در معرکه یما مه درسال۱۲ه نائل‌شده‌سر مشق خوبی بدیگرا ن گو دید ، انا لله و انا آلیه را جعو ن .

ارزش های نظام جمهوری ...

مجلس خو یش چون رفیق خا لص وبا صداقت بود ساده می نشست وساده بر میخا ست و احساســـس بزرگی و زعامت و ریاست هیچگاه در تخیلش دور نمیکرد .

دورهٔ پیا مــبری و مبــا رز ا ت اصلاحی محمد (ص) همه دریك راه وبرای تا مین یك هدف عا لـــی و بزرگ به پایان ر سید که عبا ر ت از اصلاح عقاید و نحوهٔ پذ یر ش ذهنیت ها و تثبیت مر کز اساسـی ومبدا **اصلی آفزایش** و تحقـــــق بخشیدن بکرامت انسانی و آز ا دی افکار از قید او هام و خرا فا ت‌بود این دوره، مر حلهٔ اسا س گذا ری اصل عدالت اجتماعی، مسا وا ت ، آزادی، صیا نت حقوق و منا فـ‌ع تعیین حدود ملکیت ها، تثبیـــــت وظایف و مسئو لیت های اجتما عی مبارزه بر ضد هرنوع ظلم احجا ف وغا ر تگری به حساب می آید.

این دوره در کمـــال پیر و ز ی وظفر مندی آنگو نه که نصیـــــب هیچیك از مصلحین و ر هبرا ن‌نامی تاریخ بشریت‌نگردیده بپایان رسید وپیامبر بزرگ اسلام از جهان ما بجهان جاویدان رخت بستند و ا ز نگاه انسانها پنهان شد ند، امـــا تعالیم حیات بخش دینش را بحیث بزرگترین میراث و یگانه عا مـــــل منحصر بفرد سعادت بشریت د ر میان انسانها گذا شتند همچنا نکه در روز گار حیات خو یش خطا ب بمردم فر مود: «در میان شمادوچیز راگذاشتم تاآنکه مطابق به‌آن‌هاعمل نمائید سعا دتمند و ر ستگـــا ر خواهید بود ولغزش وتــزلزل در زندگی شما راه نخواهدیافت وآن دوچیز عبارت است‌از قرآن و روش های قو لی وفعلی پیامبر الـــهی .»

هنگا میکه آنحضر ت (ص) د ر آخرین لحظات حیا تش قر ارداشت یاران وطرا فیان او بخاطر اینکــه وضع جهان پس از او چه خوا هد شد واوضاع اجتماعی در چه شکلی در خوا هد آمد، در هراس واندیشه بودند ازینرو محتر مانــه عـر ض کردند که چه میشود اگر لطـــف فر موده ز عامت مردم را پس ازخود تان‌بدیگری نا مزد ومشخص‌فرمائید زیرا این یك واقعیت بود که ا گـر محمد (ص) این مسئو لیترا حودش بصراحت به شخص دیگر ی‌تفویض میکردند، همه مردم بدل و جان‌ازوی پیروی میکردند و مجالی بـــــرای هیچنوع پیش آمد نا گواری از ین ناحیه باقی نمی ما ند، ولی پیا مبر اسلام (ص) از آنجائیکه دین‌اسلام آزادی‌کامل وحق انتخاب بـــرا ی مردم بتمام معنی مشروع آن قا یل شده بود باین تقا ضای ایشان‌پاسخ مثبت نداد و بدون آنکه و ظیفـــهٔ خلاف و زعامت را خو دش بردیگری نامزد کرده با شد به خا لقــــش پیوست وبدین تر تیب امور مر د م را بخود مردم گذا شت تا خو دشان هر کسی را که مـطـابق اراده و خواهش شان با شد باینکارانتخاب نمابند.

باقیدارد

۲۳ مخ پاتی

دخوب اوخوب لیدلو

آیا دخوب تعبیر درست دی؟

خوبونه دتعبیر له مخی له ډیری پخوا زمانی څخه راپدیخواتر څیړنی لاندی نیول‌شوی دی‌اود خوب تحقق پیدا کولو ته دانسان له ژوند سره پوره پا ملرنه شــوی ،خوب تعبیر ډیره اوږده سابقه لری .**ځینی وایی** چی ټول هغه خوبونه چــی لیــدل کیږی انسانانو ته‌د هغوی دراتلو- نکی ژوند په باب پوره معلومات ورکوی خو څوك نشی کولای چـی لیدل شوی خوبونه ټیك په‌یاد ولری څوچی سم تعبیر کړای شی اومعنی ځنی واخستل شی .

خوبیا هم دځینو مشخصو حالاتو یااجسامو لیدل په خوب کی هر یو خاص کلاسیك ،تعبیر لری لکه‌داچی آس ،میاشت، ماهی دنیکمرغه ژوند لپاره ،اوبن ،سره غوښه ،او بندی- خانه (جیل) دمړینی لپاره، مړینه د اوږد ژوند لپاره ،رنی اوبه، گــلانه، وینی دنیکنامی لپاره، ژړا دخو ښی لپاره سره او سپین زر او پیسې د بنځی کولو لپاره دغنمو ډوډی‌داولاد دپیدا کیدو لپاره ،خوشحالی لوخندا دغم لپاره خړی اوبه تور رنگونــه سپی اوتیاری دبدمرغی لپاره، سپی مار، لړم اونور ځناور ددښمن‌لپاره، دسترو کسانو لیدل دلوړتیا له‌پاره اوډیر داسی نور سمبوالونه ټاکـــل شوی دی. خونشی کیدای چی‌حتی به‌سلو کی لس هم پری اعتماد او ډاډینه وکړای شی یعنی داچی کــه دمثال په ډول څوك سره او سپین‌زر په‌خوب کی ووینی نوخامخا دی‌بنځه وکړی ندا درسته نده .

خو هغه عقاید چی اوسنی اکثرا پوهان یی لری زمونږ هغی لومړی خبری ته وړته بریښی چی که خوب په پوره پوره توگه اوله ټولو جز- ئیاتو سره لادرك اوپه خاطر کښی وساتل شی نوکیدای شی‌چی‌دانسان دراتلو ونکی ژوند دځرنگوالی پـــه ټاکلو کی څه ناڅه مرسته وکړی‌او یاخو داچی انسان ته څه خبر داری ورکړی .

ځینی پوهان پدی نظر ټینگ ولاړ دی چی مختص سمبو لـونـــه ټولو لپاره یوشان معناوی نه‌لـــری شی، دمثال په‌توگه هر هغه څوك‌چی په‌خوب کی ووینی چی مخ‌په لــوړه روان دی نو ټولوته دډې معنا لــری چی دهغه حیثیت اومقام مخ‌په لوړ والی‌دی نوکه‌هر څوك داراز خـــوب وینی چی مخ‌په لوړه خیږی نو همدا معنا‌ئوی افاده کیږی .نو ځینی نور پوهان پدی عقیده دی چی خوبونـــه دهر هرچا لپاره بیل بیل باید افاده شی اوهر څوك باید پخپل خوب‌کی دیوی معنا لپاره ځانته سمبول‌وټاکی دمثال په توگه بنایی چی‌که څـــوك سمسوز باغ په خوب کی ووینی،نو باید دیوه تن‌لپاره، دخوښی ډبـــل لپاره دنیکمرغی اود یوه بل لپــاره هوساینه افاده کاندی ،خو له دی‌امله چی‌بیا هم داټولی معناوی څه ناڅه سره نژدی دی نوکیدای شی چی‌بیا هم‌وویلو هغه درسته‌ده چی‌په خوب کی‌د یوه مالو مداره څیز لیدل‌یواځی یوه کلی معنا لری چی‌بیا جزئیات یی دافرادو له‌نظره بیل بیل تعبیر کیدای شی .

(پای)

(۱۷۶۶–۱۸۳۴) بود. وی چنین اظهار عقیده میکرد که نفوس جهان باساس هندسی و حاصلات مواد غذایی بصورت حسابی بلند میروند در نتیجه این تیئوری غیر متنا سب کمبود مواد غذایی عمیق تر شده ودایما بشرورا به گرسنگی تهدید میکند چه مالتوس اشتباهی کرده باین آمدن پروسس دیموگرافی وهمچنین امکانات حاصلات بهتر مواد غذایی با تخنیك جدید و علوم زراعتی را درنظر نگرفته بود اشخاص مابعد مالتوس ملتفت شدند که حتی جنگ، امراض، فقر وناداری و بعضی دیگر از آفات سماوی نیز علل گرسنگی شمرده میشوند.

در کشور های متصرفه علل زیادی دارد که بزرگترین اسباب آن ضعف اقتصادی و تخنیکی میباشد اکثرا زراعت محلی این کشور ها جهت مواد خام واحتیاجات کشور های استعماری بمصرف میرسد که آهسته آهسته و ضمحاصلات زراعتی کشور های مذکور روبه خرابی گذاشته و برهم میخورند از طرف دیگر کشت مونوکلتور (زرع یك نوع نبات در یك ساحه) نباتات صناعتی جهت تهیه مواد خام صناعتی برای کشور های استعمار حفظ رفومهای موجوده‌شان ودرآوردن زراعت در چوکات معینه، خرابی وعقب ماندگی کشاورزی کشور های مذکور گردیدند. نداشتن صنعت، فشار ممالك مترقی بصادرات و حاصلات زراعتی ونباتات صناعتی جهت پیشبرد و تقویه صنایع کشور های مترقی زراعت ممالك افریقایی را متضرر ساخته سبب فقدان مواد غذایی میگردد. علاوه برآن تقسیم غیر مساوی یا نه عایدات ملی در بین طبقات اجتماعی سستی کار دراثرکمبود مواد غذایی کالوری وهم مصرف غیر عادلانه مواد غذایی بین طبقات مختلفه اجتماعی وغیره قسمت اعظم نفوس این بر اعظم را مبتلای گرسنگی ساختند.

امکانات از بین بردن گرسنگی :

بنابر احصائیه های مختلفه ممکن است بصورت ماکسیمل برای بیست ملیارد یا بیست و هفت ملیارد و حتی ۱۵۷ ملیارد(سکنه سیاره‌ی ؤ مواد غذایی تهیه کرد. پیشرفت علوم با طرق جدیدی توام

صفحه ۶۰

بقیه صفحه ۵۳

چراجوامع بشری..

با صنعت میتوان راه‌های غیر محدودی راجهت تهیه مواد غذایی بدست آورد که باساس آن بسرعت تولیدات زراعتی را بلند برد. گرسنگی واضح میسازد که تا حد امکان از انرجی و توده غیر قابل ملاحظه روی زمین طوریکه لازم است استفاده نشده است.

باساس اف،ای،او میتوان زمینهای قابل‌زراعت راتقریبابه ۵۱۰ ملیون هکتار بلند برد که منجمله دو صد ملیون هکتار در افریقا، یکصدو بیست‌ملیون هکتار درآسیا واتحاد شوروی، یکصدو ده ملیون در امریکای شمالی و شصت ملیون در امریکای جنوبی. مثال خوب امکانات بزرگ آن نواحی زمین های پست امازون، حوضه آبی دریای کانگو است که نواحی دارای خاك خوب و آبیاری بهتری میباشند حتی میتوان نواحی نمکسار و قسمتی از صحاری را که ۲۵ فیصد ساحه خشکه را دربر گرفته اند تحت آبیاری وزراعت گرفت‌طوریکه بندهای هایدرو تخنیکی را بالای دریاها اعمار و آبهای ابحار را از نمك تصفیه و مورداستفاده زراعت قرار داد.

ازدیاد تولیدات زراعتی در نواحی قابل زرع خیلی مهم است مشروط بر اینکه از قوت زمین طوریکه لازمست استفاده شود در غیرآن یك حاصل غیر متناوب در کنتال یك هکتار زمین رخ میدهد. در این جاه ملاحظه میکنیم که حاصلات از هر هکتار ۲۶ کنتال‌گندم در اروپا، ۹٫۶ در آسیا، ۷٫۹ کنتال از فی‌هکتار در افریقا بدست آمده است ولی در هالند در سالهای ۱۹۰۹–۱۹۱۳ حتی و سطی از هر هکتار ۲۳٫۴ کنتال گندم و درسال های ۱۹۶۳–۱۹۶۷ حدوسطی ۴۴٫۴ کنتال گندم بدست آورده است در حالیکه در عین زمان در هند کنتال از هر هکتار تغییر نکرده یعنی ۸٫۱ کنتال‌ماند همین طور کنتال برنج درسالهای ۱۹۰۹–۱۹۱۳ تا ۱۹۶۳–۱۹۶۷ در جاپان از ۳۰٫۸ به ۸٫۱۵ کنتال بلند رفته و بر خلاف در هند از ۱۶٫۵ کنتال به ۱۵٫۳ کنتال پایین افتاده است.

حل این موضوع عبارت ازجنس خوب غله جاتیکه حاصل بلند را دارا اند بکاربرده شود. رشداساسی آن ریفورم اجتماعی در زراعت و همچنین ترقی تخنیك زراعتی و تعمیم شیمی در زراعت میباشد. در آینده با استعمال آب های دریاها وابحار باتولیدات مواد غذایی ترکیبی و مصنوعی یکی از جهات اساسی زراعت است. آزاد ساختن نواحی کشت نباتات صناعتی که تا امروز ملیون ها هکتار رامصروف ساخته بودند امید واری زیادی‌جهت رشد و تقویه کشاورزی موجود است. بالاخره دلیل حقیقی جهت انکشاف وافزایش‌تولدات‌فوق‌العاده زیادرا کنترول و هم موضوعات عنعنوی را کنار گذاشته شود چنانچه ۱۹۰ ملیون گاو در هند مورد استفاده قرار نگرفته و هم در افریقا زنان از تخم و شیر استفاده نمی کنند در بعضی از کشور ها نظر به عنعناتیکه‌دارند صرف بیك یادو نوع غله جات اکتفا کرده که باعث گرسنگی شده وافراد بشر را دایما با گرسنگی دست و گریبان میسازد.

اشتراك مساعی و مجادله علیه گرسنگی:

اولین عکس العمل جهانی در مورد مجادله پروگرام غذایی ۱۹۶۲ ملل متحد علیه گرسنگی بوده که باگرسنگی مجادله و کمك های مداومی نموده‌اند. مخصوصا درسال های بحرانی حاصلات زراعتی‌البته این کمك ها هنوز هم تا مدت‌خیلی طویلی ضروریست تا بشر ازچنگال این حیوان درنده رهایی یابد.

علاوه بر کمك های مواد غذایی در پهلوی آن‌کمك تخنیکی که‌ازطرف اف،ای،او مرتب شده‌است، پاروی کیمیاوی، کافی، مواد مجادله علیه حشرات، ماشین آلات و نوع بهتر تخم، تعمیر مراکز تخنیکی ،ماشین آلات زراعتی، مراکز تجربوی، کمك های پولی از طرق صندقهای وجهی و اعتبارات بین المللی، مؤسسات صلیب احمر، سرمیاشت ها و با نکهای منطقوی یا محلی علاوه بر کمك های مستقیم رول مهمی را تجارت بین المللی تبادلوی باکمك های صناعتی که از وظایف **یو – ان ، سی – تی – ای – دی میباشد بازی می کند.**

ازطرف الف،ای،او پلان رشد انکشاف زراعت در جهان مطرح بحث قرار گرفته است که مبنی به پلان پنجساله‌جهت کمك های‌بهتر بین‌المللی میباشد. مجادله علیه گرسنگی از جمله فعالیت های ضروری بین المللی بوده که موضوع مواد غذایی جهان یکی از پروبلم های بزرگ موسسات مذکور میباشد که تاثیر بارزی در انکشاف اقتصادی وسیاسی تمام کشور های جهان خواهد داشت.

عکس العمل:

نظر به ازدیاد نفوس در سالهای بیست نفوس جهان تا به شش یا هفت ملیارد رسیده بود نشراتیکه اف،ای،او در۱۹۶۶ راجع‌به‌حاصلات زراعتی و بلند بردن مواد غذایی ترتیب داده‌است نشان میدهد که تاسالهای ۱۹۷۵–۱۹۸۵ چانس خوشبینی کمتر دیده میشود. در کشور های مترقی هنوز هم جهت اصلاح و ترتیب سطح مواد غذایی خود کوشانند تا سال ۱۹۷۷ بسیاری‌ازکشورها ازچنگال‌گرسنگی تااندازه یی رهایی خواهند یافت ولی احتیاجات فوری بشر بسیار امکان دارد تاده سال آینده رفع گردد بیشتر ازهمه کشور های آسیایی مخصوصا هند و کشور های افریقایی بعد از سال ۱۹۷۷از رهگذر گرسنگی تااندازه‌ای آرام خواهند شد. بی نظمی و بهم خوردگی انکشاف اقتصادی‌وتولیدات تدریجی امکانات بیشتری از قطع گرسنگی خواهد بود.

ژوندون

بقیه صفحه ۱۳

۲۳ ساعت خانواده

چگونه اطفال رها شدند، چگونه خانوادهٔ ویکشاید مصون اند و چطور صبح همه چیز درست می شود . و چگونه آنها تسلیم می شوند . مورگان تفنگش راپا یین می‌آورد وبا غضب می گوید (لعنت بمه اگر تسلیم شوم) .

در حالیکه ا و گپ می زند گز ا ر ش می‌رسد که‌نه نفردر کالیفرنیاکه که‌توسطدونفر اوباش به گروگان گرفته شده بودندقتل‌عام گردیدند.

جویس دیگر نشسته نمی تواند ، به‌اتاق خوابش می رود . بعدتر ، هنگامیکه المر باومی‌پیوندد بااضطراب میگوید(ماهم کشته خواهیم‌شد) وبار دیگر ضعف می کند المر سعی می کند او را آرام بسازد . ومی گوید که‌مور گان آدم متمدن تری است . و لی جویس باور نمی کند واین امر او ر ا می‌ترساند.

(این راهی نیست که این مردم دیوا نه عمل می کنند ؟ همین نیست که آدم می‌کشند وبعد معذرت میخواهند یامی خندند مه فکر می‌کنم که تاصبح زنده نخواهیم ماند.».

ساعت ۳و۳۰ ق . ظ .

ه شنبه ۸ اکتوبر .

زنگ تلفون برای مد تی صدا می کندچرا مورگان جواب نمی دهد المر از بستر خیز می‌زند . درگوشك تیلفون چیز ی شنیده نمی شود .

به‌آهستگی پایین می شود ومی بیند ا تفنگچه روی میز آشپز خانه مانده است.ودر اتاق سالون مورگان ظاهرا بخواب ر فته است . و لی آیا براستی خواب است ؟ آیا براستی گونه های پف‌کرده است استرا حت است ؟ تفنگ ۳۰در ۳۰ روی سطح اتاق نزدیکش قرار دارد. و تفنگ وینچستر نزدیك رادیو گذاشته شده‌است .

بیللی روی چو کی او درخواست یا چنن معلوم می شود . این درست‌نیست؟

آیا او ممکن تفنگچه را فراموش‌کند ؟

المر فکرمی کند دامی است . ممکن مورگان بیدار باشد ومراقب . او بطر ف اجاق می رود تا قهوه بسازد و در ضمن مراقب است که تفنگ روی میز پراست‌یانی ولی اطمینان غیر ممکن است . او بایدجاغور رابببنند یاماشه رابکشد .

ولی ممکن مورگان و بیللی براستی خواب باشند ، المر به آهستگی به اتاق شکا ر ش می خزد ، ویك قطی کارتوس ٤١٠ رامی‌یابد دو دانه آن رابه جیب می کند هنوز هم‌یك تفنگ دیگر در آنجا زیر بالا پو ش کهنه آویزان است. فکر می کند آن را بگیر دولی می‌ترسد ـ قلبش به‌شدت می زند ودوباره به سالون برمی گردد.

درغیابش جویس بیدار شده و پایین آمده است . ناگهان ، مورگان چشما نش راباز می کند، کالی می کشد، وسگرتی روشن می کند. پف بزرگ به‌سگرت زده و بقیه راروی قالی می اندازد . جویس او را ازآتش سوزی که ممکن از آتش سگرت ر خ بدهد آگاه می‌سازد . مو رگان سوخته سگرت ر ا می‌گیرد ودر سوخته دانی سگرت می اندازد . صدای جویس بیللی را بیدار می‌کند . به‌اتاق خواب می رود وبعد برمی گردد و رو ی چوکی بخواب می رود .

مورگان ظاهرا مست است، خودرا روی فرش کنار تفنگ ۳۰ در۳۰ می اندازدواندامش راباکالی بلند می کشد . برای لحظه ای ،المر می‌نگرد، هنوز نامطمین است، بعدبه اتا ق شکارش برمی گردد، تفنگ رابر می دارد . بعد باآگاهی ازاینکه پرکردنش چقدر صد ا تولید می‌کند، دروازه رامی بندد ، همینکه تفنگ را بازمی کند صدای آن رابا سر فه می‌پوشاند .

به‌آرامی اسلحه راپر می کند. و قتیکه تفنگ رامی بندد ، باز سرفه‌می‌کند.

به‌اتاق سالون برمی گردد ، تفنگ دردست وجویس به‌بالاخانه می رود که ایدای رابیدار کند. المر باآرامی ودقت راه می رود از میز قهوه تیر می‌شود و آزمایش می کند تفنگ رابه عقب مورگان نشانه می‌گیرد.

ولی همینکه انگشتش به ماشه می رسد درخود می برسد: (آیا درست است که‌این مرد خوابیده رابزنم ؟ آیا مه بزندگی ا ش خاتمه میدهم در حالیکه او این کاررا درحق ما نکرد ؟ واگر اورا بکشم آیاما می توانیم بعد از آن در این خا نه زندگی‌کنیم؟

می بیند که جویس پهلویش ایستاده وایدای درحالیکه جاکت روی سرش دارداز زینه هاپایین می شود . به‌آهستگی وسرعت تفنگ را پایین می آورد . تفنگ ونجسترو تفنگچه رابرمی دارد وزن وطفلش از در وازه آشپز خانه بیرون می کند . می‌داند که مورگان هنوز تفنگی دارد که در صور ت‌بیدار شدن از پشت آنان رانشانه‌خواهدزد.

دربیرون او دست هایش رابالا نموده‌چیغ می‌زند.

(آتش نکنید.)

بعد جویس والمر وایدای روی برف‌ها بادوش به‌طرف دکا ن‌المر می‌دوند.

باردیگر جویس از پریشانی هق هق می‌گرید. یك‌لحظه بعدتر ، موترگزمه‌باشدت داخل منزل میشود.

ساعت شش وپانزده ق. ظ .

درفضای نیمه روشن یك پو لیس فدرال از گویا می گوید :

(بیرون شوید . پنج ثانیه وقت دارید، دست‌هابالا !) مورگان هنوز ازخواب‌نشه‌است، بیرون می شود نگاه گوسپندوار ازچشم‌های پف کرده‌اش بیرون می شود . پو لیس‌هابه اونزدیك می‌شوند . دستبندش می‌زنند.

خانواده ی المر زمان زیاد ضرورت دارند تااز کابوس این حادثه رها یی یابند.

انیس

ژوندون

مسؤل مدیر :
علی محمد «بریالی»
معاون روستا باختری
مهتمم ع.م عثمان زاده
دمسئول مدیر ددفترتیلفون:۲٦٨٤۹
دمسئول مدیردکور تیلفون: ۲۱۹٦٠
سوچبورد ۲٦٨٥۱
دمعاون ددفتر ارتباطی تیلفو ن ۱٠
دتوزیع او شکایات مدیریت‌ارتباطی
تیلفون ٥۹
پته: انصاری واټ
داشتراك بیه
په‌باندنیو هیوادو کښی ۲٤ډالر
دیوی گڼی‌بیه ۱۳ افغا نی
په‌کابل کښی ٥٠٠ ۱ افغا نی.
شمارهٔ ۳۲

بقیه صفحه ۲۱

روز بازار

میرسانند . گویا مرکزیت دید وباز دیدو آشنایی را محلی تشکیل میدهد که در اطراف آن خیمه های زیاد بر افراشته شده و هوتلداران ومیخانه های شخصی از قراء ودهات مختلفهٔ در آنجا گرد آمده و با عرضه داشتن مشروبات ، کباب با شنواندن آواز های موسیقی محالی مشتر یان را پذیرایی میکنند .اکنون آبجو نسبت به‌شراب وبراندی بیشتر صر ف میگردد. علاوه از بازیها وسر گرمی های قدیمی ودلچسپ‌ازقبیل چرخ‌فلك ساده ، صحنه ها ونطایش حیوانا ت وحشی ، در آنجا خیمه هایی هم هست که‌بطرز بسیارجالب ومشعشع آراسته وچراغان شده وانواع قمار موتر دوانی ،چرخ فلك بشکل‌نطبکی پرنده و راکت ها بان مربوط میباشد واکثر این‌نو آوری هااز ایتالیا بدانجا برده شده است .

این همه وسایل ساعت تیری و اسباب خوشگذ رانی کافی است که مردم را از گوشه وکنار دور ونزدیك مملکت تحریك و تشویق‌کند که‌برخی از ایام تعطیل سالانه‌ی خود رادراین روز بازار بمصرف برسانند. یا هستند بعضی از کار گرانیکه چند یکشنبه (رخصتی هفتگی) کار میکنند تا برای اشتراك در بازار وقت کافی داشته باشند ،ویا خود دردو نوبت شب کاری میکنند تادر دو رو ز آزاد باشند بهمین‌ترتیب‌دیگر مردمان نیز سعی میورزند تا در روز های بازار خود را بکلی فارغ بسازند . مثلا دهاقین کار های مهم موسمی (انگور چینی یا خرمن جواری) را معطل میگذارند ،صنعتگران بر ای چند روز دوکانهای شخصی خو یش را بسته میکنند ،عساکر تقا ضای رخصت میکنند ،کار گران اجرتی که در خارج از یو گوسلاویا مشغول هستند یك روز رخصتی و یا وقت فراغت خود را غنیمت می شمرند .

در یو گوسلاویا گاهی هم رسوم وعادات عنعنوی باپین جدید حیات عصری تحول می پذیرد ولی این تحولات وتغییرات آنقدر ناگهانی وسریع است که‌مجال تطابق وتعاقب آن برای مردم و موسسات میسر نیست مثلا دهاقین که کار های‌خود را ختم کرده در شهر ها جاگز ین میگردند از سازش با زندگی صنعتی وراه ورسم مدنی‌حتی بدورمیباشند.

آنانیکه زندگی مرفه تری دارند بنابر روابط فامیلی‌وعلایق اجتماعی‌و وطنخواهی که ناگزیر ند با محیط خویش بسازند و با دیگران روا بط حسنه داشته باشند ،پس همین روز ها ورسوم عنعنوی است که این علایق ورشته ها را دست کم سالی یکبار باهم‌نزدیك سا خته‌تقویه و تحکیم می بخشد .خلاصه اینکو نه رسم ها وروز بازار ها ثابت ساخته است که در راه نزدیك ساختن آدمیز ادگان ودر ار تبا ط و وتماس مستقیم آنان انواع وسایل عصری چون‌رادیو ،تلویزیون وامثال آن بهیچو سیله‌نمیتواند جای رسوم و عنعنات باستانی را بگیرد یا با آنها درین راه رقابت کند .

(بقیه ص ۲۵)

مردی بانقاب بقه

متوجه شد که سرمایه اش در مخاطره افتاده است فوراوارد اقدام گردید و جیمز جان بلیس، یگانه رقیبش را که میتوانست باعث ورشکستگی و تباهی اش بشود، توسط افراد باند بقه ها تهدید کرد. هر گاه میخواست یک نفر را بترساند و تهدید کند، ولو بطرف مقابلش یك اتاشه نظامی میبود یایك تاجر ساده، بمجردی وجود چنین اشخاص خطری برای سرمایه گذاری اش بشمار میرفت جانسین هیچگاه برای آرام نشاندن او مضایقه نمی کرد. جانسن صرف یك سهو بزرگ را در طول دوره فعالیتش مرتکب شد و آن این بود که به ماتیلند موقع داد ما ننند خوکی در منزلی که خودش به اسم خود آنجا را خریده بود، زندگی کند وقتی متوجه شد که الك رد پای ماتیلند را گرفته و تا منزلش اورا تعقیب کرده است، به ماتیلند هدایت داد تا به چهار راه برکلی نقل مکان کند. برای او لباسهای جدید فرمایش داد و سپس او را مجبور ساخت به هوز سنهام رفت وآمد کند.

من از روی آهنپوش بام شاهد بیرون رفتن قاتل از عمارت بودم واز روی بام شاهد فیرهای تفنگچه به روی ماتیلند بودم. در آن‌موقع خودم را هم در مخاطره انداخته بودم وبه زحمت توانستم جان سالم از معرکه بدر ببرم.

خوب برای اینکه شما را بیشتر به ماجرای زندگی خودم آشنا ساخته باشم، متذکر میشوم که پنج سال تمام از لیم خبری نداشتم وتصمیم گرفتم به حیات او ادامه دهم تا پولهایم را بدست آورم. البته یك صندوق پولی که در ایست لای در چاه انداخته بودم وجود داشت. وباید احتیاط میکردم تا بصفت شخصی که آن عمارت را خریده بود شناخته نشوم. مدتی را در بر گرفت تا اطمینانم حاصل شد که دیگر کسی مرا نمی شناسد. وآنگاه با قرار داد خرید خانه در جیب سوار یك کشتی شدم که گوسفند حمل میکرد و خودم را به انگلستان رساندم. درست همان طوریکه قبلا شما آقایان گفتید با چند دالری که در کیسه داشتم، در ساوتهامپتون به خشکه پیاده شدم. مستقیما به عمارت خریدگی خود رفتم و آن جا را در وضع بسیار بدی یافتم.

بهر حال زندگی را در آن‌عمارت شروع کردم. از طرف روزاستراحت میکردم و تا جایی که امکان داشت آرامشم را حفظ مینمودم تا جلب‌نظر نکرده باشم. اما از طرف شب به کندن چاه و دور کردن گل و خاك آن می پرداختم تابه صندوق پول، رسیدم وقتی کارم را تمام کردم وصندوق پول را بیرون آوردم، سفری به فرانسه نمودم وباقیما نده زندگی‌امرا تا به ختم آن که امروز باشد، شما خود میدانید من به تحقیق و جستجوی بقه پرداختم. وزود متوجه شدم که‌اگر خالکوبی بازوی لیم را بطور کلی برای‌شناخت او مد نظر بگیرم، بدون شك نباید امیدی برای پیدا کردنش داشته باشم. زمانی دریافتم که ماتیلند یك عضو سازمان بقه ها می باشد تمام توجه ام را به ادارهٔ او وقف کردم. و با وسیلهٔ بسیار ساده دریافتم که ماتیلند بیسواد است.

یك روز در نزدیکی منزلش بااو صحبت کردم و پاکتی را برایش نشان دادم که روی پاکت نوشته بود: شما دسیسه کار و محتکر هستید!

بانشان دادن‌پاکت از اوپرسیدم شما این آدرس را می شناسید. او عمارتی را با انگشت نشان دادکه در انتهای خیابان وجود داشت و خودش با عجله از من دور شد. از همان لحظه مطمئن شدم که بقه جانسن است نه مانند ماتیلند.

جانسن نبوغ داشت. روشی را که او در ادارهٔ یك چنین سازمان بزرگ بکار می برد و مخصوصاً ترتیب کار او در ساحات خارج از وقت رسمی ودر بیرون اداره یك حقیقت آشکار می باشد.

او همه را در دام خود کشیده بود و هیچکس متوجه این لیاقت وقدرت اداره اش نبود. او تا آخرین لحظه با مهارت فوق العاده از نظر ها به دور ماند و هیچکس نتوانست هویت اصلی اش را بشناسد.

تصور میکنم تمام گفتنی های من بشما همین بود که عرض کردم وحال از شما خدا حافظی کرده و میگویم: برای شما عمر دراز وصحت وسلامتی می خواهم.

وقتی جوشا براد عازم لندن میشد، دیك والك‌او راتادم دروازه باغ همراهی نمودند دیك عذر خواسته گفت: من برای چند مدتی به‌دفتر نمی آیم. الك‌متبسمانه پاسخ داد. منهم این موضوع را حدس زده بودم. اما آقای میجر گاردون! لطفاً به من هدایت بدهید که با این دو صندوق پیدا شده در کلبه شتاین بروخ چه کار کنم؟

دیك جواب داد: من در آنجاهیچ صندوقی را ندیدم.

الك در حالیکه اشاره مینمود اظهار داشت: اما من آنها را دیده بودم. وقتی من باپولیس مادموازل بنت را آوردیم وبه کلبه‌بر گشتیم صندوقها ناپدید شده بود. جوشا براد در طول تمام‌مدت تا بازگشت ما در آنجا بود.

آنها یکی بطرف دیگردیدندودیك اظهار داشت: من اصلا میل ندارم این موضوع را تعقیب کنم. زیرا خودم رابسیار بسیار مدیون‌جوشا براد می پندارم.

الك جواب داد: من هم مثل شما مدیون او هستم الك با شرسا ری اظهار داشت: میدانید که او دیروز نظمی رابرایم تکرارتکرارخواندتاآنرا حفظ کنم؟ این نظم در حدود یکصد و پنجاه مصرع دارد. اما من صرف دو تای آنرا حفظ کرده‌ام. اینطور شروع میشود.

ویلهلم فاتح از انگلستان انتقام میگیرد.

در میدان نبرد هستینگ، ۱۰، ٦٦
آقای میجر گاردون، این یك مصرع عالیست. اگر ۱۰ سال پیش‌اینرا میدانستم، امروز رئیس پولیس لندن میبودم. الك تا وقتی به انتهای خیابان و نزدیك به‌استیشن ریل می رسید، دستش را به‌طرف دیك تکان میداد.

نور خورشید به روی برگهای مرطوب پنیرك ها در باغچه های عمارات دهکده می تابید. در آن لحظه دفعتاً یك حیوان کوچك سبز رنگ از گوشه‌ای پیدا شد و الك لختی خموشانه آنرا نگاه کرد.

آن موجود کوچك به اطرافش نظر انداخت و هم مامور پولیس جنایی را باچشمهای سیاه گرد و حیرتزده اش دید.

الك مامور پولیس جنایی با انگشتش اخطار کرد گفت: ای بقه! بعد ازین حیوان خوبی باش ـ حال به خانه ات بر گرد. دوران تو به سر رسیده است. مثل آنکه‌حیوان کوچك حرفهای الك را شنیده و فهمیده باشد. فوراً بر گشته، در میان علفهای بلند ناپدید شد.

صفحه ٦۲

بقیه صفحه ٤۳

چه‌عطری را

هستید ؟آیازن خانه وزندگی هستید ؟آیااز‌اهل ورزش هستید؟مایلید‌کدام‌یك‌صفاتتان رابیشتر بنظر بیاورید شخصیتتان رابه‌شیك پوشی‌ویا هوش ودانشتانرا ؟یاظرافت زنانگی تانرا؟ـ جاذبه جنسی تانرا ؟ونیز فکرکنید چه‌نوع عطر رادوست دارید.

عطر گل‌های وحشی ـعطر سبك ؟سنگین؟تند ؟ملایم ؟وحشی ویاآرام وسپس به‌این نکات توجه کنید ـ

ـهرگز عطری راکه دیگران انتخاب کرده وشما پسندیده‌اید برای خود انتخاب نکنید ونیزعطر را مستقیماً از شیشه بوی نکشید ،بلکه کمی ازآنرا به‌پشت دست بزنیدوسپس استشمام کنید.

ـباید بدانید که‌پوست های‌مختلف راباعطر های مختلف باید جور ـ کردو برای هرنوع پوست‌یك نوع عطرمناسب است اینکه می‌گویند برای آنهاکه موی سیاه ویاگیسوان بلند دارند عطر چنین وچنان‌باید انتخاب شود همه به‌خاطر نوع وترکیب پوست بدن می‌باشد ورنگ موی فقط علامتی است برای تشخیص نوع پوست ـوهرگز برای اینکه یك شیشه عطر جالب نظر شمارا جلب کرده ویاآنرا برای شما هدیه آورده انداز آن استفاده نکنید این درست است همان عطری باشد که‌مخالف پوست ویاتیپ شما باشدعطر سازان دنیا روی هرنوع عطر کارمی کنند،آنرا بدقت بررسی وآزمایش می‌کنند ،وهرعطر را برای تیپی مخصوص تهیه می‌کنند.

ـابتدا سعی کنید صابون ،پودر ویا سامان آرایش خودرا نیز ازنظر بوباعطر تان‌هماهنگ سازید.

ـاکسجن‌هوای آزادعطررا خراب‌میکندبرای‌اینکه هربار سر شیشه عطررا بازنکنید ،از شیشه هایی که مجهز به عطر پاش‌میباشند استفاده کنید.

ـنوروگرما دشمن عطر هستند ـدرنور افتاب درمدت چند روز عطر اصالت بوی خود رااز دست میدهد پس بهتر است شیشه عطرخود رادریك خانه میزحفظ کنید.

ـهرگز آب یاالکل به‌عطر تان اضافه نکنید.

ـسعی کنید ازخرید شیشه بزرگ عطر خود داری کنید وقتی‌در شیشه بازشد مدت‌زیادطول نمیکشد که‌عطر خراب‌وغیر قابل مصرف‌میشود معمولاً بعداز سه ماه که‌عطر هواخورد ماهیت خودرا ازدست میدهد همانطور که‌گفتیم عطر مو قهوی با عطر موسیاه‌باهم فرق‌دارند ولی این قانون بکلی صحیح نیست گاهی اتفاق می‌افتدکه عطریك‌تیپ‌به‌تیپ‌دیگری‌برازنده‌است دراین صورت دودسته می‌توانند ازیك نوع عطر استفاده کنید.

ژوندون

بقیة صفحهٔ ۳

پیام بناغلی رئیس دولت...

افزایش بی سابقه نفوس در دنیاباعواقب نامطلوب آن یکی از مسایل دیگری است که توجه فوری ملل جهان را ایـــجاب میکند و بنابر تصمیمات کنفرانس بخارست شا هـــد اقداماتی میباشیم کهقرار است در چو کات ملل متحد انجام گرفته واز رشد خطر نـــاك نفوس درسالهای آیـــنده جلـــو گـــر ی نماید.

دنیای معا صر با مشکلات عظیم اقتصـــا دی دوبرومی باشد ونظام فعلی اقتصادبین المللی یکی ازعوامل اصلی آن محسوب میشود، برای اینکه اکثریت مردم جهان بتوانند بهانکشاف سریع اقتصادی نایل شوند ، تبادل نظر و رسیدن بموافقت تنها از طریق این موسسه جهانی ممکن بنظر میرسد .

افغانستان بحیث یك کشور روبانکشا ف ازسهم سازمان ملل متحد برای بهبود و ضع اقتصادی ملل جهان تقدیر نموده وبهنو بـــه خود ازمساعی ملل متحد درین زمینه جـــدا پشتیبانی مینماید، از قراین موجوده برمیاید کهضرورت اتکا بهکوشش های دسته جمعـــی امکانات نوینی رابرای مذاکره میان کشورهای غنی وفقیر بوجود آورده ومیتوان امیدوار بود کهاین چنین مذاکرات روی مسایل اقتصاد ی واجتماعی در چو کـــا ت ملل متحد انجـــام گیـــر د .

بامسرت مشاهده میکنیم کهسازمان ملل متحد سال آینده مسیحی را بنام سال بین المللی زنان اعلام کرده و قرار است درین ســـا ل اقدامات وسیع به منظور پیشرفت حقوق زنان درسراسر جهان صورت گیرد.

حکومت افغانستان باساس گذشته و بـــه پیروی ازتصمیم مجمع جهانی برای ر سیدن باهداف ملل متحد صرف مساعی نموده و خوا هد کرد .

درخاتمه یکبار دیگر آرزو مندی خـــود و حکومت افغانستان رابرای پیشرفت هر چـــه بیشتر اهداف سازمان ملل متحد ابراز نموده وامید وارم مساعی ملل متحد درراه بســـط و تحکیم صلح ورفاه بین المللی قرین موفقیت باشد .



بمناسبت تجلیل از سالگرد ملل متحد تکت فوق العاده پستی کهبهسمبول آن مـــوسسه مزین است طبع گردیده است.

ابلاغیه وزارت مالیه

بانکنوت ده افغانیگی جدید بدوران چلند گذاشته شد





وزارت مالیه بهتعقیب ابلاغیه قبلی خویش بهاطلاع عموم هموطنان عزیز میرسانـــد که د افغانستان بانك برعـــلاوه بانکنوت های هـــزار افغانیگی صد افغانیگی وبیست افغا نیگـــی جمهوریت کهبدوران چلند قرار دارد بانکنوت نوع ده افغانیگی آنرا کهازنگاه رنگ وسایز ودیگر مشخصات بابانکنوت هـــای سابقـــه متفاوت بوده ومزین به فوتوی بناغلی رئیس دولت ومؤسس نظام جمهوری میباشد تهیه و عنقریب درپهلوی دیگر بانکنوت ها بدو ران چلند میگذارد. طوریکه بهاطلاع عموم رسانیده شده است عجالتا بانکنوت های طبع سا بق در پهلـــوی با نکنـــو ت هـــای طبـــع جد ید دارای حکم واحد پولی وعین قدرت وتبا دله واجرا میباشد.

بابه دوران گذاشتن این نوع بانکنو ت کهفوتوی آن درهمین شماره طبع شده است نیز از هموطنان محترم تقاضا میشود تابمقصد عوض نمودن یك نوت به نوع د یگر آن بهبانکها شهری خانگه هاونمایندگی هامرا جعه نفرموده از هردونوع نوت های جدید و سا بق منحیث پول قانونی برای معاملات وداد وستد استفاده نمایند.

دافغانستان بانك نوت های جدید را از طریق پرداخت های یومی خویش نظر بـــه احتیاج وضرورت کهبه مقدار پول در اقتصاد احساس می گردد پخش و تـــو ز یـــع مینماید .

بقیه صفحه ۳

تجلیل روز جهانی ملل متحد

محفل پس از تـــلاوت قرآن مجیدونواختن سرود ملی آغاز گرد یده ومتعاقبا دکتـــو ر غلام سخی نورزاد بناروال کابل ضمن بیانیه افتتاحیه خویش به نما یندگی از شهر یان کابل این روز فر خنده رابا امید استقرارصلح وامن گیتی ، تامین رفاه وسعادت عام بشریت تبریك وتهنیت گفت .

بناروال کابل مطالبی پیرا مون فعالیتهای این موسسه جهانی ایراد نموده و عـــلا و ه کرد کهدولت جمهوری افغانستان کهاز بـــدو تاسیس این مو سسه جهانی بهصفت یك دولت بیطرف وغیر منسلك عضویت ســـاز مـــا ن ملل متحد راپذ یرفته است در تمام امـــو ر بین المللی بحیث یـــك کشور بیـــطرف صلح خواه وتـــرقـــی پسند جامعه انسانـــی مـــواد منشور ملل متحد را محترم شمرده و پشتیبانی خودرا اظهار داشته است.

بعدا پیام دکتور کورت والـــد ها یـــم سرمنشی ملل متحد توسط دکتور قیو مـــی مدیر حفظ الصحه بناروا لی کابل قر ا ئـــت گردیده.

درین محفل همچنان بناغلی بار تو یـــك آمر نمایندگی پرو گرام انکشافی ملل متحد در افغانستان پس از تشر یـــح یك سلسله فعالیت های موسسه ملل متحد از هـــمکاری های مثمر ، کوشش های خستگی نا پذ یـــر حسن تفاهم ودرایت مقامات حکومتی د ولت جمهوری افغانستان در امر انکشاف آن اظهار قدردانی نمود .

در محفل سینما آریـــانـــا رئیس امـــور صحی بناروالی کـــابـــل، وکیل ریاست نشرات وزارت اطلا عات وکلتور ومعاون ریاست امور صحی بناروالی راجع باین روز جهانی بیانیه هایی ایراد کردند.

محفل بانمایش یك فلم وتـــوزیع شمارهٔ اختصاصی جریدهٔ پامیر به مناسبت این روز پایان یافت.

همچنین محفلی بدین مناسبت از طـــر ف پوهنځی حقوق وعلوم سیاسی در ادیتوریم پو هنتو ن کا بل تر تیب شـــــــد ه بود کهدر آن عده از روسای پو هنځی ها، استادان ومحصلان اشتراك ورزیده بودند.

محفل ساعت ده قبل از ظهـــر بانوا ختن سرود ملی آغاز یافته ومتعاقبا بیانیه افتتاحیه ازطرف پوهنوال د کتور غلام سخی معو ن رئیس پو هنځی حقوق ومرستیال پرو گرا م انکشافی موسسه ملل متحد استادان ومحصلان ایراد گردیده ودراخیر فلمی کهبیانگر فعالیت های این موسسه درسطح جهانی بودنما یش داده شده وعـــلا وتا نشریه های بـــز بـــان های دری وانگلیسی بمعد عوین تـــو ز یـــع گردید.

